



اعلام اعتماد مردم به نظام، برعکس تلاش دشمن برای ایجاد دوقطبی مردم و نظام و بی‌اعتباری انتخابات بود.

(رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای مجلس خبرگان - ۱۳۹۴/۱۲/۲۰)



نشریه داخلی سازمان بازرسی کل کشور / سال نهم / شماره ۷۵ / اسفند ۱۳۹۴

امضای یادداشت تفاهم همکاری بین سازمان بازرسی کل کشور ایران و کمیسیون درستکاری عراق



یادداشت تفاهم همکاری بین سازمان بازرسی کل کشور ایران و کمیسیون درستکاری عراق در مراسمی به امضای ناصر سراج و حسن الیاسری رسید. در این مراسم که با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین غلامحسین محسنی اژه‌ای معاون اول قوه قضائیه برگزار شد، تفاهم‌نامه‌ای در ۶ ماده به امضای ناصر سراج رئیس سازمان بازرسی کل کشور و حسن الیاسری رئیس کمیسیون درستکاری عراق رسید. این یادداشت تفاهم باهدف افزایش سطح همکاری متقابل بین سازمان بازرسی کل کشور ایران و کمیسیون درستکاری عراق در راستای درستکاری، شفافیت و پیشگیری از فساد طبق کنوانسیون سازمان ملل متحد و در حوزه‌های نظارت، بازرسی، مبارزه با فساد و فعالیت‌های آمبودزمنی منعقد گردیده است.

بنابراین گزارش سه‌شنبه چهارم اسفندماه، هیئتی عالی رتبه از کمیسیون درستکاری عراق به ریاست حسن الیاسری جهت دیدار با مقامات عالی قضایی و امضای تفاهم‌نامه مشترک وارد تهران شدند.

کمیسیون درستکاری کشور عراق همتای سازمان بازرسی کل کشور محسوب می‌شود که حسن الیاسری ریاست آن را بر عهده دارد.

علاوه بر دیدار با مقامات عالی قضایی و امضای تفاهم‌نامه همکاری مشترک بین دو کشور، برگزاری کارگاه آموزشی در تهران و مشهد و همچنین کنفرانس خبری مشترک با حضور الیاسری و ناصر سراج از دیگر برنامه‌های این هیئت بود.

• رعایت حریم خصوصی نظارت

شوندگان..... ۴

• بایسته های مبارزه با فساد اداری در

مجرای دین..... ۱۵

• کلاهبرداران..... ۴۵

• قابلیت‌های فرجام‌خواهی در آیین

دادرسی کیفری جدید..... ۲۴

• فرماندهان جوان در جبهه‌های

جنگ..... ۵۲

وزیر نفت در سازمان بازرسی کل کشور



مدیر نیست.

وی گفت: در جلسه حاضر مغایرت‌های قانونی قراردادهای جدید مطرح و نقطه نظرات شنیده می‌شود. در نهایت گزارشی از مغایرت‌های قانونی این قراردادها و همچنین توضیحات شما تنظیم و برای مسئولان عالی ارسال می‌شود.

در ادامه جلسه اشکالات سازمان بازرسی کل کشور به قراردادهای جدید نفتی مطرح و توضیحات وزیر نفت درباره قراردادهای ارائه گردید.

نشست مشترک رییس سازمان بازرسی کل کشور با وزیر نفت به منظور بررسی قراردادهای جدید نفتی سه‌شنبه بیست و هفتم بهمن در سازمان بازرسی کل کشور برگزار شد.

در این نشست قراردادهای جدید نفتی با حضور کارشناسان سازمان بازرسی کل کشور و وزارت نفت مورد بررسی قرار گرفت.

ناصر سراج رییس سازمان بازرسی کل کشور با اشاره به اشکالات سازمان بازرسی کل کشور به قراردادهای جدیدی نفتی گفت: تأکید می‌کنم که هدف سازمان بازرسی رفع اشکالات این قراردادها به نفع نظام و مردم است. هدف ما این نیست برای مدیران وزارت نفت پرونده تشکیل دهیم. قطعاً دنبال آن هستیم که مدیران را به انجام ریسک عادت دهیم؛ چراکه معتقدیم مدیری که نتواند ریسک کند،



یا مقلب القلوب و الابصار

بهار به مشام می‌رسد؛ بوی زندگی و نشاط، بویی که به قلبها حیاتی دوباره می‌بخشد؛ آری بوی سرشار از امید و حرکت. تغییر فصل، یکی از ملموس‌ترین نشانه‌های قدرت خداوند بر روی زمین است.

نوبهار است در آن کوش که خوشدل باشی

که بسی گل بدمد باز و تو در گل باشی

در چمن، هر ورقی، دفتر حالی دگر است

حیف باشد که ز کار همه غافل باشی

بهار فصل دگرگونی است. طبیعت خزان شده به ناگاه به امر خداوند سر از خاک بر می‌آورد و زنده و با طراوت می‌شود.

مشاهده دگرگونی شگرف طبیعت، درسی بزرگ و سودمند برای ما انسانهاست تا بهار و خزان عمر خویش را به یاد آوریم و به خویشتن بیندیشیم.

آمدن بهار، حیات تازه‌ای را نوید می‌دهد و لزوم تحول و جنبش را به انسان نهیب می‌زند. این تحول از طریق تلاش، کوشش و معنویت حاصل می‌شود.

بهار یکی از باشکوه‌ترین جلوه‌های خدا در جهان هستی است که می‌توان با تماشای آن، نقبی به عالم معنا زد و راهی به سوی خدا یافت و جمال پروردگار را به تماشا نشست.

ما با تعمق در ماهیت این تحول، می‌توانیم همراه با نو شدن طبیعت، دگرگونی حقیقی را در خود ایجاد کنیم. باید قلب خود را به شکوفه های ایمان، محبت و انسانیت بیاراییم و با احسان و کمک به دیگران، عطر خوش نועدوستی را بیافشانیم. نومی‌دی و سستی را از روح و جان خود بزدائیم و با روحیه ای پر از نشاط، زندگی تازه ای را آغاز کنیم.

فصل بهار، فصل نو شدن است و نوروز نیز، حکایت نو شدن و نو خاستن است و مجالی برای بیدار شدن و کسب معرفت.

از همین رو، هنگام تحویل سال، دست به دعا بر می‌داریم و از خداوند می‌خواهیم که عالی‌ترین شکل تحول را در ما ایجاد کند. حتی اگر وضعیت نیکویی داشته باشیم، نیکوتر از آن را طلب می‌کنیم: ”یا مقلب القلوب و الابصار، یا مدبر اللیل والنهار، یا محول الحول والاحول، حوّل حالنا الی احسن الحال“.

رعایت حریم خصوصی نظارت شونده‌گان

تهیه و تنظیم: علی احمدی، معاون بازرسی کل استان مرکزی

حتی بی‌پروایی و بی‌باکی و یادگرفتن دیگران شود، قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید:

«انَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ ان تَسَعَ الْفَاحِشَةُ فِي الدِّينِ اَمْنُو الْهَمَّ عَذَابُ الْاِيمِ ۶»

کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آن‌ها مقدور است.

امیرمؤمنان علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر می‌نویسد: دورترین و مبعوض‌ترین رعیت‌ها در نزد تو، آن‌ها باشند که در

باره عیب‌های مردم بیش از همه کنجکاو و پی‌گیری می‌نمایند، زیرا در مردم عیب‌هایی وجود دارد که ولی امر مسلمین سزاوارترین مردم به پوشانیدن آن‌هاست، پس هیچ‌گاه چیزهایی را که از تو غایب است فاش مساز، همانا تو به آنچه که، ظاهر است مکلف هستی و آنچه از تو پنهان است، حکم آن باخداست، و تا می‌توانی عیب‌ها و زشتی‌های مردم را بپوشان^۶»

همچنین خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «بعضی گمان‌ها گناه است^۸» سوءظن زمینه تجسس و تجسس زمینه غیبت و غیبت مهم‌ترین عامل برای گسستن اعتمادهاست.

البته انسان بر اساس حس حقیقت‌جویی و تجسس می‌خواهد همه‌چیز را بفهمد، اما باید توجه داشت که دانستن هر چیزی به نفع او تمام نمی‌شود، بلکه درک بعضی از مطالب، مضر است و سبب پشیمانی او خواهد شد.

البته میل به دانستن مانند هر میل دیگری، خودبه‌خود حد ندارد و دایره وسیعی را شامل می‌شود و انسان مایل است هر چیزی را بفهمد، اما راه فطری هر میل و از آن جمله میل به دانستن، این است که با توجه به سایر ابعاد وجود انسان و سایر میل‌ها و خواسته‌ها و گرایشاتی که خداوند در نهاد انسان قرار داده است جهت صحیح

مفهوم حریم خصوصی و حقوق ناشی از آن در دهه ۱۸۹۰ توسط یکی از قضات دادگاه‌های ایالات متحده به نام «لوئیس براندیس» در مقاله‌ای با عنوان «حقوق مصونیت و حقوق خصوصی» به کار رفت، او در مقاله یادشده، حریم خصوصی را به معنای حق تنها بودن برای افراد دانست.

با بررسی آموزه‌های دینی و وحیانی، ضرورت تکریم و عدم‌مداخله و تجاوز به حریم خصوصی نمایان می‌شود، به‌عنوان مثال، دستورات مختلفی در قرآن وجود دارد که از آن‌ها استفاده می‌شود، در حد امکان باید آبروی اشخاص حفظ شود، ازجمله: ممنوعیت سوءظن، تجسس^۱، ممنوعیت بدزبانی^۲ و ممنوعیت فاش کردن عیوب مؤمنان^۳.

با توجه خاص به آیات قرآن در این خصوص، استفاده می‌شود که پذیرش حریم خصوصی و عدم‌مداخله بی‌مورد در آن و نقض نکردن آن، حداقل حقوق انسان‌ها و مؤمنان است، هرچند هر مؤمنی ازجمله بازرسان و ناظران مکلف هستند که خود نیز در خلوت و آشکار، به مراقبت و رعایت حدود الهی بپردازند. در مقاله فوق با تعریف تجسس و حدود و ثغور آن و پیرامون موارد جواز تجسس مطالبی عنوان می‌گردد:

مفهوم تجسس:

در فرهنگ قرآن، تجسس عبارت است از: دنبال عیب‌های پنهانی مردم رفتن و از رازهای آن‌ها جهت آگاهی از امور ناپسند و پنهانی تفتیش نمودن^۴. تجسس از دیدگاه اسلام خصلتی ناپسند است، قرآن مجید در این خصوص می‌فرماید:

«لَا تَجَسَّوْا ۵» در کار دیگران تجسس نکنید.

تجسس در امور دیگران باعث برملا شدن نقاط ضعف دیگران و چه‌بسا موجب جسارت خطاکار و آشکار کردن زشتی‌های خود و

خود را پیدا کند، و به اصطلاح باید بگوییم: میل‌ها و خواسته‌های انسان در مسیر فطرت یکدیگر را تعدیل می‌کنند، عامل این تعدیل که همه میل‌ها و گرایشات انسان را در بزرگراه کمال انسانی و به اصطلاح قرآنی در صراط مستقیم قرار خواهد داد، عبارت است از: میل به کمال انسانی، از آنجاکه انسان، میل فطری به کمال همه‌جانبه خود دارد باید تلاش‌های علمی و همه تلاش‌های دیگر او نیز در همین مسیر قرار گیرد.^۹ پس بازرس و ناظر هم به‌عنوان یک انسان، برحسب طبع اولیه‌اش، روح تجسس و پرس وجود دارد، و مایل است از محیط خصوصی و خلوت دیگران از جمله مسئولین و کارکنان دستگاه‌های تحت نظارت و بازرسی، نیز از هر حیث آگاه شود، ولی این آگاهی نه تنها نفعی به او نمی‌رساند، بلکه احیاناً زیان‌هایی به دنبال خود دارد و اگر این کار در بین مردم رایج شود، مشکلاتی در سیستم اداری و زندگی اجتماعی به وجود خواهد آورد، پس علمی از این دست که از راه تجسس و از اسرار زندگی دیگران حاصل می‌شود مفید نیستند و حس کنجکاوی و حقیقت‌طلبی خویش را نسبت به آن باید محدود کرد.

قرآن مجید نیز انسان را از این نوع کنجکاوی و تجسس از اسرار دیگران باز می‌دارد و آن را در زمره رذایل اخلاقی به شمار آورده و می‌فرماید:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا مِنْ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا »^۹ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان‌ها بر حذر باشید که بعضی از گمان‌ها گناه است و در اسرار و محیط خصوصی زندگی دیگران کنجکاوی نکنید و پست سر یکدیگر حرف نزنید»

علامه طباطبائی در ذیل این آیه بیان داشته‌اند: کلمه « تجسس » با جیم به معنای پی‌گیری و تفحص از امور مردم است، اموری که مردم عنایت دارند، پنهان بماند و تو آن‌ها را پی‌گیری کنی تا خبردار شوی.

کلمه « تجسس » با حاء بی‌نقطه، نیز همین معنا را می‌دهد، با این تفاوت که تجسس باجیم، در شر استعمال می‌شود و تحسس با حاء، در خیر به کار می‌رود، و به همین جهت گفته‌اند، معنای آیه این است که: دنبال عیوب مسلمانان را نگیرید، و در این مقام برنیاپید که اموری را که صاحبانش می‌خواهند پوشیده بماند تو آن‌ها را فاش‌سازی^{۱۱}.

تجسس از دیدگاه اسلام، خصلتی ناپسند و یکی از معایب اخلاقی محسوب می‌گردد، و به شرحی که گذشت، عامل مؤثری در ایجاد بدبینی و از هم گسستن اخوت است و کسی که در پی لغزش‌های مؤمنان باشد، مسلمان واقعی نیست.

رسول خدا علیه‌السلام در روایتی می‌فرماید:

يا معشر من أسلم بلسانه (ولم یسلم بقلبه)، لاتتبعوا عثرات المسلمین، فانه من تتبع عثرات المسلمین تتبع الله عثرته و من تتبع الله عثرته یفضحه: ۱۲

ای کسانی که با زبان اسلام آورده، ولی در قلب مسلمان نیستید، لغزش‌های مسلمانان را پی‌گیری نکنید، زیرا کسی که لغزش‌های مسلمانان را دنبال کند، خداوند لغزش او را دنبال کند و خدا لغزش هر کسی را که پی‌گیری کند، رسوایش می‌سازد.

((موارد جواز تجسس))

مفسران در ذیل آیه شریفه: (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنْ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا ...) فرموده‌اند:

رأینا أنَّ القرآنَ یمنعُ جمیع أنواع التجسس بصراحة تامَّة ، و حیث إنَّه لم یذكر قیدا أو شرطاً فی الآیه فیدل هذا علی أنَّ التجسس فی أعمال الآخرین و السعی إلى إذاعة أسرار هم أثم^{۱۳}.

قرآن با صراحت تمام تجسس را در آیه فوق منع نموده، و از آنجا که هیچ‌گونه قید و شرطی برای آن قائل نشده نشان می‌دهد که جست‌وجو در کار دیگران و تلاش برای افشای اسرار آن‌ها گناه است. بنابراین در نگاه ابتدایی تمامی انواع تجسس حرام است، سؤالی که مطرح می‌گردد این است که آیا نوع و یا نوعی از تجسس از تحت این قانون عام (اصل عدم جواز تجسس) خارج شده است؟ پاسخ سؤال فوق بابیان مطالب زیر روشن می‌شود:

الف، در بیشتر روایات تجسس، روی دو قید ایمان و اخوت تکیه شده، و گویا به دخالت این دو، در حرام بودن تجسس اشاره دارد.

بنابراین، کسانی که بر ضد اسلام و ایمان، رویکرد مخالف داشته و یا بین مسلمانان فتنه‌انگیزی می‌کنند، از این اصل مستثنا بوده و تجسس در امور آنان جایز است.^{۱۴}

ب - سیره قطعی رسول اکرم و امام علی (علیه‌السلام) و نصوصی که به‌طور عام، جواز انجام این عمل را در موارد خاص صادر می‌نمایند، مانند: پیمان‌نامه امام علی (علیه‌السلام) به مالک اشتر، که

در آنجا می‌فرماید:

« جاسوس‌ها و مراقب‌ها را از راستان و وفاداران به مردم (برگزین و) بفرست ، چه را که پیمان نهانی تو با آن‌ها در امور و وظایفشان، آنان را به امانت‌داری و مدارا با توده مردم سوق می‌دهد.»^{۱۵}

البته در حال حاضر وظایف فوق توسط ناظران و بازرسان صورت می‌گیرد، و ایرادی هم ندارد.

ج - تجسس درجایی که مربوط به اسرار و جست‌وجوی عیب‌های فردی شخص نباشد، بلکه در رابطه با احراز توانمندی‌های شخص یا احراز عدم داشتن سوابق منفی جهت تصدی اموری که به منافع اجتماع مربوط می‌باشد جایز است، زیرا در این فرض، غرض اصلی احراز صلاحیت است و بعد از احراز و یا عدم احراز داعیه ای برای افشای اسرار وجود ندارد که باعث لطمه خوردن به آبروی افراد باشد. د- به مقتضای قاعده اهم و مهم، در معارضه دو مصلحت، همیشه مصلحت اهم مقدم بر مهم می‌شود، از این رو درجایی که امر بین تجسس حرام و حفظ نظام و یا ممانعت از هرج و مرج دایر شود، حفظ نظام که اهم واجبات است بر حفظ حرمت دیگران مقدم می‌شود و با توجه به اصل، تجسس برای روشن شدن حقایق، کشف خیانت، شناسایی کارشکنان و منافقان و... جایز می‌باشد.^{۱۶}

از این رو در حکومت اسلامی مأموران اطلاعاتی و دستگاه‌های نظارتی مصداق موضوع‌اند، همچنین وجود سازمان گسترده‌ای برای گردآوری اطلاعات مفید است، و از آنجا که بیم توطئه بر ضد جامعه، و یا به خطر انداختن امنیت و حکومت اسلامی می‌رود به تجسس برخیزند، و حتی در داخل زندگی خصوصی افراد جست‌وجوگری کنند.^{۱۷}

اگرچه در شرع و قانون دستورهای موردی در مورد حفظ و صیانت از عرض، آبرو و حیثیت افراد صادر گردیده و این امر به جد مورد تأکید آنان می‌باشد، ولی در جای‌جای این بیانات مواردی وجود دارد که این قاعده کلی را تخصیص زده و دستور به انجام اعمالی را داده که با دستورهای کلی قبلی در تعارض و تراحم می‌باشد.

لزوم بازرسی، بازداشت، اجرای امور کیفری درملاءعام و دیگر امور مشابه، مواردی است که شارع و قانون‌گذار با علم به ریخته شدن قسمتی از وجه عمومی و اجتماعی اشخاص، دستورهایی را در این زمینه صادر نموده و حتی بر لزوم اجرای آن نیز تأکید ورزیده در

تعارض می‌باشد.

التزام به لوازم تحقیق و تفحص از قبیل نظارت و بازرسی و حتی در موارد مرتبط با بیت‌المال ورود به حریم خصوصی افراد حقیقی و حقوقی، بازرسی از اشخاص و مراسلات آنان، مراقبت از مکالمات و تردها و... مواردی است که با احترام به حیثیت افراد و لزوم صیانت از آن در تعارض می‌باشد. لیکن از موارد استثناء بر اصل تجسس است.

که بعضاً به بعضی از این موارد به اختصار اشاره می‌گردد:

الف - در اصل ۷۶ قانون اساسی آمده است :

مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد. نظارت از طریق تحقیق و تفحص در تمام امور اداری، قضایی و سیاسی جزء لاینفک رسالت پارلمانی، به منظور تضمین منافع جامعه و حقوق و آزادی‌های مردم به شمار می‌رود.^{۱۸} تکلیف مجلس شورای اسلامی در رسیدگی به شکایات، حق هرگونه تحقیق مناسب را می‌دهد.

قانون‌های یادشده مراتب تحقیق را چنین پیش‌بینی نموده‌اند:

کمیسیون اصل نود می‌تواند، جهت کسب اطلاع کافی از مسئولین قوای سه‌گانه دعوت یا مستقیماً با آن‌ها مکاتبه نماید و آن‌ها مکلف به اجابت هستند.^{۱۹}

ب : قانون‌گذار، مشابه همین حق را در اصل ۱۷۴ قانون اساسی به قوه قضائیه داده و مقرر داشته :

« بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری سازمانی به نام « سازمان بازرسی کل کشور » زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون معین می‌کند.»

از سوی دیگر مستند به بند ب ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی همان‌طور که قبلاً اشاره شد، یکی از این مختصات اعمال مجرمانه، بحث از عوامل موجه جرم است، از مصادیق عوامل موجه جرم، ارتکاب عملی است که برای قانون اهم لازم باشد. بند ب ماده ۱۵۸ ق.م.ا در این مورد ارتکاب عملی را که برای آن‌ها مجازات مقرر گردیده ولی جرم محسوب نمی‌شود صراحتاً اعلام و مقرر می‌دارد: « در صورتی که ارتکاب عمل برای اجرای قانون اهم لازم باشد.» بنابراین، هرگاه انجام وظایف شخصی مستلزم به کاربران و انجام عملیات و اقداماتی باشد که در نتیجه آن‌ها به منافع غیر، لطمه

اجرای قانون اهم، اجازه تحقیق و تفحص در مورد اشخاص حقیقی و حقوقی را صادر نماید.

از موارد دیگر استثنای اصل تجسس دفاع مشروع است، البته آنجا که جان و مال یا شرف فردی مورد تجاوز است و فرصت توسل به قوای دولتی را ندارد و با فرار از محل تجاوز نتواند خلاصی یابد، حق دارد به قهر از خود دفاع کند، متجاوز ممکن است کسی عادی باشد یا مأمور دولتی، چون عنصر قانونی جرم‌ها در این دفاع نیست پس آن را جرم نشمرند.^{۲۰}

در تعریف واژه مذکور آمده است :

وتستعمل الکلمه فی اصطلاح الفقها فی دفاع خاص وقع فی الشریعه موضوعاً لاحکام خاصه.^{۲۱}

دفاع مشروع نیز شامل دفاع فردی و دفاع از کیان اسلام است. اسلام هر فردی را موظف کرده است در صورتی که هدف هجوم مهاجم، یا محارب، یا دزد قرار گرفت که می‌خواستند به جان و مال و ناموس او لطمه و آسیبی وارد سازند می‌تواند با تمام قدرت و تا پای جان به پا خیزد و از خود و ناموس و مالش دفاع کند و حتی در شرایطی که تفصیل آن در کتب فقهی آمده است اگر در این دفاع،

وارد شود، در شرایطی که اعمال مزبور در وضع عادی جرم تلقی شود، ارتکاب همان اعمال در اجرای قانون اهم، نسبت به مرتکب، جرم تلقی نمی‌شود، سلب آزادی به منظور نجات دیگری یکی از مصادیقی است که در اجرای قانون اهم موضوعیت دارد.

در ذیل همین ماده قانونی است که اجرای بعضی از مقدمات بحث تحقیق و تفحص در مورد اشخاص شکل گرفته و با

استمداد از قوانین موضوعی و مستندات شرعی از قبیل: ضرورت حفظ نظام، ادله ولایت مطلقه فقیه و... مکلف مجاز به اقدامات تحقیقی در خصوص اشخاص شده، و درواقع اجازه ورود به حیطه خصوصی و پوشیده افراد را پیدا می‌کند، که این خود نوعی تحدید برای آزادی‌های فردی و اجتماعی افراد می‌باشد.

لزوم حفظ نظام اسلامی از نفوذ اجانب و اشخاص فاقد صلاحیت، تشخیص سلامت و صلاحیت اشخاص برای واگذاری مناصب مهم کشوری و لشکری (که درواقع خود نوعی تسلط افراد بر منافع عمومی اشخاص است) احراز صلاحیت‌های لازمه برای تسلط و واگذاری نهاد خانواده به اشخاص (در بحث نکاح و...) از جمله اموری هستند که باعث گردیده، شارع و قانون‌گذار محترم در راستای



۱- وثاقت و راست‌گویی:

افرادی که برای گزارش دادن کارها و چگونگی عملکرد کارگزاران و... انتخاب می‌شوند باید راست‌گو به معنای واقعی کلمه باشند، زیرا اگر در گزارش‌هایی که ارائه می‌شود، کمی بر نمک آن بیفزایند و یا مطالب را مقداری خفیف‌تر انتقال دهند، در هر دو صورت مشکلات بسیار بزرگی به بار خواهد آورد. آنان باید به طور دقیق و در عین آنچه را که واقع می‌شود گزارش کنند و در ترسیم حالات و نقل کلمات با دقت تمام عمل کنند.^{۲۳}

بنابراین، عنصر وثاقت و اعتماد، نخستین عاملی است که در انتخاب مأموران نظارت و بازرسی، تحقیق و تفحص، دخالت دارد، اهمیت این امر تا جایی است که امام علی (علیه‌السلام) در عهدنامه و دستورهای تاریخی خود به مالک اشتر در مورد این که باید مراقب و مواظب رفتار کارگزاران و یاران خود باشد و کارهای آنان را زیر نظر داشته باشد، چنین می‌نویسد:

«رفتار آنان را زیر نظر بگیرد و جویای احوال آنان باش و جاسوسانی را که صادق و راست‌گو و وفادار به عهد خود هستند بفرست...»^{۲۴} و همچنین در این مورد روایتی هم از امام رضا (علیه‌السلام) نقل شده است:

حدثني الريان بن الصلت قال سئلت الرضا عليه السلام يقول كان رسول الله (ع) اذا وجه جيشان فأهمهم أمير بعث معه من ثقاته من يتجسس له خبره»

پیامبر اسلام (علیه‌السلام) هنگامی که لشکری را برای جنگ اعزام می‌نمود اگر به امیری اطمینان نداشت، فردی مورد اعتماد به همراه او می‌فرستاد که از او به آن حضرت خبر برساند.

۲- وفاداری

وفاداری یکی از صفات کلیدی است، زیرا اگر فردی وفادار نباشد، ممکن است شبکه تحقیقاتی و بازرسی را افشا کند. علاوه بر آن امکان خیانت و زد و بند با دشمنان خارجی و متخلفان داخلی وجود دارد که در این حالت ممکن است به صورت مأموران دوجانبه و بر اساس خواست دشمن با گزارش‌های غلط، مدیران و مسئولان را فریب دهند و به واکنش‌های نامناسب وادارند.

۳- شجاعت:

شجاعت و نترسی، عنصر مهمی در جهت انجام صحیح و سریع مأموریت است، زیرا ترس و محافظه‌کاری نتیجه کار را متزلزل

مهاجم، مجروح یا کشته شود، ضمان و مسئولیت جنائی متوجه شخص دفاع کننده نخواهد بود.

نوع دیگری از دفاع، دفاع از کشور اسلام، و امت اسلامی و ارزش‌های اسلامی است که برای حفظ اسلام و نظامات

اسلامی از دستبرد کفار درون‌مرزی و برون‌مرزی و با حمله دشمن به کشور و سرحدات بر هر فردی واجب می‌شود که با هر وسیله ممکن از بذل جان و مال دریغ نکند و به دفاع مقدس خود ادامه دهد تا دشمن را تار و مار سازد و از خود براند. فقها اغلب، این نوع دفاع از حوزه اسلام را در ضمن کتاب جهاد به بحث و بررسی گرفته‌اند.^{۲۵}

از دیگر موارد استثناء اصل تجسس ضرورت است، نظام و اداره جامعه، ضرورتی است که بدون آن همه شئون جامعه انسانی مختل شده و فقدان آن زندگی اجتماعی بشر را با بن بست روبه رو می‌سازد. از این رو، از دیدگاه اسلام، حفظ نظام واجب می‌باشد و وجود یک نظام، هرچند فاسد و ناشایست، بهتر از فقدان آن دانسته شده است.

ضرورت تشکیل نظام و حفظ آن به اندازه‌ای است که امام علی (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید:

وَ إِنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرَأَوْ فَأَجِرْ.

نظام امنیت در جامعه، مرهون وجود یک تشکیلات اطلاعاتی و تحقیقاتی و بازرسی است که مراقب تحرکات عوامل افساد و تخریب، و مجرمان باشد و تدابیر لازمه را درباره آن‌ها به موقع و سریع به اجرا گذارد.

برای حراست و حفظ یک نظام اسلامی لازم است مراکز و اشخاصی جهت تعیین صلاحیت‌ها، بازرسی و تفحص در مورد اعمال اشخاص حقیقی و حقوقی وجود داشته باشد.

رشوه‌خواری‌ها، اختلاس‌ها و سایر جرایم و تخلفاتی که در حوزه‌های اداری بوده و به عنوان مفاسد اداری از آن‌ها یاد می‌شود، بایستی شناسایی و عاملین مربوطه را تحت پیگرد قانونی قرارداد، برای این منظور و نظارت و بازرسی و کنترل پنهانی به نیروهایی با ویژگی‌های مخصوص نیاز است.

لذا بازرسان و ناظران و افرادی که برای حفظ حریم نظارت شوندگان مأموریت دارند، بایستی دارای برخی ویژگی‌های ایجابی به عنوان اوصاف ایجابی یا اخلاق حرفه‌ای باشند که به اختصار از:



برای هر کارگزاری است. خصوصاً افرادی که متصدی امور تحقیقاتی و بازرسی در رابطه با اشخاص هستند. اهمیت این امر به حدی است که امام علی (علیه السلام) درباره این ویژگی مهم و اساسی می فرمایند:

.... وَ نَوَحَّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجَرِبَةِ وَ الْحَيَاءِ مِنْ أَهْلِ الْبُيُوتَاتِ

الصَّالِحَةِ وَ الْقَدَمِ فِي الْإِسْلَامِ... ۲۸

و ایشان را از آزمایش شدگان و شرم داران از خاندانهای نجیب و شایسته و پیش قدم در اسلام به کارگمار.

۷ - مخفی کاری:

پنهان داشتن رازها و اطلاعات در ساختار ذاتی شخصیت همه افراد وجود ندارد بنابر لزوم مخفی کاری در کارهای تحقیقاتی و اطلاعاتی، تنها افرادی باید برای این امر گزینش شوند که توان ذاتی برای مخفی کاری را داشته باشند، زیرا اشراف به اطلاعات خانوادگی اشخاص و از طرفی دقت شارع مقدس برای حفظ حیثیت و شانیت افراد جامعه دقت این مهم را هر چه بیشتر می سازد.

۸ - حق گرایی:

تنوع و تعدد کشش ها و جاذبه های دنیوی که در مسیر حرکت انسان ها وجود دارد باعث می شود که امکان تخلف از مسیر حق و حقیقت را برای انسان ها بیشتر سازد. اشخاصی که به امر تحقیق و تفحص مبادرت می ورزند، از این امر مستثنا نبوده و حتی بیشتر در معرض این انحراف قرار دارند، لذا این اشخاص باید بیشتر از دیگران به حقیقت جویی و حق مداری مقید بوده، تا جایی که جاذبه های دنیوی از قبیل مال مقام و شهوت و...، آن ها را نفریبند. امام علی (ع) می فرمایند:

می کند و حضرت علی (علیه السلام) به یکی از کارگزاران خود می فرماید:

وَلَتَكُنْ عِيونَكَ الشَّجْعَانُ فَإِنَّ الْجَبَانَ لَا يَأْتِيكَ بِصَحْه

الامر : ۲۵

مأموران اطلاعاتی خود را از بین افراد شجاع انتخاب کن، زیرا آدم ترسو گزارش صحیحی به تو ارائه نمی دهد

۴ - حسن شهرت:

برای احراز برخی از جایگاه های خدمتی تنها عدم سوء سابقه کفایت می کند، ولی در بعضی از موارد نمی توان به این مقدار از گواهی های عمومی بسنده کرد، بلکه زمینه ای روشن تر متقن تری می باید تا احراز صلاحیت میسر گردد. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در یکی از فرمایش های خود ضمن تأکید بر ضرورت وجود سیستم اطلاعاتی، می فرماید:

ثُمَّ لَا تَدْعُ أَنْ يَكُونَ لَكَ عَلَيْهِمْ عَيُّونٌ مِنْ أَهْلِ الْأَمَانَةِ وَالْقَوْلِ بِالْحَقِّ عِنْدَ النَّاسِ. ۲۶

بلکه جامعه باید به صداقت و امانت کارگزار اطلاعاتی گواهی دهد.

۵ - خوش برخوردی و مردم داری:

انجام امور نظارت و بازرسی و تحقیقاتی تنها در بستر روابط تشکیلاتی و قانونی تحقق نمی یابد. از همین رو لازم است با ایجاد ارتباط دوستانه با مردم، منابع موثق و حسن برخورد به آن ها، به اطلاعات لازم دست پیدا کرد. برای این کار بازرس محقق می کوشد تا با ارتباط عاطفی، موقعیت اجتماعی خود را تحکیم بخشد و به اهداف خویش نایل آید. در حدیثی که امام حسن مجتبی (علیه السلام) به وصف پیامبر اکرم (ص) پرداخته، می فرمایند.

وَ يُحَذِّرُ النَّاسَ وَ يَحْتَرِسُ مِنْهُمْ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَطْوَى عَنْ أَخَذِ بُشْرَةٍ وَ لَا خُلْفَةٍ وَ يَتَفَقَّدُ أَصْحَابَهُ وَ يَسْأَلُ عَمَّا فِي النَّاسِ... ۲۷

پیامبر اکرم (ص) با آن که در ارتباط با مردم همواره هشیاری و محافظت لازم را حفظ می کرد، ولی این مراقبت ها موجب نمی شد که خنده رویی و خوش خلقی را از کسی دریغ بدارد و با اصحاب با ملاطفت برخورد می کرد و از مردم در مورد مسائل خودشان سؤال می نمود.

۶ - اصالت خانوادگی و سابقه اسلامی:

اصالت خانوادگی و سابقه اسلامی یکی از ویژگی های مهم و لازم

«کارگزار باید پایبندترین افراد به حق باشد»

از آنچه بیان گردید می‌توان بدین نتیجه دست یافت که :
جست‌وجو در خصوص اشخاص به دو قسم ممنوع و مجاز تقسیم می‌شود که به یک اعتبار می‌توان ممنوعیت و یا جواز آن را مبتنی بر قصد و غرض شخص جست‌وجوگر و با اهمیت امری که به جهت آن جست‌وجو صورت می‌گیرد دانست، بدین بی آن‌که: هرگاه غرض فرد جست‌وجوگر، دنبال کردن عیب‌های دیگران به قصد ضربه زدن به آبرو و هتک حرمت مؤمنان باشد و هیچ غرض عقلایی در کار نباشد، ممنوع حرام بوده و در مواردی که فرد جست‌وجوگر، این جست‌وجو را در جهت رعایت مصلحت برتر و با اهمیت‌تری مثل حفظ نظام با انجام وظایف قانونی و شرعی به انجام رساند، نه تنها جایز، بلکه واجب است.

و این امر نباید، بهانه‌ای برای شکستن حرمت این قانون اصيل اسلامی شود، و افرادی به بهانه مسئله «توطئه» و «اخلال به امنیت» و یا بازرسی به خود اجازه دهند که به زندگی و حریم خصوصی مردم و کارکنان دولت یورش ببرند، پس در بازرسی و نظارت‌ها، که اطلاعات لازم برای موضوعات مرتبط و حتی در امور اطلاعاتی که برای حفظ امنیت جامعه، ضرورت جست‌وجو می‌باشد، بسیار دقیق و ظریف است، و مسئولان اداره امور، باید دقیقاً مراقب این مرز باشند، تا حرمت اسرار انسان‌ها حفظ شود، و هم امنیت و آرامش جامعه و حکومت اسلامی به خطر نیفتد.

در نهایت این‌که : به مقتضای اطلاق نهی «لاتجسسوا» اصل اولیه در مورد احوال اشخاص حقیقی و حقوقی ممنوعیت تحقیق و تفحص بوده، زیرا حیطه زندگی اشخاص محترم بوده، و افراد نمی‌توانند بدون هیچ بهانه‌ای وارد زندگی و امور خصوصی دیگران شوند، مگر آنجایی که در امر مهم‌تری از حفظ حریم خصوصی افراد وجود داشته باشد که این امور در شرع مقدس، و قوانین مرتبط احصاء شده است و حتی گاهی اوقات به جهت مسائل مهمی، باید از این قانون کلی صرف‌نظر کرد.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- قرآن کریم، سوره حجرات، آیه ۱۲
- ۲- قرآن کریم، سوره حجرات، آیه ۱۱
- ۳- قرآن کریم، سوره نساء آیه ۱۴۸
- ۴- المیزان - جلد ۱۸، صفحه ۳۲۳
- ۵- قرآن کریم، سوره نور، آیه ۱۹
- ۶- قرآن کریم، سوره شور آیه ۱۹
- ۷- نهج البلاغه، نامه ۵۳، صفحه ۴۲۶
- ۸- قرآن کریم، سوره حجرات، آیه ۱۲
- ۹- مشکاه (اخلاق در قرآن) حضرت آیت ا... مصباح جلد دوم صفحه ۱۰۴ و ۱۰۵
- ۱۰- قرآن کریم، سوره حجرات، آیه ۱۲
- ۱۱- تفسیر المیزان - علامه محمد حسین طباطبائی - ترجمه موسوی همدانی، جلد ۱۸، صفحه ۴۸۴
- ۱۲- مرکز تحقیقات اسلامی، اخلاق اطلاعاتی، ص ۵۵، ۵۷
- ۱۳- ناصر مکارم شیرازی، الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۱۶، ص ۵۵۳
- ۱۴- مرکز تحقیقات اسلامی، اخلاق اطلاعاتی، ص ۵۷ و ۵۸
- ۱۵- نهج البلاغه، ص ۳۷۴
- ۱۶- مرکز تحقیقات اسلامی، اخلاق اطلاعاتی، ص ۵۸
- ۱۷- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۱۸۸
- ۱۸- سید محمد هاشمی، حقوق بشر و آزادیهای اساسی، ص ۲۳۷.
- ۱۹- ماده ۲ قانون نحوه اجرای اصل نودم قانون اساسی (سید محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، ص ۱۶۶)
- ۲۰- محمد جعفر لنگرودی، همان، ج ۳، ص ۱۹۳۸.
- ۲۱- علی مشکینی، مصلحات فقه، ص ۲۴۵.
- ۲۲- شهید ثانی، الروضه البهیة فی شرح المعه الدمشقیه، ج ۹، ص ۳۴۸ و کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام، ج ۱۰، ص ۶۴۹.
- ۲۳- روح اله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۷، ۴۸۵.
- ۲۴- نهج البلاغه، ص ۴۸.
- ۲۵- عبدالله بن جعفر حمیری، قرب الاسناد، ج ۳، ص ۱۴۸.
- ۲۶- علی احمدی میانجی، اطلاعات و تحقیقات در اسلام، ص ۱۲۷.
- ۲۷- علامه مجلسی، بارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۵۱.
- ۲۸- همان، ج ۱۶، ص ۱۵۱.
- ۲۹- نهج البلاغه، ص ۳۷۴
- ۳۰- علی احمدی میانجی، اطلاعات و تحقیقات در اسلام، صفحه ۱۳۴

کاربرد فنون و سازوکارهای مدیریت راهبردی در فرآیند اجرایی برنامه‌های نظارت و بازرسی راهبردی

حمیدرضا خوشحالی

سربازرس گروه هواپیمایی و فرودگاه‌ها

محمد دولت‌آبادی تکابی

کارشناسی نظارت و بررسی‌های راهبردی

بازرسی امور راه و شهرسازی

مقدمه :

مدیریت راهبردی به سازمان‌ها این امکان را می‌دهد که به شیوه‌ای خلاق و نوآورانه عمل نموده و برای شکل دادن به فعالیت‌های آتی خود به صورت انفعالی عمل نکنند.

این نوع مدیریت باعث می‌شود که سازمان‌ها دارای ابتکار عمل باشند و فعالیت‌هایشان به گونه‌ای درآمد که در تمام ابعاد سیستم سازمانی به طور جامع اعمال نفوذ نمایند (نه اینکه فقط در برابر کنش‌ها، واکنش نشان دهند) و بدین گونه سرنوشت آتی خود را رقم زده و آینده را تحت کنترل درآورند. در این راستا حتی مدیران سازمان‌های کوچک، مدیران اجرایی، رؤسا و مدیران سازمان‌های انتفاعی و غیرانتفاعی هم متوجه منافع و مزیت‌های عدیده ناشی از به کارگیری شیوه مدیریت راهبردی شده‌اند و این واقعیت‌ها را پذیرفته‌اند.

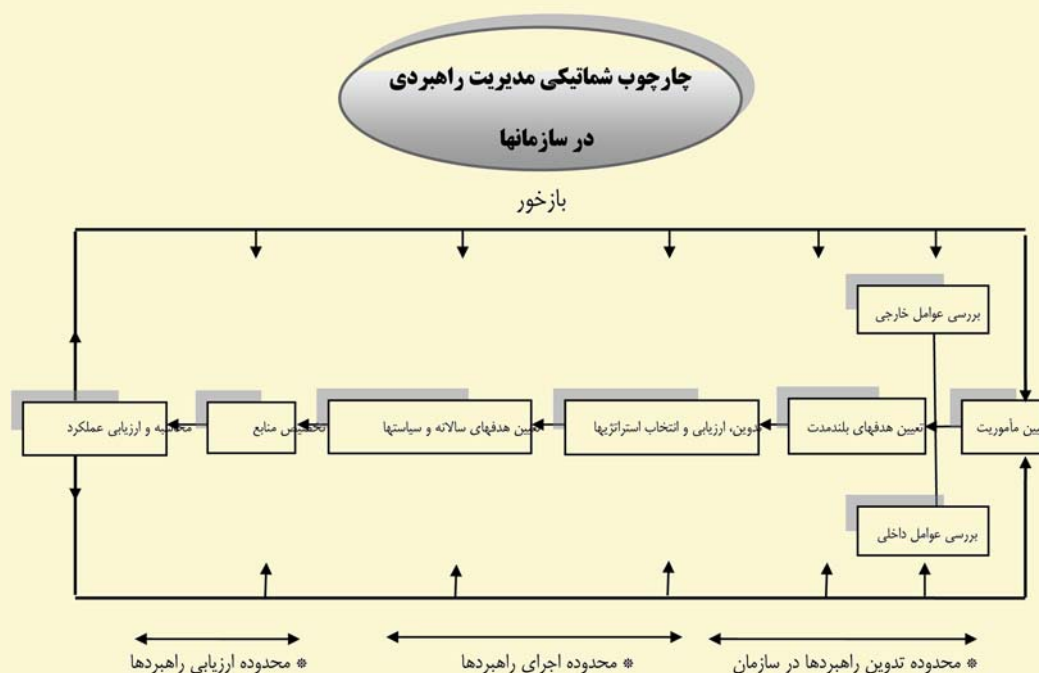
از نظر تاریخی، منفعت عمده مدیریت راهبردی این بوده است که به سازمان‌ها کمک کند تا از مجرای به کارگیری روش‌های منظم‌تر، معقول‌تر و منطقی‌تر راه‌ها یا گزینه‌های راهبردی را انتخاب نمایند و بدین گونه راهبردهای بهتری را تدوین نمایند.

تردید نیست که این رویکرد‌ها از منافع اصلی مدیریت راهبردی می‌باشند، اما نتیجه تحقیقات اخیر علمی حاکی از این است که این فرآیند (و نه تصمیمات اتخاذ شده با مدارک و اسناد)

می‌تواند در مدیریت راهبردی نقش مهم‌تری ایفاء کند.

ارتباطات کلید اصلی موفقیت راهبردهاست، مدیران و کارکنان از طریق درگیر شدن در این فرآیند خود را متعهد به حمایت از سازمان نموده و به عبارتی مدیریت مشارکتی می‌تواند به عنوان رکنی از ارکان اصلی مدیریت راهبردی نقش ایفا کند.

در فرآیند مدیریت راهبردی تشخیص و شناخت نقاط قوت و ضعف درون سازمانی هر دستگاه اجرایی یا هر بنگاه انتفاعی یک اصل محسوب می‌شود، از سوئی شناخت و شناسایی کامل تهدیدهای پیرامونی و فرصت‌های در اختیار می‌تواند به عنوان رویکردهای تعیین کننده نسبت به کاهش تهدیدها و یا موجب کم کردن اثرات تهدیدات خاص (مانند تحریم‌ها) و تلاش در به صفر رساندن آن‌ها در کنار فعالیت‌ها و برنامه‌های مؤثر برای بهره‌برداران از فرصت‌ها و بقای هدفمند و پایداری و ثبات سازمان‌ها عمل نمایند و سازمان بازرسی هم طبق شرح وظایف و قوانین و دستورالعمل‌های اجرایی خود می‌تواند به صورت شایسته از طریق به کارگیری سازوکارهای مدیریت راهبردی نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین را در دستگاه‌ها اداری منطبق با اصل یکصد و هفتاد چهارم قانون اساسی ج.ا.ا را به صورت کارآمد و مؤثر محقق نماید.



سازمان بازرسی کل کشور نیز در راستای افق آینده سازمان در جهت تحقق سند چشم انداز نظام با تشکیل شورای راهبردی در سازمان و کمیته های برنامه ریزی به این مهم پرداخته و با استفاده از نیروهای کارشناسی داخلی و افراد صاحب نظر برون سازمانی نسبت به تحقق این امر مهم اقدام و در چارچوب بیانیه سازمان بازرسی کل کشور که به شرح ذیل تدوین شده، در راستای افق چشم انداز عمل می نماید.

چشم انداز سازمان بازرسی کل کشور:

در پرتو ایمان و باور جمعی و با تلاش برنامه ریزی شده متناسب با وظایف قانونی در راستای دستیابی به آرمان های نظام مقدس ج.ا.ا. جهت اعمال نظارتی کار و اثربخشی بر دستگاه های اجرایی کشور، کسب اعتماد عمومی مردم و مسئولین و نقش خود را در تحقق چشم انداز برای نیل به اهداف کارآمدی نظام اداری، تقویت قانونمداری و دستیابی به جامعه ای پاک و دور از فساد در دستور فعالیت های سازمانی قرار داده است و در این ارتباط با تشکیل گروه های نظارت و بررسی های راهبردی در بازرسی های کل نسبت به شناسایی موضوعات راهبردی، جمع آوری اطلاعات پایش شاخص ها و برگزاری نشست های علمی و تخصصی با توجه به رویکردهای علمی فرهیختگان و تجارب صاحب نظران با گروه های بازرسی در تهیه و تدوین گزارش های نظارتی از موضوعات راهبردی و تجزیه و

۱- FEED BACK

۱- بازخورد

۲- EXTERIOR

۲- بررسی عوامل خارجی

FACTORS

۳- MISSION

۳- تعیین مأموریت

۴- INTERIOR FACTORS

۴- بررسی عوامل داخلی

۵- LONG TERM

۵- تعیین هدف های بلندمدت

MISSIONS

۶- ASSIGING

۶- تدوین، ارزیابی و انتخاب استراتژی ها

& SELECTION STRATEGIES

۷- POLI C iES

۷- تعیین هدف های سالانه و سیاست ها

ANNUAL MISSION

۸- RESOURcES DEDIATION

۸- تخصیص منابع

۹- APPRAISAL

۹- محاسبه و ارزیابی عملکرد

رویکرد سازمان بازرسی کل کشور به مدیریت راهبردی

با ابلاغ سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، سازمان ها و دستگاه های اجرایی کشور هر یک نسبت به تهیه و تدوین چشم انداز و نقشه راه خود در افق تعیین شده پرداخته اند.

شناسایی اسناد بالادستی با توجه به سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری «مدظله العالی»، برنامه چشم انداز ۲۰ ساله نظام، قوانین پنج ساله توسعه ای کشور، و بررسی همه جانبه و دقیق مدل راهبردی نظیر «SWOT» می‌باشد.

- ۳- برنامه ریزی راهبردی سازمان ها را در راستای «راهبرد اصلی» و تعیین برنامه های عملیاتی رهنمون می‌نماید.
- ۴- اجرای برنامه ها.
- ۵- کنترل و بازخور جهت اصلاح مسیرهای طی شده.

نکات کلیدی و قابل توجه در فرآیند مدیریت راهبردی

- نکته ۱) مسئولان اجرایی هر سازمان و بنگاه اقتصادی نقش اصلی را در مدیریت راهبردی دستگاه خود ایفا می‌کنند.
- نکته ۲) دستگاه‌های بازرسی نظیر سازمان بازرسی کشور دخالتی در «اجرا» نداشته طبق قانون مجاز نیستند و نمی‌توانند نظرات خود را به مسئولان اجرایی دیکته کنند.
- نکته ۳) هر مسئولی به اندازه اختیارات قانونی که به او اعطاء شده، دارای اختیار می‌باشد و سازمان های کنترلی نمی‌توانند اختیار او را سلب و یا در حیطه اقتدار و اختیار او دخالت کنند.
- * بنابراین: سؤال این است، پس سازمان های کنترلی که نمی‌توانند در اجرا دخالت کنند، نقش آنها چیست و چگونه باید به وظیفه خطیر قانونی خود عمل نمایند؟
- * پاسخ به این پرسش کمی پیچیده به نظر می‌رسد، که نکات زیر برای تبیین امور قابل تأمل و مذاقه می‌باشند و به حل مسئله کمک می‌کند:
- ۱- سازمان های کنترلی از جمله سازمان بازرسی کل کشور نقش نظارت بر اجرا را دارند.
- ۲- سازمان های کنترلی وفق قانون حق بازرسی از عملکرد مسئولان و دستگاه‌ها را دارند.
- ۳- سازمان های کنترلی در اعمال وظایف نظارت و بازرسی برای حصول اطمینان از اینکه دستگاه‌های تحت بازرسی در راستای «مأموریت و رسالت اصلی» سازمانی شاخص‌های حاکمیت قانونی، و حسن اجرای امور را به خوبی رعایت می‌کنند، ایفای نقش می‌کنند.
- ۴- اعمال نظارت هایی که موجب «پیشگیری» از انحراف در عملکردها شود نیز جزو وظایف دستگاه‌های کنترلی است.

تحويل آن‌ها، بررسی لوایح و طرح های قانونی مرتبط و ارائه پیشنهادهای اصلاحی و... مشارکت و همکاری می‌نماید.

شرح به کارگیری راهبردها (نقاط قوت، ضعف، فرصت ها و

تهدیدات) در جهت پویایی سازمان ها ۱

- ۱- نقاط قوت یا نقاط قوت درون سازمانی (۲)
- ۲- نقاط ضعف یا نقاط ضعف درون سازمانی (۳)
- ۳- فرصت ها یا فرصت های محیط پیرامونی سازمانی (۴)
- ۴- تهدیدها یا تهدیدهای محیط پیرامونی سازمان ضرورت شناخت نقاط قوت و نقاط ضعف درون سازمانی هر دستگاه اجرایی یا هر بنگاه اقتصادی بسیار اهمیت دارد و از اولویت های کلان مدیران است و از طرفی کشف، شناخت و شناسایی کامل تهدیدهای پیرامونی و فرصت های در اختیار از پیش نیازهای اقدامات لازم برای کاهش تهدیدها و یا کاهش اثرات آن تا حد ممکن در کنار فعالیت‌ها و برنامه های مؤثر برای استفاده از فرصت ها، برای یک سازمان دینامیک پویا و به تعبیری پیشرو می‌باشد.

چرخه مدیریت راهبردی

- ۱- شناخت جامع «رسالت و مأموریت اصلی» دستگاه های اجرایی و سازمانی و حرکت و تلاش آگاهانه در راستای آن رسالت اصلی سازمانی، دسترسی به اهداف سازمانی را تسهیل می‌نماید.
- ۲- اتخاذ «راهبرد اصلی سازمانی» در سازمان نیازمند مطالعه و



۵- بررسی و پایش بازخوردهای سازمان های اجرایی، امکان اصلاح مسیرهای اشتباه یا انحرافی را برای دستگاه های کنترلی فراهم می کند.

۶- از وظایف بسیار حساس دستگاه های کنترلی «هدایت» دستگاه های اجرایی تحت نظارت و بازرسی به سمت حسن اجرای امور و رعایت کامل «شاخص ها و ملاک های قانونی»، است که البته و بدون تردید نیازمند صبر، حوصله، حلم، پایش مستمر و تبادل نظر با فرهیختگان و دلسوزان ذی ربط است.

۷- سازوکار مؤثر در نظارت و بازرسی با عنایت به مطالب فوق الذکر، انتخاب درست «موضوع بازرسی» است. موضوعاتی که دغدغه های عام جامعه را پوشش دهد اولویت های روز جامعه باشند. ۸- انتخاب موضوع ها از ناحیه «کارگروه ویژه صاحب صلاحیت و باتجربه و آشنا به محیط سازمانی دستگاه های اجرایی تحت بازرسی» نیز قابل احصاء و امکان پذیر است.

جمع بندی پیشنهادها

شناسایی موضوعات راهبردی با توجه به، فرامین مقام معظم رهبری «مدظله العالی» و اسناد بالادستی نظیر سند چشم انداز، سیاست های کلی نظام، قوانین برنامه های توسعه ای و برنامه های راهبردی حوزه های نظارت و بازرسی و مشارکت و همکاری با گروه های بازرسی در تهیه و تدوین برنامه های نظارت و بازرسی از موارد تعریف شده در شرح وظایف گروه نظارت و بررسی های راهبردی می باشند که اخذ آن ها برای بهره برداری احصاء و تدوین گردیده است می توانند چراغ راه برنامه های راهبردی ماجرایی آن ها باشند.

• در مدیریت راهبردی تشخیص و شناخت نقاط قوت و ضعف درون سازمانی هر دستگاه اجرایی یا هر بنگاه اقتصادی یک اصل محسوب می شود، از طرفی شناخت و شناسایی کامل تهدیدهای پیرامونی و فرصت های در اختیار نیز یک ضرورت است، تا بتوان نسبت به کاهش تهدیدها و یا کاهش اثرات تهدیدهای خاص (مانند دور زدن تحریم ها) و تلاش در به صفر رساندن آن ها در کنار فعالیت ها و برنامه های مؤثر برای بهره برداری از فرصت ها و در جهت بقاء و ثبات و بهره وری سازمان ها مورد استفاده واقع گردند.

لذا با توجه به وظایف قانونی سازمان های کنترلی و با تأکید بر شرح وظایف قانونی سازمان بازرسی کل کشور، ضرورت دارد سازمان برنامه های نظارت و بازرسی خود را بر مبنای مأموریت و رسالت اصلی دستگاه اجرایی تحت نظارت و بازرسی تنظیم و بازرسان

به درستی آن ها را اجرایی نمایند.

به گونه ای که سازوکارهای مؤثر در انتخاب موضوعات بازرسی و عملیاتی کردن آن ها دغدغه های عام جامعه را موزون با اولویت های روز جامعه پوشش دهد و همچنین هدایت مدبرانه دستگاه های تحت نظارت و نهایت بررسی و پایش بازخوردهای سازمان ها برای اصلاح مکرر عملکردهای قانونمند دستگاه ها، اعلام هشدارها و تذکرات قانونی در پیشگیری از انحرافات عملکردی خلاف موازین قانونی، بایستی در دستور کار و راهبردهای گروه های نظارت و بازرسی ملحوظ نظر گردد.

پیشنهادها :

۱) از آنجائی که مدیریت راهبردی، ساز کارها و تکنیک های آن در راستای پویایی عملکرد سازمان بازرسی کل کشور مورد تأکید ریاست محترم سازمان و در دستور کار مجریان طراحی برنامه های نظارت و بازرسی سازمان می باشد و نظر به تنوع گرایش تحصیلی بازرسان و کارشناسان ضرورت دارد برای آشنایی کلاسیک نیروهای بازرسی و درگیر با این نوع برنامه ها، گزیده ای از دروس مدیریت راهبردی (استراتژیک) و مبانی اصول مدیریت در دستور کار بخش آموزش سازمان (برای کارشناسانی که گرایش تحصیلی آنان مدیریت نمی باشد) قرار گیرد.

۲) با عنایت به تدبیر متخذه از سوی سازمان بازرسی کل کشور در لحاظ نمودن گروه های نظارت و بررسی های راهبردی در تشکیلات مصوب سازمان، همچون شناسایی موضوعات راهبردی مستند به اسناد بالادستی من جمله سند چشم انداز، سیاست های کلی نظام، قوانین برنامه های توسعه ای و تدوین و اجرای برنامه نظارت و بازرسی با دیدگاه های راهبردی و کلان نگرى از طریق جمع اطلاعات گزارش های کلان سازمان و تجزیه و تحلیل آن ها برای تحقق پایش شاخص ها، جمع بندی آسیب های احصاء شده در حوزه های مرتبط، اعلام هشدار و همکاری با گروه های بازرسی در طراحی برنامه های نظارتی و بازرسی مبتنی بر نظرات علمی و تخصصی (با تشکیل کمیسیون های علمی تخصصی، برای ارائه پیشنهاد های اصلاحی) امور و اعلام نظر نسبت به خلأ های قانونی در چارچوب لوایح قانونی در دستور کار بازرسی های کل مورد نظر قرار گیرد.

منابع

- ۱) شرح وظایف گروه نظارت و بازرسی های راهبردی
- ۲) مدیریت استراتژیک (ترجمه آقایان دکتر پارسائیان و اعرابی)
- ۳) بهره وری آقایان ابطی و کاظمی

بایسته های مبارزه با فساد اداری در مجرای دین

بخش نخست

عنایت داودی

اداره کل بازرسی مازندران

چکیده

اهداف، و از موانع اساسی رشد و تکامل آن‌ها به شمار می آید. به همین دلیل، همواره کسانی که به فکر سلامت نظام اجتماعی بشر و رشد و تکامل آن بوده‌اند، در اندیشه پیش‌گیری و مبارزه با این پدیده شوم اجتماعی افتاده‌اند. پیامبران الهی و اولیای حق، در این میان نقش بسیار برجسته‌ای داشته‌اند. آنان مبارزه با فساد و تباهی و برقراری قسط و عدل در جامعه را سرلوحه برنامه‌های تبلیغی خود قرار داده و در این راه، جان‌نثاری‌های فراوانی از خود نشان داده‌اند.

جست‌وجوی راهکارهای دینی و ارزشی برای مبارزه با فساد اداری، از آن‌رو اهمیت دارد که جامعه ما جامعه‌ای اسلامی است و در چنین جامعه‌ای، الگوها و راه‌حلهایی می‌توانند پاسخ‌گو باشند که با فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر آن تناسب و سازگاری داشته، و به عبارت بهتر، از ارزش‌های دینی و اسلامی نشئت گرفته باشند.

این پژوهش می‌کوشد راهکارهای مبارزه با فساد اداری را بر اساس ارزش‌های اسلامی استخراج کند. به بیان دیگر، با مطالعه در نظام ارزشی اسلام، راهکارهای عملی و اجرایی را برای پیشگیری از فساد اداری و مبارزه با آن طرح نماید.

چیستی فساد اداری

فساد پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی است و اشکال، عوامل و کارکردهایی متنوع در زمینه‌های مختلف دارد. پدیده فساد، از یک عمل کوچک خلاف قانون گرفته تا عملکرد نادرست یک نظام سیاسی و اقتصادی در سطح ملی را شامل می‌شود. در نتیجه، تعریف فساد، از اصطلاحات گسترده «سوءاستفاده از قدرت عمومی» و

«فساد اخلاقی» گرفته تا تعریف‌های قانونی خاص فساد به عنوان «عمل رشوه‌خواری، که یک کارمند دولتی مرتکب می‌شود» یا «مبادله منابع محسوس»، همه را در برمی‌گیرد (Jens Chr & Odd-Helge Fjeldstad, 2000, p. 9).

سئوالی که در ابتدا به ذهن متبادر می‌شود، «راهکارهای مبارزه با فساد اداری بر اساس ارزش‌های اسلامی» است که برای پاسخ، رویکرد ارزش‌های اسلامی با تأکید بر نظریه محدودیت‌ها مبتنی بر مدیریت گلوگاه‌های فساد اداری، چارچوب نظری تحقیق تشخیص داده شد.

در این پژوهش، از روش استنباطی با رعایت اصل احتیاط در پژوهش‌های دینی استفاده شده است.

بر اساس مطالعات انجام‌شده، انحصارگرایی، عدم پاسخ‌گویی، فقدان شایسته‌سالاری در گزینش‌ها، نبود مسئولیت‌پذیری اجتماعی در شهروندان، و نبود شفافیت در نظام اداری، عوامل گلوگاهی فساد اداری‌اند.

با توجه به عوامل یادشده، راهکارهایی که برای مبارزه با فساد اداری به دست آمد، عبارت‌اند از: تقویت نظارت درونی (تقوا) و نظارت اجتماعی (امر به معروف و نهی از منکر)؛ افزایش سلامت کارگزاران نظام اداری؛ نهادسازی؛ شفافیت‌گرایی؛ توجه به معیشت کارمندان؛ ترویج فرهنگ وظیفه‌شناسی؛ و احیای حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی.

کلیدواژه‌ها: فساد اداری، ارزش‌های اسلامی و دینی، راهکار، تئوری محدودیت‌ها.

مقدمه

فساد اداری، پدیده‌ای نوین نیست؛ پیدایش و گسترش آن، قدمتی به اندازه تاریخ اجتماعات بشری و تاریخ سازمان‌ها و نهادها دارد. فساد، از عوامل اصلی بازماندن نهادها و جوامع از دستیابی به

۱. رشوه (Bribery)

رشوه، وجهی (پول یا اشیای دیگر) است که طی یک رابطه آلوده و فاسد گرفته یا داده می‌شود. نفس گرفتن یا دادن رشوه، تخلف است و باید آن را جوهر فساد دانست. رشوه مبلغ ثابت، درصدی خاص از یک قرارداد، یا هر نوع مساعدت پولی دیگر است که معمولاً به مأمور حکومتی پرداخت می‌شود.

واژه‌های مترادف زیادی برای واژه «ارتشا» وجود دارد؛ مانند پورسانت، کمسیون، پاداش، بخشش، شیرینی، انعام، پول چایی و رایگانی که همگی بیانگر نوعی فساد مرتبط با پول، و مزایایی هستند که به کارکنان شرکت‌های خصوصی، مأموران حکومتی یا سیاستمداران پرداخت می‌شود. این‌ها پرداختی‌هایی هستند که برای انجام سریع‌تر، راحت‌تر یا مطلوب‌تر کارها و خواسته‌ها در لایه‌های حکومت و نظام بوروکراسی داده یا گرفته می‌شوند (Jens Chr & Odd-Helge Fjeldstad, 2000, p. 15).

۲. اختلاس (Embezzlement)

اختلاس، دزدیدن منابع توسط افرادی است که بر این منابع دست دارند؛ و زمانی اتفاق می‌افتد که کارمندان خائن، به سرقت این منابع از کارفرمایان خویش اقدام می‌کنند. این پدیده زمانی بسیار اهمیت پیدا می‌کند که کارمندان بخش عمومی، از نهادهای عمومی‌ای که در آن استخدام شده‌اند و از منابعی که باید در راستای منافع عمومی از آن‌ها استفاده کنند، اقدام به دزدی نمایند.

اختلاس، از نظر صریح قانون، فساد اداری به شمار نمی‌آید؛ بلکه در تعریفی گسترده‌تر از فساد می‌گنجد. از نظر قانونی، فساد اداری عبارت است از مبادله بین دو فرد که یکی عامل حکومتی و دیگری شهروند است، درجایی که عامل حکومتی، فراتر از محدودیت‌های قانونی و مقرراتی می‌رود تا منفعت شخصی خودش را در شکل رشوه تأمین کند؛ اما اختلاس، دزدی قلمداد می‌شود؛ زیرا در آن، طرف شهروند وجود ندارد. وقتی اختلاس صورت می‌گیرد، منافع عمومی به خطر می‌افتد؛ اما هیچ دارایی شخصی سرقت نمی‌شود و شهروندان، از حقوق قانونی برای محاکمه برخوردار نیستند (Ibid, p. 15-16).

۳. کلاهبرداری (Fraud)

کلاهبرداری جرمی اقتصادی است که دربردارنده برخی از انواع حيله‌گری، خدعه و فریب است. کلاهبرداری، دست‌کاری یا تحریف اطلاعات، واقعیتهای و تخصص توسط مأموران بخش عمومی است که

ارائه تعریفی واحد، کامل و جامع از اصطلاح «فساد اداری»، کاری بسیار سخت و دشوار است؛ زیرا- گذشته از آنچه دربند پیشین مطرح شد- فساد اداری، یک شیء، رفتار، یا نهاد نیست که بتوان مصادیق آن را نشان داد و به‌سادگی آن را تعریف کرد؛ بلکه مفهومی است که مصادیق آن را تنها در «نمود»‌های آن می‌توان یافت و از طریق نشانه‌ها و عوارضش آن را شناخت. همچنین فساد اداری، ابعاد مختلفی دارد و اندیشمندان و دست‌اندرکاران امور سیاسی واداری با رویکردهای مختلف و رقیب هم به مطالعه آن پرداخته‌اند. بنابراین، هر تعریفی را که در نظر بگیریم، یا کاملاً در مقابل تعریف‌های دیگر قرار دارد یا ناظر به یک یا تعدادی محدود از ابعاد این پدیده است؛ از این رو، نمی‌تواند بیانگر تمامی ویژگی‌ها و مشخصات آن باشد و آن را کاملاً از پدیده‌ها و مفاهیم نزدیک به آن متمایز سازد. بدین ترتیب، بدون درگیر شدن با تعاریف مختلف این اصطلاح، مستقیماً به تعریف موردنظر می‌پردازیم، اما پیش از آن، معنای لغوی واژه فساد و معادل انگلیسی آن را از نظر می‌گذرانیم.

واژه «فساد» از ریشه «فسد» به معنای جلوگیری از انجام اعمال درست و سالم است. معادل انگلیسی آن، «Corruption» از ریشه لاتینی «corruptus»، به معنای شکستن و نقض کردن است. چیزی که شکسته یا نقض می‌شود، می‌تواند قوانین و مقررات یا قواعد اداری باشد. بدین معنا، فساد یعنی هر پدیده‌ای که مجموعه‌ای را از اهداف و کارکردهای خود بازدارد (تانزی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۲ و ۱۸۳).

تعریف عام و کلی بانک جهانی و سازمان شفافیت بین‌الملل از فساد اداری- تقریباً در سطح جهانی پذیرفته‌شده- عبارت است از: سوءاستفاده از اختیارات دولتی (قدرت عمومی) برای کسب منافع خصوصی، تحت تأثیر منافع شخصی یا روابط و علایق خانوادگی (World Bank, 1997, p. 102).

آشکال فساد اداری

فساد اداری، مظاهر و شکل‌های زیادی دارد که برخی از آن‌ها عمومی و جهانی‌اند و برخی نیز برخاسته از ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی جوامع‌اند و از جامعه‌ای به جامعه دیگر تفاوت می‌کند. پژوهشی که در این زمینه انجام‌شده، برخی از اشکال و مظاهر اصلی فساد را بر اساس تعدادی از ویژگی‌ها مشخص کرده است (Amundsen, 1999, Paper 99:7).

۵. پارتی‌بازی

پارتی‌بازی به‌عنوان آخرین شکل فساد، نوعی از سوءاستفاده از قدرت است که در فرایند خصوصی‌سازی و توزیع جانب‌دارانه منابع دولتی، بدون توجه به اینکه این منابع در محل اول چگونه جمع‌آوری شده‌اند، به کار می‌رود. پارتی‌بازی، تمایل طبیعی انسان به جانب‌داری از دوستان، خویشاوندان و دیگر افراد نزدیک و مورد اعتماد است. این پدیده، تا جایی که توزیع فساد آمیز منابع را به نمایش می‌گذارد، رابطه‌ای نزدیک با فساد اداری دارد. به عبارت دیگر، پارتی‌بازی روی دیگر سکه فساد اداری است که به انباشت منابع می‌انجامد.

مأمورین حکومتی و سیاستمدارانی که به منابع دولتی و قدرت تصمیم‌گیری در خصوص توزیع این منابع دسترسی دارند، تمایل شدید به پارتی‌بازی دارند تا امتیازاتی را به افرادی خاص ببخشند. در بسیاری از کشورهای استبدادی و نیمه دموکراتیک، پارتی‌بازی یکی از مکانیسم‌های سیاسی اساسی به شمار می‌آید. در بسیاری از نظام‌های غیر دموکراتیک، رئیس‌جمهور از حقوق اساسی جهت نصب مقام‌های رده‌بالای نظام برخوردار است. این حق قانونی و عرفی، به صورتی گسترده زمینه را برای پارتی‌بازی فراهم می‌سازد.

۶. خویشاوند سالاری

خویشاوند سالاری شکل ویژه‌ای از پارتی‌بازی است که طی آن، مدیر یک اداره اقوام و اعضای فامیل خود (همسر، برادر و خواهر، فرزندان، عمو و...) را بر دیگران ترجیح می‌دهد. بسیاری از رؤسای خودمختار می‌کوشند از طریق قرار دادن اعضای خانواده خود در پست‌های کلیدی سیاسی، اقتصادی و امنیتی، اقتدار خود را تثبیت کنند (Ibid, p. 14-18).

واسطه بین سیاستمداران و شهروندان و به دنبال کسب منافع شخصی می‌باشند. این پدیده زمانی اتفاق می‌افتد که یک مأمور بخش عمومی (عامل) که مسئول انجام دستورها و وظایف محوله از جانب مافوقش است، جریان اطلاعات را به سمت منفعت شخصی خودش دست‌کاری می‌کند.

کلاهبرداری، واژه‌ای حقوقی و عام است که پدیده‌هایی بیشتر از رشوه و اختلاس را تحت پوشش قرار می‌دهد؛ مثلاً وقتی عاملان و نمایندگان دولتی درگیر شبکه‌های تجاری غیرقانونی می‌شوند، جعل اسناد می‌کنند، درگیر قاچاق می‌شوند و وارد دیگر جرم‌های اقتصادی سازمان‌یافته می‌گردند، همگی مصداق کلاه‌برداری قرار می‌گیرند (Ibid, p. 16).

۴. اخاذی یا باج‌گیری

باج‌گیری عبارت است از به دست آوردن پول و اشیای دیگر با استفاده از اجبار، خشونت یا تهدید به استفاده از قدرت. هر جا که پول به صورت خشونت‌آمیز به دست آید، باج‌گیری و اخاذی صورت گرفته است و برای کسی که قدرت انجام آن را دارد، معامله فاسدی به شمار می‌آید.

چنین فعالیت‌های فاسدی، ممکن است به صورت‌های گوناگون واقع شود؛ یکی اینکه به صورت باج‌گیری از پایین باشد. این نوع باج‌گیری زمانی است که نیروهای غیردولتی برای به دست آوردن امتیازات شغلی، نپرداختن مالیات، و آزادی از مجازات‌های قضایی قادر به اعمال نفوذ بین اعضای دولت و سازمان‌های حکومتی از طریق تهدید، ترساندن و ترور باشند. گاهی ممکن است باج‌گیری از بالا صورت بگیرد؛ جایی که دولت، خود بزرگ‌ترین مافیاست. این مسئله زمانی اتفاق می‌افتد که برای مثال، دولت و به طور خاص،

سرویس‌های امنیتی و گروه‌های شبه‌نظامی آن، از افراد، گروه‌ها و صاحبان کسب‌وکار پول دریافت کنند. به علاوه، کارمندان ادارات مختلف ممکن است از شهروندانی که به عنوان ارباب رجوع، مشتری، مریض یا دانش آموز مدرسه به دولت مراجعه می‌کنند، زیرمیزی‌ها و هدایایی را اخذ کنند. این اقدام‌ها ممکن است به اشکال غیررسمی مالیات، تعبیر و تفسیر شوند (Ibid, p. 17).



انواع و سطوح فساد

مطالعه فساد در جوامع مختلف نشانگر آن است که فساد بیشتر در دو سطح صورت می‌گیرد (ربیعی، ۱۳۸۳، ص ۳۰-۳۱). سطح کلان و سطح خرد. فساد در سطح کلان، بیشتر به نخبگان سیاسی، مدیران عالی‌رتبه و مقامات ارشد دولت‌ها مربوط می‌شود. تعبیر دیگر از این سطح فساد، فساد «یقه‌سفیدان» است. به همین ترتیب، سطح خرد فساد که به فساد «یقه آبی‌ها» معروف است، عبارت است از مبادلات، معاملات و بده بستان‌های فاسدی که در سطح کارمندان رده پایین و در ارتباط مستقیم با ارباب‌رجوع صورت می‌گیرد.

نقش عوامل سیاسی و کلان در ایجاد فساد اداری، بسیار مهم است. بسیاری بر این باورند که فساد، بیشتر در دستگاه دولت، هم در سطح کلان (بین مسئولان عالی‌رتبه) و هم در سطح خرد (بین کارمندان رده‌های پایین) مطرح می‌گردد. بدیهی است بدون کنترل فساد کلان، امکان کنترل فساد خرد وجود ندارد. فساد اداری در رده‌های میانی و پایین نظام اداری، تا حد زیادی به میزان فساد در بین رده‌های بالای نظام، یعنی سیاست‌گذاران و کارمندان عالی‌رتبه بستگی دارد. وقتی بخشی از هیئت حاکم فاسد باشد، برای دستیابی به درآمدهای فاسد، از یک‌سو به کمک مدیران میانی نیازمند است و از سوی دیگر ناچار است نهادهای حسابرسی و نظارتی، مانند مطبوعات، دستگاه‌های قضایی و سازمان‌های بازرسی را تضعیف کند (نصرتی، ۱۳۷۷، ص ۱۲۹). در یک محیط سیاسی فاسد، کارمندان رده‌های میانی که مرتکب فساد اداری می‌شوند، کمتر نگران کشف جرم و تنبیه‌اند؛ چون غالباً میان مسئولان رده‌بالا و مدیران میانی، نوعی تبانی برای چشم‌پوشی متقابل ایجاد می‌شود. همین امر، مبارزه با فساد را سخت می‌کند. بر اساس رویکرد مبتنی بر تئوری محدودیت‌ها، گلوگاه فساد، فساد اداری در سطح مسئولان عالی‌رتبه است که باید به کنترل آن اولویت داده شود.

نظریه‌ها درباره پیامدهای فساد اداری

ادبیات علمی در زمینه فساد اداری، شاهد دو مکتب رقیب و متعارض در خصوص اثرات فساد بر کارایی و اثربخشی نظام اداری و توسعه اقتصادی است: مکتب کارآمدی (لف، بایلی، هانتینگتون و لوئی) و مکتب ناکارآمدی فساد.

۱. مکتب کارآمدی

مکتب کارآمدی فساد اداری، با تأکید بر ناکارآمدی قوانین و نهادها در کشورهای در حال توسعه، فساد اداری را روشی برای غلبه بر ناکارآمدی قوانین و مقررات می‌داند و معتقد است که فساد، نقش روغن را برای چرخ‌های خشک نظام بوروکراسی ایفا می‌کند، و رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری را تسهیل می‌نماید. بنابراین، طرفداران مکتب کارآمدی، فساد را هزینه کسب‌وکار می‌دانند که منفعت آن بیش از هزینه آن می‌باشد. به هر روی، فساد از نظر اثرگذاری، خنثی نیست. ادعاهای زیادی هست مبنی بر اینکه فساد اداری، پدیده‌ای کاملاً بد و منفی نیست و آثار مثبت نیز دارد.

۲. مکتب ناکارآمدی

گرچه مکتب کارآمدی فساد، بر مبنای برخی استدلال‌های تئوریک ارائه‌شده است، اما نتایج پژوهش‌های بسیاری که در سال‌های اخیر در زمین اثرات فساد اداری انجام‌شده، استدلال‌های مکتب کارآمدی فساد را با چالش مواجه کرده و بیانگر این حقیقت است که فساد، حرکت به سمت توسعه را کند می‌کند (علی‌زاده ثانی، و فانی، تأثیر فساد اداری بر...، ص ۱۸).

افزون بر این، در دهه‌های اخیر شواهد فراوانی به‌دست‌آمده است که نشان می‌دهد فساد اداری، در تمام زمینه‌ها اثرات نامطلوبی را بر جای می‌گذارد (Theobald, 1990). فساد، تأثیری منفی، زیان‌آور و محروم‌کننده بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی، عملکرد نظام اداری، و کارایی و توسعه سیاسی کشورها دارد. استمرار و دوام فساد در یک کشور، به بروز مشکلات اقتصادی و بر باد رفتن منابع عمومی می‌انجامد؛ کارایی عملکرد دولت را کاهش می‌دهد؛ بر اخلاق عمومی در زمین خدمات عمومی تأثیر منفی می‌گذارد؛ تلاش‌ها برای اصلاحات اداری و مقیاس‌های حسابرسی را با مشکل مواجه می‌سازد؛ و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی را افزایش می‌دهد (United Nations, 1990). همچنین فساد اداری، بی‌ثباتی و توسعه‌نیافتگی سیاسی را افزایش می‌دهد (Ouma, 1991, v. 11, n.5, p. 473). به‌طور خلاصه، فساد مانع رشد اقتصادی می‌شود؛ شور کارآفرینی را فرومی‌نشاند؛ باعث سوءاستفاده از منابع کمیاب ملی می‌گردد؛ توانایی‌های اداری را ضعیف می‌سازد؛ به فروپاشی سیاسی کمک می‌کند؛ و ثبات، دموکراسی و انسجام ملی را از بن ویران می‌سازد (Mohabbat khan, 2010).

چارچوب یا مدل تحلیلی تحقیق

در زمین فساد اداری و راهکارهای مبارزه با آن، رویکردها و چارچوب‌های تحلیلی مختلف وجود دارد. هریک از این رویکردها، مزایا و معایب خاص خود را دارد که در این گفتار، جای بحث درباره آن نیست. چارچوب نظری مورد استفاده ما در این پژوهش، «تئوری محدودیت‌ها» است که ایده اصلی آن بر مدیریت گلوگاه‌ها استوار است. این نظریه به منظور رسیدن به بهینگی در افزایش بهره‌وری و سوددهی، کاهش ضایعات و زمان پرت و هزینه‌های زائد، حداکثر کردن کارایی و کارآمدی، مطرح شد.

به موجب تئوری محدودیت‌ها، هر سیستم، دست کم دارای یک محدودیت است که سیستم را از رسیدن به سطوح بالای عملکرد بازمی‌دارد. بر اساس این تئوری، بیشتر معلول‌های نامطلوب سیستم، از تعداد اندکی علت اصلی تأثیر می‌پذیرد و در درازمدت باید به حذف علت‌های اصلی مشکل بپردازیم. بر اساس این تئوری، مبارزه با فساد اداری زمانی جواب‌گوست که بکوشیم گلوگاه‌های فساد اداری را در جامعه و نظام اداری مشخص کنیم و راهکارها را معطوف به آن‌ها شناسایی و ارائه نماییم.

مدل تحلیلی تحقیق بر مبنای تئوری محدودیت‌ها این است که تلاش می‌شود ابتدا عوامل کلیدی و گلوگاه‌های فساد اداری بازشناسی شود؛ سپس با مطالعه در منابع دینی و ارزشی، راهکارهای مبارزه با این عوامل کلیدی ارائه و تحلیل خواهد شد.

عوامل کلیدی فساد اداری و راهکارهای مبارزه با آن

فساد اداری و هر نوع انحراف در رفتار اجتماعی واداری، در تعامل سه عنصر اساسی اتفاق می‌افتد، گلوگاه‌ها و عوامل اصلی فساد در جامعه را نیز باید در بستر و زمین این سه عنصر شناسایی کرد:

۱. حاکمان و دارندگان قدرت و نفوذ؛
۲. مردم و وضعیت فرهنگی، ارزشی و رفتاری حاکم بر جامعه؛
۳. سیستم حکومتی واداری تنظیم‌کننده روابط میان دو عنصر پیش‌گفته.

در بعد حاکمان و دارندگان قدرت، عامل اصلی فساد، به استناد شواهد پژوهشی و مشاهدات عینی پژوهشگر، قدرت طلبی بی‌حدوحصر زمامداران امور، و پاسخ‌گویی کم یا عدم پاسخ‌گویی آن‌هاست. در بعد مردمی، خاموشی وجدان عمومی و فقدان مسئولیت اجتماعی را می‌توان منشأ اصلی فساد تلقی کرد. در بعد سیستمی و ساختاری نیز ابهام در قوانین، مقررات، رویه‌های اداری و فرایندها، و

فقدان شفافیت، برجسته‌ترین عامل می‌باشند. معادله ساده زیر، رابطه فساد و عوامل تعیین‌کننده گلوگاهی آن را بیان می‌کند:

فساد = (انحصار قدرت + پنهان کاری) - (پاسخ‌گویی، شایسته‌سالاری، مسئولیت اجتماعی و شفافیت)

طبق این رابطه، فساد اداری با انحصار قدرت و پنهان‌کاری رابطه مثبت، و با پاسخ‌گویی، شایسته‌سالاری، مسئولیت اجتماعی و شفافیت‌گرایی رابطه منفی دارد. به این معنا که هرچه انحصار قدرت مأموران دولتی و پنهان‌کاری آن‌ها در تصمیم‌گیری بیشتر شود، فساد بیشتر می‌شود.

در مقابل، هرچه پاسخ‌گویی و مسئولیت اجتماعی در شهروندان افزون‌تر باشد و هرچه سیستم اداری، قوانین و روابط کاری کارکنان و مراجعان شفاف‌تر باشد، میزان فساد کمتر خواهد شد.

بنابراین، برای کاهش فساد در جامعه باید تلاش شود میزان انحصار قدرت در تولید و توزیع کالاها و خدمات کاهش یابد، از قدرت تصمیم‌گیرندگان کاسته شود و سیستم حسابرسی نیز بهبود پیدا کند (Yousif Khalifa, 2003, p. 695). تا اینجا صورت مسئله روشن است. قضیه مهم این است که چگونه می‌توان به این ایده‌ها دست‌یافت؟ راهکارهای دستیابی به چنین مقصدی کدام‌اند؟ در ادامه، تلاش می‌کنیم نشان دهیم که با استفاده از آموزه‌های دینی و بر اساس ارزش‌های اسلامی، می‌توان راهکارهایی برای حل مشکلات یادشده و مبارزه با فساد اداری ارائه داد.

راهکارهای موردنظر برای مبارزه با فساد اداری را در سه بخش بر محور سه عنصر یادشده، دسته‌بندی و تدوین می‌کنیم. نکته قابل‌توجه اینکه برخی از راهکارها، کارکردی دوگانه دارند: یکی اینکه هم برای حاکمان و دارندگان قدرت و منصب سیاسی واداری قابل‌استفاده است و هم برای مردم و ارباب رجوع؛ دیگر اینکه ممکن است راهکاری، هم در پیشگیری از فساد اداری نقش و تأثیر داشته باشد و هم بتوان از آن به‌عنوان راهی برای مبارزه با فساد استفاده کرد.

نکته آخر اینکه راهکارهایی که ارائه می‌شوند، معطوف به عوامل گلوگاهی فساد اداری‌اند و در صورت وجود این عوامل در جامعه، این راهکارها می‌توانند بدون توجه به اینکه فساد در چه کشوری اتفاق افتاده باشد، قابل‌استفاده باشند.

منابع

محمدی ری شهری، محمد ۱۳۸۴، دانش نامه میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: موسسه دار الحديث.
مکارم شیرازی، ناصر و دیگران ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
منصورنژاد، محمد، فلسفه نظارت، فصلنامه حکومت اسلامی، سال نهم، شماره ۳۳.
منطقی سعادت، محسن، گامی به سوی نهادینه کردن وجدان کاری در سازمانها، ماهنامه معرفت، تابستان ۱۳۷۵.

Amundsen, Inge (1999): "Political corruption: An introduction to the issues", Working Paper 99:7, Bergen: Chr. Michelsen Institute

Jens Chr. Andvig and Odd-Helge Fjeldstad (2000), "Research on Corruption. A Policy Oriented Survey", Commissioned by NORAD

Mohabbat khan, Mohammad, Political and Administrative Corruption; Concepts, Comparative experiences and Bangladesh Case, p 2. <http://www.ti-bangladesh.org/> Accessed on 11/29/2010

Ouma, O.A. (1991). "Corruption in Public Policy and its Impact on Development: The Case of Uganda since 1979", PAD, Vol.11, No.5

Theobald, R. (1990), Corruption Development and Underdevelopment, London: Macmillan

United Nations (1990) Corruption in Government. Report of an Interregional Seminar held in The Hague, The Netherlands on December 11-15. New York: The United Nations

World Bank (1997), World Development Report, Washington: Oxford University Press
www.transparency.org

Yousif Khalifa Al- Yousif (2003), Corruption and development: an Islamic view, a Paper from the 5th International Conference on Islamic Economics and Finance, by the International Association for Islamic Economic

ابن منظور، محمد بن المکرم المصری، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۰ق.

ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، قم، چاپ علی اکبر غفاری، قم ۱۳۶۳.

امیری، علی نقی ۱۳۸۳، نگاهی جامع به خود کنترلی در سازمان، فرهنگ مدیریت، شماره ۷.

آقا پیروز، علی، و دیگران، مدیریت در اسلام، چ دوم، قم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴.

بازشناسی مولفه های موثر بر اختلاس در ایران، نشریه مجلس و پژوهش، ش ۲۵، خرداد و شهریور ۱۳۷۷.

تانزی، ویتو، مسئله فساد، فعالیت های دولتی و بازار آزاد، ترجمه بهمن آقایی، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۱۴۹ و ۱۵۰، بهمن و اسفند ۱۳۷۸.

تقوی، مهدی، فصلنامه اندیشه صادق، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق(ع)، شماره ۸-۹.

حکیمی، عبدالمومن، فساد اداری افغانستان؛ عوامل بروز و راهبردهای مقابله با آن، قابل دسترسی در سایت دین گستر.

خدمتی، ابوطالب و همکاران ۱۳۸۱، مدیریت علوی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

دلشاد تهرانی، مصطفی ۱۳۷۲، سیره نبوی (منطق عملی)، دفتر دوم، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ربیعی، علی ۱۳۸۳، زنده باد فساد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات.

رضائیان ۱۳۸۵، علی، مبانی رفتار سازمانی، تهران، سمت.
قرطبی، یوسف بن عبدالله ۱۴۱۵ق، الاستیعاب فی معرفت الاصحاب، تحقیق علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، بیروت، دارالکتب العلمیه.

کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، چ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.

متقی هندی، علی بن حسام الدین ۱۴۰۵ق، کنز العمال، بی جا، موسسه الرساله.

محسنی تبریزی، علیرضا ۱۳۶۹، بررسی زمینه های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی، تهران، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی.

بررسی اثر احساسات بازار بر روی قیمت گذاری نادرست سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار

فضل الله هادی زاده
بازرس گروه بانک ها

مقدمه

می نمایم. در ایران، باینکه بیش از سه دهه از آغاز فعالیت بورس اوراق بهادار تهران می گذرد این بازار نتوانسته در بین بازارهای مالی دنیا جایگاه معتبری داشته باشد. از مهم ترین عوامل دستیابی به قیمت مورد نظر تخصیص بهینه منابع و به خصوص منابع مالی می باشد. بازار سرمایه مکانی است که در آن سهام به طور منطقی و عادلانه قیمت گذاری می شود. در ادبیات مالی تئوری ها، تحلیل های گوناگونی برای ارزشیابی اوراق بهادار وجود دارد.

برای تعیین ارزش سهام همواره الگویی مناسب است که عوامل اصلی تعیین کننده قیمت سهام را در نظر داشته باشد. از دیدگاه سرمایه گذاری، الگویی مناسب است که بتوان با آن وسیله، به بهترین شکل ارزش سهام را برآورد کرد. در خصوص تعیین قیمت سهام دو دیدگاه وجود دارد:

گروهی تحت عنوان تحلیلگران تکنیکی عقیده دارند که از طریق تجزیه و تحلیل تکنیکی می توان به پیش بینی قیمت سهام در آینده پرداخت. این گروه می کوشند با بررسی الگوهای قیمت سهام در گذشته به پیش بینی بازده سهام بپردازند.

به عقیده برخی از پژوهشگران یکی از ایرادات دامنه نوسان قیمت که زائیده احساسات بازار می باشد این است که دامنه نوسان قیمت به غیر از کند کردن روند تغییر قیمت و یا به تأخیر انداختن آن هیچ تأثیر دیگری در کاهش نوسانات غیرمنطقی ندارد، چون دامنه نوسان در روزهای آینده تغییر می کند و قیمت در همان مسیر قبلی به حرکت در مسیر خود ادامه خواهد داد. با رشد روزافزون بازارهای سرمایه و سهام در دهه های اخیر، این بازارها نقش اساسی در اقتصاد کشورهای مختلف ایفا نموده، به طوری که تحرک و رونق بورس اوراق بهادار و بازار سهام به عنوان یکی از معیارهای سلامت و پویایی اقتصاد کشورها شناخته می شود. بازارهای سهام به عنوان یکی از ارکان اصلی بازار سرمایه، پس اندازها و منابع مالی محدود موجود در جامعه را در سریع ترین زمان و با هزینه ای معاملاتی کم به مسیر سرمایه گذاری هدایت می کنند. بنابراین این بازارها، نقش بسیار مهمی در تخصیص بهینه منابع مالی داخلی و خارجی ایفا



ثانیا بررسی شود اثر روابط احساسات بازار بر قیمت گذاری نادرست سهام در جهت مثبت و یا منفی است؟

متدولوژی تحقیق

در این راستا پس از بررسی و استفاده از سایر پرسش نامه های معتبر مرتبط، پرسشنامه استاندارد که دارای مشخصاتی از قبیل سادگی و قابل فهم بودن و مانع دخول اغیار بودن طراحی گردیده که از نظرات متخصصین حوزه فن نیز استفاده گردید.

مقیاس پرسشنامه لیکرت بوده و جهت روانی و پایائی پرسشنامه نیز آلفای کرون باخ تست گردیده است.

قلمرو مکانی این پژوهش اظهارات متخصصین بازار سرمایه در بورس اوراق بهادار تهران بوده و قلمرو زمانی آن برای سال های ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۲ در نظر گرفته شده است.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:

در این تحقیق، با توجه به حجم نمونه تعداد ۱۲۰ پرسشنامه بین مدیران عالی شرکت های منتخب بورسی توزیع شد، که از این تعداد پرسشنامه، ۱۰۸ پرسشنامه تکمیل گردیده و بازگردانده شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. بدین منظور از نرم افزار SPSS، آزمون های آلفای کرونباخ، برنامه T-Student و آزمون فریدمن استفاده گردیده است. پاسخ دهندگان لیسانس (۵۸ درصد)، فوق لیسانس (۳۷ درصد) و دکتری (۵ درصد) بوده اند که دارای ۱۰ الی ۲۵ سال سابقه فعالیت در بازار سرمایه ایران را داشته اند. با آزمون آلفای کرونباخ قابلیت اعتماد پرسش نامه را امتحان نمودیم. که با میزان ۸۰ درصد قابلیت اعتماد پرسش نامه تنظیمی تأیید گردید.

نتایج

الف - خوش بینی بازار با بیش ارزیابی قیمت سهام رابطه معنی داری دارد.

در مورد عامل خوش بینی بازار چون سطح معناداری (sign 5) کمتر از میزان خطا (۵٪) می باشد. به عبارتی بر طبق نظر پاسخ دهندگان، خوش بینی بازار با بیش ارزیابی قیمت سهام رابطه معنی داری دارد و سهامداران در شرایطی که به بازار انتظارات

تحلیلگران تکنیکی اعتقاد دارند که قیمت سهام تقریباً روند گذشته را دنبال می کند؛ مگر در مواردی که در عرضه و تقاضای سهام تغییراتی ایجاد شود که در این صورت می توان از طریق الگوهای تکنیکی به پیش بینی قیمت سهام پرداخت. طرفداران تحلیل تکنیکی معتقدند که امکان محاسبه ارزش ذاتی سهام و اوراق قرضه وجود ندارد.

بیان مسئله

یکی از عملکردهای مهم بازار سرمایه این است که واسطه های برای دستیابی به منابع وجوه مورد نیاز شرکت ها است. وقتی شرایط بازار بیانگر واقعیت های شرکت باشد، قیمت سهام اجزای بنیادی شرکت را منعکس می سازد. اما در واقع حرکت قیمت سهام، بازتاب یا انعکاس از ارزش اولیه آن نیست، زیرا وجود فاکتورهای غیر بنیادی همانند احساسات بازار، تورش رفتاری سرمایه گذاران (لاکانوشکا و همکاران، ۱۹۹۴)، عدم تقارن اطلاعاتی (توبین، ۱۹۶۹) و خطاهای سیستماتیک هنگام ارزیابی سهام (استین، ۱۹۹۶) موجب می شود قیمت سهام از ارزش اولیه یا واقعی آن منحرف شود (قیمت گذاری نادرست). بنابراین پرداختن به این مسئله از حیث مالی رفتاری مورد بحث می باشد و تصمیمات مالی اکیداً متأثر از مبانی روان شناختی است.

این شرایط روی تصمیمات سرمایه گذاری شرکت تأثیر می گذارد. مدیر می تواند از سهام بیشینه سازی شده به عنوان یک منبع تأمین وجوه در جهت سرمایه گذاری (به علت پایین بودن هزینه سرمایه) بهره برد و در مقابل، از فروش سهامی که کمین گذاری شده اند امتناع ورزد، زیرا هزینه سرمایه بالاتر است.

با بررسی رابطه تأثیر احساسات بازار و ارزشیابی نادرست قیمت سهام، مدلی طراحی و تحلیل گردد که موجب آشکار شدن زوایای پنهان و مبهم آن ها گردیده تا با افزایش دانش سرمایه گذاران در این خصوص بر کارایی بازار، شفافیت و مکانیسم تخصیص بهینه منابع و نهایت ارزیابی صحیح قیمت سهام در راستای تأمین مالی بلندمدت مؤثر واقع شود.

در این تحقیق سعی بران است تا بررسی شود که اولاً آیا احساسات بازار (خوش بینی یا بدبینی بازار) بر روی قیمت گذاری نادرست (بیش ارزیابی یا کم ارزیابی قیمت) سهام تأثیر دارد؟

خوش بینانه دارند لذا تخمینی بالا از قیمت‌های سهام در بازار متصور هستند و نتیجه آن ایجاد صف‌های خرید یا فروش هیجانی در بازار می‌باشد.

پیشنهادهای

با توجه به بررسی انجام شده و نتایج به دست آمده و به منظور افزایش اطلاعات، اطمینان خاطر و استفاده بهینه فعالان بازار سرمایه از دارائی‌های خود در کشور پیشنهادهای زیر مطرح می‌گردد.

- ۱- سرمایه‌گذاران با استفاده از اطلاعات مالی منتشره از سوی پایگاه‌های معتبر همچون کدال در بازار سرمایه تصمیم‌گیری نمایند.
- ۲- با عنایت به وجود عوامل برون‌زا (اکسرنالیتی) در اقتصاد ایران اعم از عوامل سیاسی، تورم سالیانه، تحریم‌ها و... اولویت تحلیل بازار سرمایه با متدولوژی بنیادی صورت پذیرد به طوری که رویکرد ارزش ذاتی سهام مدنظر قرار گیرد.

ب- بدبینی بازار باکم ارزیابی قیمت سهام رابطه معنی‌داری دارد.

در مورد عامل خوش‌بینی بازار چون سطح معناداری (sign 5) کمتر از میزان خطا (۵٪) می‌باشد. به عبارتی بر طبق نظر پاسخ‌دهندگان، بدبینی بازار باکم ارزیابی قیمت سهام رابطه معنی‌داری دارد و این قضیه در چارچوب مباحث مالی رفتاری اثرات هیجانی بر بازار سهام ایجاد می‌کند. خاطرنشان می‌سازد نتیجه این پژوهش در مقایسه با پژوهش‌های قبلی با پژوهش احمد بدری و محمد اصیل‌زاده (۱۳۹۰) مطابقت داشته و مورد تأیید می‌باشد.



جهات و قابلیت‌های فرجام‌خواهی در آیین دادرسی کیفری جدید

فرشید بهربر

کارشناس حقوق قضایی

تقاضای فرجام‌خواهی نسبت به حکم، مانع از آن نیست که دادگاه صادرکننده حکم، به این درخواست رسیدگی کند. در صورت رد درخواست، مراتب رد در پرونده ثبت می‌شود و تصمیم دادگاه در این موارد قطعی است.

هرگاه درخواست یا دادخواست فرجام‌خواهی فاقد یکی از شرایط قانونی باشد، مدیر دفتر دادگاه نخستین، ظرف دو روز، نقایص آن را به درخواست‌کننده یا دادخواست دهنده اعلام و اخطار می‌کند تا ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، نقایص مذکور را رفع کند. چنانچه در مهلت مقرر، رفع نقص صورت نگیرد و در صورتی که درخواست یا دادخواست فرجام خارج از مهلت قانونی تقدیم شود، مدیر دفتر، پرونده را به نظر رییس دادگاه می‌رساند تا قرار مقتضی را صادر کند. این قرار حسب مورد قابل اعتراض در دیوان عالی کشور است.

هرگاه فرجام‌خواه درخواست یا دادخواست فرجام را مسترد کند، دادگاه صادرکننده رأی نخستین، قرار رد درخواست یا ابطال دادخواست فرجام را صادر می‌کند. چنانچه پرونده به مرجع فرجام ارسال شده باشد، قرار رد درخواست یا ابطال دادخواست فرجام توسط دیوان عالی کشور صادر می‌شود. در هر حال، درخواست یا دادخواست فرجام مجدد، پذیرفته نیست.

در صورتی که طرفین دعوی با توافق کتبی حق فرجام‌خواهی خود را ساقط کنند، فرجام‌خواهی آنان جز در خصوص صلاحیت دادگاه یا قاضی صادرکننده رأی، مسموع نیست. در صورتی که فرجام‌خواهی در مهلت مقرر صورت گیرد، دفتر دادگاه صادرکننده رأی نخستین، بلافاصله یا پس از رفع نقص، پرونده را حسب مورد، به دادگاه تجدیدنظر استان یا دیوان عالی کشور ارسال می‌کند. مرجع فرجام‌خواهی از آراء و تصمیمات دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان، دیوان عالی کشور است. دیوان عالی کشور

درخواست یا دادخواست فرجام، نوعی اعتراض یا تجدیدنظرخواهی به آراء صادره قطعیت یافته از دادگاه های بدوی است، در تمام جرایم، به استثنای جرایمی که فقط جنبه حق‌اللهی دارند در صورت صدور رای غیابی، چنانچه رأی دادگاه مبنی بر محکومیت متهم باشد، ظرف بیست روز داخل کشور و دو ماه خارج کشور پس از تاریخ ابلاغ واقعی، قابل واخواهی در همان دادگاه است و پس از انقضای مهلت واخواهی برابر مقررات حسب مورد قابل فرجام است.

فرجام‌خواهی با درخواست کتبی و پرداخت هزینه دادرسی مقرر صورت می‌گیرد و نسبت به ضرر و زیان ناشی از جرم، مستلزم تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی مطابق قانون آیین دادرسی مدنی است. فرجام‌خواهی محکوم علیه نسبت به محکومیت کیفری و ضرر و زیان ناشی از جرم به صورت توأمان، مستلزم پرداخت هزینه دادرسی در امر حقوقی و رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی نیست.

آراء صادره درباره جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه چهار و بالاتر است و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آن‌ها ثلث دیه کامل مجنی علیه یا بیش از آن است و آراء صادره درباره جرایم سیاسی و مطبوعاتی، قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است.

در مواردی که اصل رأی دادگاه قابل فرجام است، تصحیح آن نیز در مدت قانونی، قابل فرجام می‌باشد و اگر به واسطه فرجام نقض شود، رأی تصحیحی نیز بی اعتبار می‌شود. و همچنین است که رأی دادگاه توأم با محکومیت به پرداخت دیه، ارش یا ضرر و زیان است، هرگاه یکی از جنبه‌های مزبور قابل فرجام باشد، جنبه‌های دیگر رأی نیز به تبع آن، حسب مورد قابل فرجام است.



۱- برائت متهم

۲- عدم انطباق رأی با قانون

۳- عدم تناسب مجازات.

فرجام‌خواه، مدعی اعسار از پرداخت هزینه دادرسی دعوای ضرر و زیان ناشی از جرم شود، دادگاه صادرکننده رأی نخستین، به این ادعا خارج از نوبت رسیدگی می‌کند. فرجام‌خواه زندانی باشد، حسب مورد از پرداخت هزینه دادرسی فرجام در امری که به موجب آن زندانی است، معاف می‌گردد. فرجام‌خواه باید حسب مورد، درخواست یا دادخواست خود را به دفتر دادگاه صادرکننده رأی نخستین یا تجدیدنظر و یا دفتر زندان تسلیم کند. دفتر دادگاه یا زندان باید بلافاصله آن را ثبت کند و رسیدی مشتمل بر نام فرجام‌خواه و طرف دعوای او، تاریخ تسلیم و شماره ثبت به تقدیم کننده بدهد و همان شماره و تاریخ را در دادخواست یا درخواست فرجام درج کند. تاریخ مزبور تاریخ فرجام‌خواهی محسوب می‌شود. دفتر دادگاه تجدیدنظر استان یا زندان مکلف است پس از ثبت تقاضای فرجام، بلافاصله آن را به دادگاه صادرکننده رأی نخستین ارسال کند.

دادگاه باید در رأی، حضوری یا غیابی بودن و قابلیت فرجام و مهلت و مرجع آن را قید کند. اگر رأی قابل فرجام باشد و دادگاه آن را غیرقابل فرجام اعلام کند این امر، مانع از فرجام‌خواهی نیست.

جهات فرجام‌خواهی به‌قرار زیر است:

ادعای عدم رعایت قوانین مربوط به تقصیر متهم و مجازات قانونی او و همچنین اصول دادرسی با درجه‌ای از اهمیت منجر به بی‌اعتباری رأی دادگاه شود و مورد بعدی عدم انطباق مستندات با مدارک موجود در پرونده باشد.

نوع رسیدگی فرجامی در دیوان عالی کشور بدون احضار طرفین دعوی یا وکلای آنان انجام می‌شود، مگر آنکه شعبه رسیدگی کننده

فقط نسبت به آنچه مورد فرجام‌خواهی واقع و نسبت به آن رأی صادر شده است، رسیدگی می‌کند. دیوان عالی کشور در تهران مستقر است و شعب آن از رییس و دو مستشار تشکیل می‌شود.

هرگاه تقاضای فرجام، خارج از مهلت مقرر تقدیم شود و درخواست کننده عذر موجهی عنوان کند، دادگاه صادرکننده رأی ابتدا به عذر او رسیدگی می‌نماید و در صورت موجه شناختن آن، قرار قبولی درخواست و در غیر این صورت قرار رد آن را صادر می‌کند. جهات عذر موجه عبارتند از:

الف- نرسیدن یا دیر رسیدن احضاریه به گونه‌ای که مانع از حضور شود.

ب- بیماری متهم و بیماری سخت والدین، همسر یا اولاد وی که مانع از حضور شود.

پ- همسر یا یکی از اقربا تا درجه سوم از طبقه دوم فوت شود.

ت- ابتلا به حوادث مهم از قبیل بیماری‌های واگیردار و بروز حوادث قهری مانند سیل و زلزله که موجب عدم امکان تردد گردد.

ث- متهم در توقیف یا حبس باشد.

ج - سایر مواردی که عرفاً به تشخیص بازپرس عذر موجه محسوب می‌شود.

تبصره - در سایر موارد، متهم می‌تواند برای یکبار پیش از موعد تعیین شده، بازپرس را از علت عدم حضور خود مطلع سازد و موافقت وی را اخذ نماید که در این مورد، بازپرس می‌تواند در صورت عدم تأخیر در تحقیقات، تا سه روز مهلت را تمدید کند.

محکوم علیه، شاکی یا مدعی خصوصی و یا وکیل یا نماینده قانونی آنان و دادستان از سه جهت می‌توانند درخواست فرجام نمایند:

۴- در سایر موارد، پس از نقض رأی، پرونده به دادگاه هم عرض ارجاع می‌شود.

در مواردی که دیوان عالی کشور رأی را به علت نقص تحقیقات نقض می‌کند، مکلف است تمام موارد نقص تحقیقات را به تفصیل ذکر کند.

مرجع رسیدگی پس از نقض رأی در دیوان عالی کشور به شرح زیر اقدام می‌کند:

الف- در صورت نقض رأی به علت ناقص بودن تحقیقات، باید تحقیقات موردنظر دیوان عالی کشور را انجام دهد و سپس مبادرت به صدور رأی کند.

ب - در صورت نقض قرار و ضرورت رسیدگی ماهوی، باید از نظر دیوان عالی کشور متابعت نماید و در ماهیت، رسیدگی و انشای حکم کند، مگر آنکه پس از نقض، جهت تازه‌ای برای صدور قرار حادث شود.

پ - در صورت نقض حکم در غیر موارد مذکور، دادگاه می‌تواند بر مفاد رأی دادگاه قبلی اصرار کند. چنانچه این حکم مورد فرجام‌خواهی واقع شود و شعبه دیوان عالی کشور پس از بررسی، استدلال دادگاه را بپذیرد، حکم را ابرام می‌کند و در غیر این صورت، پرونده در هیئت عمومی شعب کیفری مطرح می‌شود. هرگاه نظر دادگاه صادرکننده رأی مورد تأیید قرار گیرد، رأی ابرام می‌شود و در صورتی که نظر شعبه دیوان عالی کشور را تأیید کند، حکم صادره نقض و پرونده به شعبه دیگر دادگاه ارجاع می‌شود. دادگاه مزبور بر اساس استدلال هیئت عمومی دیوان عالی کشور، حکم صادر می‌کند. این حکم قطعی و غیرقابل فرجام است.

ت- آرای که در مهلت قانونی نسبت به آن فرجام نشده باشد یا فرجام آن رد شده باشد و یا به تأیید مرجع فرجام رسیده باشد پس از ابلاغ به موقع اجرا گذاشته می‌شود.

هرگاه رأی، در خصوص اشخاص متعدد صادر شده باشد و در موعد مقرر بعضی از آنان اعتراض و یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام کرده باشند، پس از گذشت مهلت فرجام در مورد بقیه لازم الاجرا است.

درخواست فرجام درباره یک قسمت از رأی، مانع از اجرای سایر قسمت‌های لازم‌الاجرای آن نیست.

حضور آنان را لازم بدانند. در هر حال عدم حضور احضار شوندگان موجب تأخیر در رسیدگی و اتخاذ تصمیم نیست.

رئیس شعبه، پرونده‌های ارجاعی را، خود بررسی و گزارش جامع آن‌ها را تنظیم می‌کند و یا به نوبت به یکی از اعضای شعبه به عنوان عضو ممیز ارجاع می‌دهد. در این صورت عضو ممیز، گزارش پرونده را که متضمن جریان آن و بررسی کامل درباره فرجام خواهی و جهات قانونی آن است به صورت مستدل تهیه و به رئیس شعبه تسلیم می‌کند.

در موقع رسیدگی، عضو ممیز، گزارش پرونده و مفاد اوراقی را که لازم است قرائت می‌کند و طرفین یا وکلای آنان، در صورت حضور، می‌توانند با اجازه رئیس شعبه، مطالب خود را اظهار دارند. همچنین دادستان کل یا نماینده وی با حضور در شعبه به طور مستدل، مستند و مکتوب نسبت به نقض یا ابرام رأی معترض عنه یا فرجام خواسته، نظر خود را اعلام می‌کند. سپس اعضای شعبه با توجه به محتویات پرونده و مفاد گزارش و مطالب اظهار شده، با درج نظر دادستان کل کشور یا نماینده وی در متن دادنامه، به شرح زیر اتخاذ تصمیم می‌کنند:

الف- اگر رأی مطابق قانون و ادله موجود در پرونده باشد با ابرام آن، پرونده را به دادگاه صادرکننده رأی اعاده می‌نمایند.

ب - هرگاه رأی مخالف قانون، یا بدون توجه به ادله و مدافعات طرفین صادر شده باشد یا رعایت تشریفات قانونی نشده و آن تشریفات به درجه‌ای از اهمیت باشد که موجب بی اعتباری رأی شود، شعبه دیوان عالی کشور، رأی را نقض و به شرح زیر اقدام می‌کند:

۱- اگر عملی که محکوم علیه به اتهام ارتکاب آن محکوم شده به فرض ثبوت، جرم نبوده یا به لحاظ شمول عفو عمومی و یا سایر جهات قانونی متهم قابل تعقیب نباشد، رأی صادره نقض بلا ارجاع می‌شود.

۲- اگر رأی صادره از نوع قرار و یا حکمی باشد که به علت ناقص بودن تحقیقات نقض شده است، برای رسیدگی مجدد به دادگاه صادرکننده رأی ارجاع می‌شود.

۳- اگر رأی به علت عدم صلاحیت ذاتی دادگاه نقض شود، پرونده به مرجعی که دیوان عالی کشور، صالح تشخیص می‌دهد، ارسال می‌شود و مرجع مذکور مکلف به رسیدگی است.



WWW.TALKHANDAK.COM

جرعه‌ای از کلام ولایت

کار شما گاهی مثل درآوردن یک گلوله پنهان از بدن مریضی است که حیات و موت او به درآوردن این گلوله بستگی دارد.
شما بایستی باکمال ظرافت و دقت و تلاش آن را بیرون بیاورید.
این کارها را هیچ کس نمی‌فهمد.

از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با وزیر و معاونان وزارت اطلاعات - ۷۶/ ۱۰/۹

آن‌ها متصور است. لذا پیشنهاد می‌گردد، هر روز کیف اسناد و مدارک خود را بازدید کرده و مدارک اضافی را از آن خارج نمایید.

یادآوری‌های حفاظتی

۱- هرگز نسبت به حمل وسایل و اسناد و مدارک شخصی خود از محیط زندگی و کار بی تفاوت نباشید. برخی افراد در جیب، کیف و دیگر وسایل شخصی خود اسناد و مدارک یا کاغذهای یادداشت و... قرار داده و به همراه خود حمل می‌کنند. این کار موجب می‌گردد افراد دیگر به‌طور تصادفی به این اسناد دسترسی پیدا کنند.

۲- هرگز در محیط‌های متفرقه کیف اسناد و مدارک را از خود جدا نکنید

بعضاً مشاهده می‌گردد، برخی افراد کیف و اسناد و مدارک خود را در محیط کار دیگران گذاشته و برای کارهای متفرقه، مانند رفتن برای رفع حاجت و غیره محیط را ترک می‌کنند. در بعضی مواقع فراموش می‌کنند که وسایل خود را از اطاق دیگران بردارند. لذا هرگز اسناد و مدارک خود را در هیچ شرایطی از خود جدا نکنید تا دچار عواقب بعدی آن نگردید.

۳- هرگز در مواقع غیرضروری اسناد و مدارک را به همراه خود حمل نکنید.

بعضی افراد عادت به حمل اسناد و مدارک غیرضروری داشته و گاهی اوقات آن‌ها را در داخل اتومبیل گذاشته و به خرید یا کارهای متفرقه می‌روند. به همراه داشتن اسناد و مدارک همیشه مسئولیت افراد را نسبت به حامل آن‌ها سنگین‌تر نموده و خطرات سرقت برای



مروری بر اهم آسیب‌ها و تهدیدات پیش روی کارکنان سازمانی

ایمان بازبرین



گوش کارکنان را به روی دام‌ها و کمین‌های سر راه گشوده و آن‌ها را هوشیار و آگاه سازد. که با این کار ابتدا جلوی خسارت‌های احتمالی که مسلماً هزینه‌های سنگینی برای سیستم در بر خواهد داشت، گرفته می‌شود و در نهایت از اشاعه تخلف‌ها و انحراف‌ها در بین کارکنان پیشگیری می‌شود.

کارکنان سازمانی با توجه به نوع کار و فعالیت خود در معرض تهدیدات، آسیب‌ها و آسیب‌های مختلفی قرار دارند. در این میان هر چه محل کار و فعالیت کارکنان حساس‌تر باشد، به تبع آن احتمال بروز تهدید بسیار زیاد است.

تهدیدات و آسیب‌هایی که در صورت گرفتار شدن به آن نه تنها دامن خود فرد را آلوده می‌کند، بلکه موجب خدشه‌دار شدن وجهه قشر عظیمی از کارکنان سازمانی درگیر می‌گردد. بر همه کارکنان لازم است در همه حال مواظب رفتار، گفتار، اعمال، مکاتبات، روابط اجتماعی و فرهنگی خود در سازمان و جامعه باشند.

نگاهی به مفهوم آسیب و تهدید

در لغت به معنی ضرر و زیان به کاررفته است. تهدید، بیان آشکار آسیب رساندن به کسی یا ناراحت کردن و به دردر انداختن او می‌باشد. تهدید، نقطه مقابل امنیت قرار دارد، زمانی امنیت وجود دارد که تهدید نباشد و بالعکس، هرگاه تهدیدی احساس شود امنیت

در عصر حاضر که سازمان‌های مختلف روز به روز با دانش و فناوری‌های پیشرفته در حال رشد و پیشرفت هستند، نیروهای انسانی نقش بسیار مهم و کلیدی در طی این مسیر رقابتی و در حال تغییر چشم‌گیر و مداوم ایفاء می‌کنند.

بی‌شک مدیران سازمان‌ها نیز در جهت هدایت و سازماندهی این نیروها بااطلاع دقیق از وضعیت کارکنان می‌توانند نقش کلیدی در طرح‌ریزی و کارکرد منابع انسانی در سازمان‌ها داشته باشد. غفلت از این مقوله موجب وارد شدن لطمات جبران‌ناپذیر به بدنه سازمان‌ها و ادارات می‌گردد.

در این میان هرچه مشاغل کارکنانی حساس‌تر باشد، تلاش عوامل خارجی و همراه با وسوسه‌های نفس اماره و ضعف اخلاقی و ایمانی در به انحراف کشاندن نیروها بیشتر می‌شوند.

کارکنان سازمانی به تبعیت از نوع حساسیت شغلی خود از این مقوله مستثنا نبوده و بیشتر از سایر افراد در معرض آسیب‌ها و تهدیدات قرار دارند. مدیران در مواجهه با این تهدیدها، چند نقش مهم را ایفاء می‌کنند:

اول : نقش هشداردهنده یا پیشگیری‌کننده

دوم : نقش اصلاح‌کننده یا درمان‌کننده

سوم : نقش جداکننده از سیستم

مدیران با پیش‌بینی نوع تخلف‌ها و جرائمی که ممکن است در سازمانی به وقوع به پیوندد سعی می‌کنند به‌انحاءمختلف، چشم و

رخت برمی بندد.

اهم آسیب‌ها و تهدیدات کارکنان سازمانی را می‌توان به

شرح زیر برشمرد:

- نداشتن روحیه کاری
- خودنمایی و پرحرفی
- سوءاستفاده از مقام و عنوان سازمانی
- تجسس بی‌مورد
- افشاء اسرار
- ابتلا به لغزش‌های اخلاقی
- سوءظن و گمان‌های بی‌مورد
- نداشتن اطلاعات کافی
- فعالیت‌های سیاسی و عضویت در گروه‌ها و تشکیلات ممنوعه
- گزارش‌های خلاف حقیقت
- رفتار مطابق سلیقه و میل دیگران
- ارتباط و تماس غیرمجاز با اتباع بیگانه
- عدم شناخت آسیب‌های فضای سایبر و شبکه‌های مجازی

انواع تهدیدهای پیش روی کارکنان دستگاه‌های اداری در

یک نگاه

این تهدیدات را می‌توان با توجه به روش‌ها، ابزار و منابعی که مورد استفاده قرار می‌گیرند در سه گونه به شرح زیر تقسیم بندی نمود:

الف) تهدیدات عمومی

وضعیتی که در آن مناسبات اجتماعی بین افراد سازمانی و نهادهای شدن فسادهای مختلف احتمالی صیانت نشده، در نتیجه شاهد کاهش ضریب امنیت افراد از ناحیه عملکرد سایر کارکنان سازمانی هستیم.

ب) تهدیدات امنیتی

موجودیت یک سیستم را مورد هدف قرار می‌دهد و نکته مهم و نهفته آن با بقای یک نظام سیاسی مرتبط است.

ج) تهدیدات سخت

اغلب با ابزارها و تجهیزات مرگبار انجام شده و تخریب در پی دارد.

د) تهدیدات نرم

اقداماتی که باعث دگرگونی هویت و الگوهای رفتاری می‌شود که می‌توان نوعی سلطه در ابعاد سه‌گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ است.

راهکارها پیشنهادها برای غلبه بر آسیب‌ها

- تقویت و افزایش نظارت بر عملکرد کارکنان
- رعایت حفاظت گفتار از سوی کارکنان
- رازداری و امانت‌داری
- تقویت بنیه ایمانی و اعتقادی
- شرکت در کلاس‌های آموزش خدمتی سازمانی



برنامه‌های آموزشی و آگاه‌سازی حفاظت و اطلاعات سازمان بازرسی کل کشور در سال ۹۴



ب) برگزاری دوره آموزشی پیشگیری از آسیب‌ها و تهدیدات ناشی از فضاهای مجازی

با عنایت به گسترش فزاینده تکنولوژی در فضای مجازی و به تبع آن آسیب‌ها و تهدیدات ناشی از آن، این دوره در دو جلسه (۲۶ مرداد و ۲۵ آبان ماه) و با حضور معاونین، بازرسان و مدیران کل، بازرسان، کارشناسان و کارکنان سازمان در سالن همایش غدیر برگزار شد. در این دوره مباحثی با موضوعات زیر ارائه گردید:

۱ - آشنایی همکاران با آسیب‌هایی که استفاده از فضاهای مجازی که حریم اخلاقی خود و خانواده‌هایشان را تهدید می‌کند.
۲ - تقویت اصل تقدم پیشگیری بر برخورد در حوزه مقابله با آسیب‌های رفتاری و اخلاقی سازمانی.

۳ - آشنایی با سابقه و تاریخچه شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی.
۴ - آشنایی با گردانندگان شبکه‌های اجتماعی و اهداف و مقاصد آنها

۵ - راه‌های جلوگیری از آسیب‌های مترتب بر استفاده از شبکه‌های مجازی و استفاده بهینه از امکانات و فرصت‌های نهفته در آنها.

ج) برگزاری دوره آموزشی امنیت در مسافرت‌های خارجی و توجیهات ضد جاسوسی
به‌منظور آشنایی همکاران مرتبط با آسیب‌هایی که درانای

در راستای تحقق اصل پیشگیری و اجرای برنامه‌های آگاه‌سازی‌های حفاظتی، حفاظت و اطلاعات سازمان در سال جاری برنامه‌های مختلف را به اجرا گذاشت. در ادامه به اهم این برنامه‌ها اشاره می‌شود:

الف) برگزاری ۳۱ جلسه آگاه‌سازی حفاظتی در سطح استان‌ها

در جریان بازدیدهای نوبه‌ای از دفاتر حفاظت و اطلاعات استان‌ها، کارشناسان حفاظت و اطلاعات سازمان اعزامی از مرکز اقدام به برگزاری ۳۱ جلسه آگاه‌سازی در سطح استان‌ها به میزان ۴۰۰۰ نفر ساعت نموده‌اند.

در این جلسات، مباحثی چون "اهمیت و جایگاه حفاظت و اطلاعات، جایگاه و اهمیت اطلاعات در رابطه با جمع‌آوری و جاسوسی، یادآوری وظایف و نقش حفاظت و اطلاعات در بازرسی کل کشور، آسیب‌شناسی شبکه‌های اجتماعی اعم از مجازی و حقیقی، حفاظت گفتار (حقیقی و مجازی)، حفاظت اسناد و مدارک در فضای حقیقی و مجازی، توصیه‌ها و تدابیر حفاظت و اطلاعاتی عمومی برای بازرسان، توصیه‌ها و تدابیر حفاظت و اطلاعاتی در حین انجام بازرسی، حفاظت شخصی در سفرهای خارج از کشور و راه‌کارهای مقابله با آسیب‌های حفاظتی" ارائه گردید.



قضایه، حفاظت و اطلاعات سازمان بازرسی کل کشور در آذرماه سال جاری اقدام به برگزاری دوره آموزشی "ضابطین قضایی" نمود. در این دوره ۴۷ تن از مسئولین و کارشناسان حفاظت و اطلاعات استان ها و مرکز حضور داشتند.

راه اندازی بخش ویژه حفاظت و اطلاعات در نشریه داخلی سازمان

در جریان بازدیدهای نوبه ای از بازرسی کل استان ها و انجام برنامه آگاه سازی حفاظتی، عموم همکاران تقاضای خود برای مستمر بودن برنامه های آگاه سازی و بصیرت افزایی را مطرح می کردند. در این راستا و در جهت تکمیل پازل آموزش عمومی، ایده راه اندازی بخش ویژه ای در نشریه داخلی سازمان مطرح و مورد توجه قرار گرفت. لذا این بخش با عنوان "پیام حفاظت" از شماره دی ماه ۹۴ در نشریه داخلی آئینه بازرسی جای خود را باز کرد. در این بخش مقالات، یادداشت ها، پیام ها و اخبار مرتبط با مأموریت و فعالیت های حفاظت و اطلاعات ارائه می شود.

مسافرت های خارجی می تواند تهدید را باشد و تقویت اصل تقدم پیشگیری به منظور جلوگیری از بروز تهدیدات به هنگام انجام مسافرت های خارج از کشور، حفاظت و اطلاعات سازمان بازرسی کل کشور با همکاری حفاظت و اطلاعات قوه قضایه، برای تعدادی از کارکنان سازمان دارای مشاغل حساس، اقدام به برگزاری دوره آموزشی با موضوع "امنیت در مسافرت های خارجی و توجیهات ضد جاسوسی" نمود.

در این دوره اساتید مدعو، مباحثی چون "مروری بر اهم مصادیق تهدیدهای پیش رو در مسافرت های خارجی، مرور موردی اتفاقات پیش آمده در مسافرت های خارج از کشور، تبیین شیوه های جاسوسی دشمن از افراد، آسیب شناسی چرایی و چگونگی وقوع تهدیدات در مسافرت های خارج از کشور و راه های مقابله با تهدیدات و انجام مسافرت هایی به دور از هرگونه حاشیه و تهدید" مطرح گردید.

د) برگزاری دوره آموزشی ضابطین قضایی

به تبع موافقت مقام معظم رهبری با درخواست رئیس محترم قوه قضایه مبنی بر شمول احکام و مقررات مربوط به ضابطین دادگستری به عوامل و کارکنان حفاظت و اطلاعات قوه





WhatsApp

محمد چگینی

درباره واتس آپ چه می‌دانیم؟

نام: واتس آپ

سال تولید: ۲۰۰۹

کشور محل تولید: آمریکا

توسعه‌دهنده: شرکت واتس آپ

سیستم‌های عامل: اندروید، ویندوزفون، بلک بری،

سیمبین، آی او اس

امنیتی ملی آمریکا افشا کردند که نسخه‌ای از همه اطلاعات مبادله شده که در کمپانی‌های متعلق به مارک زاکربرگ در اختیار نهادهای امنیتی آمریکا و اسرائیل قرار می‌گیرد اما مارک زاکربرگ برکیت مالک جدید واتس آپ و بنیان‌گذار یهودی آمریکای فیس بوک که ۱۹ میلیارد دلار برای خرید واتس آپ پرداخته در دنیای تجارت معنای این رقم بزرگ آن است که واتس آپ قطعاً پیش از این ۱۹ میلیارد دلار به صاحبان فیس‌بوک سود خواهد رساند برای درک این میزان از پول کافی است تصور کنید که کل پولی که غربی‌ها قرار بود در قرارداد ژنو به ایران پرداخت کنند ۴/۵ میلیارد دلار بود.

مارک زاکر برگ مالک جدید واتس آپ یک صهیونیست هم است و صهیونیست‌های تل‌آویو از او در شصتین سالگرد تأسیس اسرائیل تقدیر به عمل آورده‌اند و اسم پسر خوب یهود را روی او گذاشتند. بنا به افشاگری‌های اسنودن ویکی‌لیکس مأموریت واتس‌آپ در واقع گردآوری اطلاعات مختلف کاربران در جهان است که می‌تواند مورد استفاده تحلیل‌گران اطلاعاتی قرار گیرد.

برای همین است که در اوج تحریم‌ها علیه ایران با اینکه ایرانیان از سرویس‌های مفیدی همچون یاهو میل و جی‌میل به بهانه تحریم محروم شدند اما صهیونیست‌ها هیچ‌وقت درباره واتس آپ، ایران را تحریم نکردند.

همچنین واتس آپ این امکان را فراهم می‌کند تا دختران و پسران دور از چشم خانواده، با یکدیگر ارتباط برقرار کنند.

درحالی‌که تلفن به تنهایی برای ارتباط کافی است. ارتباط با واتس آپ درواقع حالتی نزدیک‌تر، خصوصی‌تر و طولانی‌تر را برای کاربران ایجاد کرده است و علاوه بر مسائل اخلاقی به دامن زدن شایعه‌ها و جنگ نرم تبلیغاتی دشمن نیز می‌تواند کمک برساند.

گذشته از این واتس آپ عواید مالی گسترده‌ای دارد که صهیونیست‌ها از آن بهره‌مند می‌شوند و به همین دلیل است که این اپلیکیشن و مخترع یهودی‌اش در اسرائیل از محبوبیت بالایی برخوردار است.

روزنامه اسرائیلی هآرست در مقاله‌ای در ۲۰ Feb ۲۰۱۴ از یانکن مخترع واتس آپ به‌عنوان یک یهودی موفق تقدیر و اعلام کرد که واتس‌آپ یکی از محبوب‌ترین اپلیکیشن‌های ارتباطی در اسرائیل است. به‌نحوی که ۹۲٪ به‌گوشی‌های هوشمند اسرائیلی از واتس آپ استفاده می‌کنند.

آقای "یانکن" یک یهودی اشکنازی اهل اکراین بود که در سنین نوجوانی همراه با مادر و مادر بزرگ خود به کالیفرنیا ای آمریکا مهاجرت کرد و پس از تحصیل ناتمام در رشته کامپیوتر جذب شرکت یاهو شد و پس از به بازار آمدن تکنولوژی آیین متوجه بازار پرمنفعت اپیکیشن‌های موبایل شد.

او همراه با یکی از دوستانش دست به طراحی اپیکیشن واتس آپ زد اپیکیشنی که به‌سرعت به یکی از پرکاربردترین اپیکیشن‌های با کارایی فرستادن پیغام درگوشی‌های هوشمند بدل شد به‌طوری که ماهانه ۴۳۰ میلیون کاربر از آن استفاده کرده و روزانه بیش از ۵۴ میلیارد پیام کوتاه در آن جابجا می‌شود. اما همه‌چیز فقط به منفعت اقتصادی ختم نمی‌شد. واتس آپ برای کاربرانش جذاب بود چون می‌توانستند با سرعت زیادی متن و تصویر ارسال کنند. اما چندان امن نبود در ماه May سال ۲۰۱۱ یک چاله امنیتی در سیستم کاربری واتس‌آپ کشف شد که نشان می‌داد اطلاعات مبادله شده کاربران به‌سادگی توسط برخی قابل خواندن است.

در ششم ژانویه ۲۰۱۲ نیز یک هکر ناشناس وب‌سایتی را طراحی کرد که در آن هر کاربری می‌توانست با داشتن شماره تلفن هر یک از کاربر واتس آپ دلخواه خود استیتوس یا وضعیت کاربری کاربران دیگر را تغییر دهد.

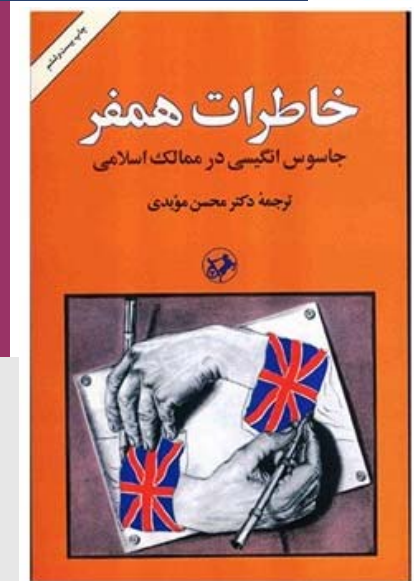
اشکالات امنیتی این سرویس پیام‌رسان به حدی بود که در ۱۳ ژانویه ۲۰۱۲ از فروشگاه اپیکیشن‌های IOS موسوم به اپستور حذف شد تا اینکه چند روز بعد دوباره به اپستور برگشت اما حفره‌های امنیتی بعدی دوباره در طول ماه‌های بعدی سال ۲۰۱۲ یکی، یکی کشف می‌شد و مشخص می‌شد که اطلاعات خصوصی کاربران چندان هم در جای امنی قرار ندارند.

بعدها سایت ویکی‌لیکس و سپس ادوارد اسنودن افشاگر آژانس

کتاب

خاطرات همفر (Hamfer)

علی کنگاوری



در جامعه مسلمانان قلمداد گردیده است.

همفرد خاطرات می گوید وزارت مستعمرات، مرا جاسوس کشورهای مصر، عراق، ایران، حجاز و قسطنطنیه کرد تا اطلاعاتی را در خصوص جستجوی راه های درهم شکستن مسلمانان و نفوذ استعماری در ممالک اسلامی جمع آوری کنم.

البته همزمان با من ۹ نفر دیگر از خبرگان جاسوسی در این ممالک مأموریت مشابهی را انجام می دادند که هر کدام سرنوشت خود را در خصوص وظایف محوله داشتند که یکی از آن ها مسلمان شده و در مصر ماندگار شد.

همفر در روزهای اولیه حضور در قسطنطنیه مبنی بر اجرای مأموریت آموزش زبان و مناسک بومی و... با یک روحانی اهل تسنن بنام احمد افندی آشنا شد و خود را به وی محمد معرفی کرده و تحت پوشش اینکه فاقد پدر و مادر و... است در نزد وی جلب توجه و جذب ایجاد کرده و شب ها در مسجدی می مانده و روزها در نزد نجاری کار می کرده است. وی در طول دو سال اقامت خویش در کشور عثمانی ضمن اینکه آموزش های لازم را در ابعاد مختلف کسب کرده و در عین حال اخبار دولت عثمانی را به طور مرتب به کشورش منعکس می کرد و در مقطعی نیز به انگلیس برای ارائه گزارش جامع فراخوانده شده است.

وی پس از مراجعت از انگلستان؛ حسب مأموریت محوله به تمامی مناسک و آداب دینی و فرهنگ اجتماعی در امپراطوری اسلامی کاملاً آشنا شده و موظف بوده است؛ اولاً نقاط ضعف مسلمانان را شناسایی و تحلیل نماید در ثانی با سوءاستفاده از آن ها زمینه تفرقه و چنددستگی را فراهم بنماید. وی حتی به قدری با خودنمایی خویش در مناسک دینی توجه مفتی اهل تسنن را به خود جلب می نماید که ایشان پیشنهاد ازدواج با دختر خویش را به وی می دهد. همفر با کسب تکلیف از وزارت مستعمرات بنا به صلاحدید در این رابطه؛ برای ادامه مأموریت، این بار عازم بصره می شود.

کتاب مذکور؛ بیانگر خاطرات "همفر" جاسوس کشور انگلیس در بلاد اسلامی است که توسط آقای دکتر مویدی ترجمه و موسسه انتشاراتی امیرکبیر در سال ۱۳۶۲ منتشر و تاکنون نیز ۲۷ بار تجدید چاپ شده است.

کشور استعمارگر انگلستان در اوایل قرن ۱۸ میلادی از نابسامانی اوضاع هندوستان و بروز خطر علیه خود به دلیل اختلافات فرقه ای در داخلی این کشور و حاکمیت فرهنگ چهل و نادانی آسوده خیال بود. در عین حال باوجود ارزیابی و تصور اینکه عمر امپراتوری عثمانی در غرب آسیا به بیش از ۱۰۰ سال نخواهد انجامید؛ از قدرت نرم جهان اسلام به ویژه فرهنگ شیعی در ایران فوق العاده در هراس بود. چراکه از نظر سردمداران انگلیس، اسلام از قدرت معنوی خاصی برخوردار است که در صورت قلیان و جوشش عقیدتی آن، فوق العاده برای منافع این کشور خطرآفرین تلقی می گردید. ضمن اینکه کشور بریتانیا دین اسلام را نحله ای آزادی بخش و آزادی خواه ارزیابی کرده و در عین حال براین باور بود که مسلمانان دل خوشی از مسیحیت نداشته و از رهبران عقیدتی قوی و پرنفوذ نیز برخوردار است.

بنابراین گردانندگان کشور انگلیس معتقد بودند که بایستی در خصوص نفوذ انگلیس برای تضعیف قدرت جهان اسلام فکری کرد. از این رو پس از اتخاذ تدابیر لازم به ویژه انعقاد جلساتی با کشورهای مثل روسیه و فرانسه در راستای چاره اندیشی برای استثمار کشورهای اسلامی؛ وزارت مستعمرات انگلیس در سال ۱۷۱۰ میلادی ضمن احضار آقای همفر به عنوان یکی از نخبه های این کشور، مأموریتی را به وی محول کرد که هدف از آن، به صراحت ایجاد اختلاف و تشنج

همفر می‌گوید در بصره سوءظن‌هایی از جانب مسلمین علیه من بود که به دلیل آشنایی من با زبان ترکی و مناسک دینی این مشکل را حل کرد. ولی ضمن ادامه آموزش زبان عربی و رویکردهای موجود در میان شیعه و سنی، روزها در نجاری کار می‌کرده است که یکی از روزها حسب اتفاق در حین کار با جوانی به نام محمدابن عبدالوهاب (بنیانگذار فرقه ضاله وهابیت) که به آنجا تردد داشته؛ آشنا شده است. از نظر او محمد جوانی فوق‌العاده بوده و به سه زبان عربی، ترکی و فارسی مسلط بوده و از لحاظ نخبگی در حدّ عالی قرار داشته است. بنا به اظهار همفر عبدالوهاب جوانی بسیار آزاداندیش بوده و خیلی روی مباحث شیعه و سنی حساسیت نشان نمی‌داد و در عین حال به مبانی عقیدتی و فکری اسلام کاملاً آشنا بوده است. از این روی همفر پس از ارزیابی‌های بسیار نقاط قوت و ضعف وی را ارزیابی کرده و از وزارت مستعمرات کسب تکلیف کرده که وزارت مذکور گزینه یادشده را مناسب ارزیابی کرده و به همفر رهنمودهای لازم را می‌دهد.

همفر با ورود به نقاط ضعف محمد از جمله مسائل جنسی و طرح حساب‌شده مباحث عقد موقت در اسلام و تحریک محمد به زیر پا گذاشتن این ممنوعیت (از نظر اهل تسنن) وی را متقاعد به مسئله صیغه کرده و در این رابطه او را با یک جاسوسه انگلیس در بصره بنام صفیه آشنا می‌کند. به طوری که ضمن هماهنگی با جاسوسه مذکور روی محمد به شدت کار کرده و از جانبی دیگر ضمن کشف نقطه ضعف غرور در محمد و طرح مباحث دامن گیر و حساب‌شده در رابطه با شیعه و سنی و احصاء نقاط ضعف بر آن‌ها؛ سرانجام در درازمدت وی را ترغیب به اعلام پیشوایی و مرجعیت برای آیینی جدید می‌نماید. حتی برای پیش برد اهداف خویش خواب‌های ساختگی و دروغ خود را به محمد تعریف می‌کرده است؛ تا وی را متقاعد به اهداف خویش بنماید. ضمن اینکه همفر در فرصت‌های بسیاری با علما شیعه نیز تماس داشته و اخبار و برنامه‌های خود را تکمیل می‌کرده است.

همفر در ادامه اقدامات خود در دوره مشخصی به همراه ابن عبدالوهاب به ایران مسافرت کرد (محمد در اصفهان ۴ سال درس حوزوی خوانده است)

همفر جهت رسیدن به مقاصد خود و برای اینکه در ایران به محمد سخت نگذرد، وی را در اصفهان با جاسوسه دیگری بنام آسیه (مقیم شیراز و یهودی مسلک) آشنا می‌کند. در حقیقت به قدری خوب روی محمد در راستای اهداف از پیش تعیین‌شده کار کرده است که کاملاً رضایت وزارت مستعمرات انگلیس جلب شده است.

همفر می‌گوید در این دوره، به زحمت مدت کوتاهی برای مرخصی و ارائه گزارش به انگلستان رفتم، در روزهای آخر مرخصی به سری به وزارتخانه زدم، وزیر شخصاً با من ملاقات کرده و گفت از آنجایی که مأموریتم را خوب انجام داده‌ام می‌خواهد رازی را با من در میان می‌گذارد.

او مرا به سألنی هدایت کرد. خدای من چه می‌دیدم؟! در آن جلسه دقیقاً شبیه ده نفر از شخصیت‌های جهان اسلام مثل شاه ایران و امپراتور عثمانی و شخصیت‌های مذهبی را دیدم و با کمال تعجب وقتی سؤال کردم این‌ها برای چیست؟! گفته شد آن‌ها حداقل تا ۷۰ درصد از منش‌های شخصیت‌های اصلی را برخوردارند و حتی تعدادی به زبان‌های مادری کاملاً مسلط هستند و ما می‌خواهیم از آن‌ها در اهداف خویش بهره‌برداری کنیم به‌ویژه در رابطه با طرح مباحث سوژه یعنی عبدالوهاب (وی برای جدل و بحث با شخصیت‌های اسلامی آماده شود) استفاده می‌کنیم.

همفر می‌گوید در ادامه این دیدار، دو جلد کتاب قطور کاملاً محرمانه که هر کدام در حد ۱۰۰۰ صفحه بود به من داده شد که یکی از آن‌ها برنامه‌ها و مطالبی پیرامون شخصیت‌های بدلی و جلد دیگر در رابطه با ریزترین نقاط قوت و ضعف مسلمین در جهت برنامه‌های نفوذ و ایجاد ناپایداری و اختلاف در میان آن‌ها بوده است که در آخر خاطرات همفر، بخش عمده آن‌ها احصا شده است.

بنابراین بایستی اذعان داشت عبدالوهاب باتریت و تحریک و کمک کشور انگلیس به جایی رسید که فرقه ضاله وهابیت را در سرزمین نجد عربستان بنا کرده و گسترش داد.

همفر می‌گوید: پس از چند سال دعوت محمد؛ انتشار مذهب او قرین موفقیت گردید و وزارت مستعمرات تصمیم گرفت از نظر سیاسی هم در جزیره العرب دست به کار شود.

این بود که بریتانیا یکی از عمّال خود بنام «محمدابن سعود» را به همکاری با محمد بن عبدالوهاب مأموریت داد و نماینده‌ای مخفی پیش محمد فرستاد تا هدف بریتانیای کبیر را برای او روشن ساخته و بر لزوم اشتراک مساعی در این زمینه تأکید کند. از این رو بود که وهابیت با کمک انگلیس در عربستان شیوع پیدا کرد و در مقاطعی به قدری گسترش یافت که دولت عثمانی و مصر را نیز مورد دست‌اندازی قرار داد.

تأملی بر عوامل و آثار غافلگیری در برابر دشمن

قسمت سوم

خلیل اسفندیاری

کارشناس طرح و برنامه حفاظت و اطلاعات سازمان بازرسی کل کشور

اشاره:

دو قسمت از این مقاله را در شماره های ۷۳ و ۷۴ آیین بازرسی مطالعه کردید.

در شماره های گذشته، به واژه شناسی غفلت، غافل و غافلگیر پرداخته و اهم موضوعات در معرض خطر غفلت را بیان نمودیم. غفلت در ادبیات فارسی و شعر شاعران برجسته و تبیین ویژگی انسان های غافل و آثار و پیامدهای غفلت در حوزه های فردی، جمعی و بین المللی و نیز توجه به اصل غافلگیری و هشدار نسبت به آن در آثار ادبی و تاریخی کشورمان، دیگر بخش هایی بود که در دو قسمت نخست درباره آن مطالبی ارائه شد. در این شماره، قسمت سوم این مقاله را با هم می خوانیم.

اهمیت این اصل موجب شده است تا توجه به رعایت آن که حمله به آسیب پذیری های ناشناخته دشمن، به صورت غیرمنتظره و به شیوه های ناپیوسته را مورد توجه قرار می دهد به عنوان یکی از الزامات مهم در جنگ های ناهمگون^۱ قرار گرفته و در کنار استفاده از دیگر ویژگی های جنگ نامتقارن مانند:

- تکرارپذیری
- کوتاه مدت بودن
- غیرقابل پیش بینی بودن
- نداشتن صحنه نبرد مشخص
- نامشخصی و نامعینی جنگجویان
- نداشتن ابزار و فناوری مشخص
- داشتن فضای مانور زیاد
- ضربه زدن دقیق عملیاتی
- داشتن واحدهای اجرایی و رمزی کوچک

زمینه های موفقیت این نوع از نبرد به نحو محسوسی بالا برود.^۲

علائم غافلگیری و مشخصات تصمیم گیری در مواقع بروز آن
وقتی فرد و یا سازمان و در سطحی بالاتر کشوری در معرض غافلگیری قرار می گیرد، شرایطی بر او تحمیل می شود. از جمله آنکه:

- زمان برای اتخاذ تصمیم دچار محدودیت می شود.
- نیروی پشتیبانی کننده به اندازه نیاز در دسترس نیست.



اهداف غافلگیری

شخص، سازمان و یا کشوری که اقدام به استفاده از اصل غافلگیری علیه رقیب یا دشمن خود می کند، از این اقدام خود اهداف متعددی را دنبال می نماید. اهم این اهداف را می توان به قرار زیر برشمرد:

- برهم زدن تعادل روحی دشمن
- ایجاد ناهماهنگی و آشفتگی سازمانی
- بازداشتن دشمن از انجام واکنش مناسب
- جبران کمبود نیرو و امکانات خود
- در دست گرفتن ابتکار عمل
- نشان دادن قدرت و برتری خود بخصوص در حوزه های

ناشناخته

- فضای روانی برای اتخاذ تصمیم مناسب، مساعد نیست.
- فضای برای مانور و تحرک دچار محدودیت می‌شود.
- هر اقدامی می‌تواند به ضد خود تبدیل شده و به مشکلی بر مشکلات موجود بیافزاید.
- و یا در کدام یک از ۳ سطح :
- استراتژیک
- عملیات
- تاکتیک

با عنایت به مطالب فوق و اهدافی که رقیب یا دشمن از غافلگیر کردن دارد می‌توان علایم موفقیت اعمال این اصل را در نوع و نحوه رفتار سیستمی که دچار غافلگیری شده مشاهده نمود.

بدیهی است چنانچه این غافلگیری در سطح عالی و استراتژیک یک سازمان و یا کشور که عهده دار هدف‌گذاری‌های کلان، است رخ دهد. لطمات ناشی از آن به مراتب سنگین‌تر از غافلگیری‌هایی است

که در ۲ سطح دیگر اتفاق بیافتد. چرا که غافلگیری در سطوح استراتژیک زمینه‌های بروز گسستگی در سیستم را فراهم کرده و موجب واگرایی در میان توانایی‌های آن می‌شود. به نحوی که بعضاً ممکن است عناصر و افراد مختلف حاضر در یک سیستم که

برهم زدن تعادل روحی دشمن یا رقیب، ایجاد ناهماهنگی و آشفتگی سازمانی، بازداشتن دشمن از انجام واکنش مناسب، جبران کمبود نیرو و امکانات خود، در دست گرفتن ابتکار عمل و نشان دادن قدرت و برتری خود بخصوص در حوزه‌های ناشناخته، اهم اهداف یک حرکت غافلگیر کننده بشمار می‌آید.

- تشتت در تصمیم‌گیری
- تصمیم‌گیری‌های حساب نشده
- موضوع‌گیری‌های متناقض
- عدم جبران تلفات وارده در موعده معقول و منطقی
- برهم خوردن محاسبات
- از دست دادن مواضع و امتیازات
- از جمله این علائم است.

بدیهی است بروز همه این علائم در همه غافلگیری‌های عمومی و در یک سطح و یک شکل نخواهد بود بلکه بسته به میزان تجربه و تسلط مدیران ارشد و مربوط می‌تواند متفاوت باشد.

انتظار می‌رود در کنار هم عمل کنند، نه تنها در جهت پوشش نقاط ضعف همدیگر کاری انجام ندهند، بلکه موجبات خنثی یا کم اثر نمودن فعالیت‌های همدیگر هم را نیز فراهم نمایند.

اگر تصمیم‌گیری را براساس میزان آگاهی یا ابهام موجود در موضوع مورد تصمیم، در سه دسته:

- وضعیت اطمینان^۳
- وضعیت مخاطره^۴
- وضعیت عدم اطمینان

تقسیم بندی کنیم، می‌توانیم این ادعا را مطرح سازیم که تصمیم‌گیری در شرایط غافلگیری به وضعیت سوم (وضعیت عدم اطمینان و قطعیت) نزدیک تر است.

بدیهی است در چنین فضایی، ارکان اساسی و متغیرهای کلیدی

چه بسا مدیری با استفاده از روحیات و تجربه‌هایی که دارد بتواند بگونه‌ای با موضوع غافلگیری برخورد نماید که بدون ورود به تنش مضاعف در سیستم تحت هدایت و مدیریت خود، از آن عبور کند.

ضمن آنکه بسته به اینکه این غافلگیری در کدام یک از اشکال:

- ابزار
- زمان
- مکان
- تاکتیک و روش



- تعریف کننده یک فضای تصمیم (مجموعه سیاست ها، راهکارها، اقدامها یا گزینه‌ها که تصمیم گیر و برنامه ریز باید از بین آنها انتخاب کند، مجموعه ای از وضعیت های آینده که وقوع آنها قابل تصور باشد و...) وجود نداشته و تصمیم گیرنده، دچار محدودیت در اطلاعات پیرامون فضای تصمیم و همچنین در تنگنای زمان و امکانات بوده و کوچکترین سهل انگاری می تواند منجر به عواقب جبران ناپذیر شود.
- اطلاعات و اخبار
- ابزار و امکانات
- شرایط و موقعیت ها
- وجود داشته باشد.

این نواقص اگر به موقع مورد شناسایی واقع نشده برای رفع آنها چاره اندیشی نشود، می تواند منجر به غافلگیری یک مجموعه یا در سطحی وسیع تر یک کشور شود.

از جمله زمینه هایی که می تواند سبب ساز غافلگیری شود، خصوصیات است که ممکن است در

مدیر یا مدیران ارشد و تصمیم گیر یک سازمان یا یک کشور وجود داشته موجب شود تا هشدارها به موقع دیده و شنیده نشود.

برخی از این خصوصیات که می تواند زمینه های غافل شدن مدیر را فراهم کند عبارتند از :

- نداشتن سعه صدر

وقتی فرد و یا سازمان و در سطحی بالاتر کشوری در معرض غافلگیری قرار می گیرد، شرایطی بر او تحمیل می شود. از جمله آنکه زمان برای اتخاذ تصمیم دچار محدودیت می شود. نیروی پشتیبانی کننده به اندازه نیاز در دسترس نیست. فضای روانی برای اتخاذ تصمیم مناسب، مساعد نیست. فضا برای مانور و تحرک دچار محدودیت می شود و هر اقدامی می تواند به ضد خود تبدیل شده و به مشکلی بر مشکلات موجود بیافزاید.

زمینه ها و موضوعات غافلگیری کدامند؟

برای برنامه ریزی به منظور

جلوگیری از وقوع غافلگیری، اینکه غافلگیری در چه حوزه ها و موضوعاتی رخ می دهد حائز اهمیت است. اهم این موضوعات را می توان به شرح ذیل بیان کرد :

- غافلگیر شدن در مورد بازیگر یا عناصر تهدیدگر (کدام بازیگر یا چه عامل)

- غافلگیر شدن در مورد متحدان یا عناصر همراه عناصر اصلی (با چه متحدانی یا در هم افزایی با چه عناصری)
- غافلگیر شدن در مورد قدرت و توان تهدیدگر (با چه توانی، اعم از توان شروع و توان پایداری)
- غافلگیر شدن در مورد زمان بروز تهدید (کی، در چه زمانی)
- غافلگیر شدن در مورد میزان تداوم و طول کشیدن تهدید (تا چه مدتی)
- غافلگیر شدن در مورد ارزش های مورد تهدید (کدامین ارزش، با چه اهمیتی)

- غافلگیر شدن در مورد شدت و ابعاد تهدید (چه میزان)

- غافلگیر شدن در مورد مکان بروز تهدید (کجا)

- غافلگیر شدن در مورد شیوه و ابزار اعمال تهدید.

این ۹ موضوع را می توان در قالب یک پرسش، به شرح ذیل در کنار هم گرد آورد :

" کدام بازیگر (یا چه عنصری)، همراه با کدام متحد (یا عناصر هم افزایی)، کی، کجا، تا چه مدتی، کدامین ارزش ما را با چه شیوه و ابزاری، و با چه شدت و ابعادی تهدید می کند؟"

ویژگی هایی که می تواند زمینه ساز غافلگیری شود

غافلگیری، محصول یک سری از نواقص و شرایط است. نواقصی که ممکن است در:

- روحیات و خصوصیات افراد

- پست شمردن دیگران بخصوص زیر دستان
- نداشتن حسن تدبیر
- عبرت نگرفتن از حوادث و شکست ها
- غرور و خودشیفتگی
- بی توجهی به نظم و انضباط
- ترس و تردید افراطی
- کسالت و تنبلی
- نداشتن حافظه بلند مدت و تیز
- عدم برخورداری از فکر همه جانبه نگر و قدرت تشخیص و تحلیل گری

میدان دادن به افراد چاپلوس

خوشبینی افراطی نسبت به اطرافیان

بدبینی افراطی به اطرافیان

مشورت ناپذیری

بی توجهی به حفاظت از اسرار و اطلاعات

به تاخیر انداختن تصمیم ها و اقدامات

بی توجهی نسبت به بروز نشدن دانش و اطلاعات خود و مجموعه تحت مدیریتش

- عجل بودن در تصمیم گیری و اقدام
- کم تحملی و انتقاد ناپذیری
- ناتوانی در مهار بدخواهان

چهره ای مشهور آموزه های نظامی او همچنان محل رجوع و استفاده است. وی در توصیه های نظامی خود به استفاده از اصل غافلگیری اشاره کرده و چنین توصیه می کند:

” با حمله های ناگهانی، دشمن را در جاهایی که آماده نیست، غافلگیر و با گروه های ضربت به وی هجوم برید... سرعت و چالاکی، جوهره جنگ است. از فقدان آمادگی دشمن استفاده کنید و مسیرهای پیش بینی نشده را برگزینید و در جایی که برای خود مصونیت ایجاد نکرده است او را بکوبید.“

” لیدل هارت“ نظریه پرداز بریتانیایی نیز درباره فریب و غافلگیری و ضد فریب و ضد غافلگیری به عنوان نیازی برای کلیه جنگ ها چنین می گوید: ” نقطه ضعف دشمن را شناسایی کنید و با کلیه نیروهای ممکن به آن نقاط حمله نمایید و در عین حال در مقابل خطر حمله متقابل دشمن از نقطه ضعف خودی محافظت نمایید.“^۸

همچنانکه پیشتر نیز اشاره شده، غافلگیری را در حوزه ها و موضوعات مختلف مانند:

- زمان
- مکان
- تاکتیک و روش
- برنامه ریزی
- طراحی^۹

می توان عملی کرد.

بر این اساس استفاده از اصل غافلگیری در نزد ایرانیان باستان نیز مغفول نمانده و رد پای آن را می توان در بخش هایی از کتاب «آیین نامه» که در «عیون الاخبار»^{۱۰} دینوری آمده مشاهده کرد: ”... و هنگامی که دشمن در فکر دفاع از خود نیست و جاسوسانی نمی فرستد و وقتی در قسمت های مقدم دشمن بی بالائی و غفلت مشاهده می شود و دشمنان، چارپایان خود را به چراگاه ها رها کرده اند، باید از کمینگاه بیرون آمده و به چند دسته تقسیم شد و در زمستان در سردترین و در تابستان در گرم ترین موقع (بیرون آمد) ... و برای حمله به دشمن شتافت.“^{۱۱}

...ادامه در شماره بعد

- متمرکز کردن اختیارات و تصمیم گیری در دست خود و عدم تفویض متناسب آن
- چپش ناصحیح نیروها و توانایی ها
- غفلت از ارزیابی مستمر و دقیق کارکرد و توانایی اجزای مجموعه تحت مدیریت خود و رفع بموقع نواقص موجود در آنها
- بلند پروازی های افراطی
- رفتار محافظه کارانه و تلاش برای حفظ وضع موجود و نیاندیشیدن به دستیابی به افق های جدیدتر

- عمل زدگی و فاصله گیری از انجام امور زیربنایی سابقه استفاده از اصل غافلگیری در تاریخ در نگاه ابن خلدون، چهار نوع جنگ (سخت) وجود دارد: الف) نوع اول جنگ هایی است که میان قبایل مجاور و همسایه یا عشایر رقیب رخ می دهد.

ب) نوع دوم، جنگ هایی است که خود را در شکل تجاوزطلبی و استثمارگری نشان می دهد.

ج) نوع سوم، جهاد است که دارای ماهیتی ایدئولوژیک است. د) نوع چهارم، جنگ هایی است که حکومت ها با معارضان خود و کسانی که علیه آنها قیام می کنند، صورت می دهند. یکی از اصول مورد توجه و استفاده در عموم جنگ ها در سطوح و انواع مختلف آن، اصل غافلگیری بوده است.

غافلگیری در جنگ به معنای وارد کردن ضربه به دشمن در زمان، مکان و روشی است که دشمن آمادگی پذیرش آن را ندارد. غافلگیری در حوزه های دیگر نیز به ورود به حوزه های غیر رقابتی و پیگیری ابتکار خود به صورت جدی و بی وقفه تعریف شده است.^۶ بهره برداری از اصل غافلگیری ایجاب می نماید تا با اقدامات مناسب، فرصت عکس العمل از دشمن سلب شده و او زمانی از عملیات ما مطلع گردد که زمان کافی برای عکس العمل نداشته باشد.

بنا به این تعریف، باید گفت غافلگیر کردن دشمن، یکی از شیوه ها و تاکتیک های رزمی از دوران کهن بوده است. واقعیت آن است که در طول تاریخ، هیچگاه، جنگ از فریب و غافلگیری خالی نبوده و بعنوان روشی که می تواند عدم توازن قوا را به توازن وحشت مبدل سازد مورد توجه و استفاده قرار گرفته است. «سون تزو»^۷ طراح شیوه های ماندنی نبرد در چین باستان است.

پی‌نوشت:

۱. جنگ ناهمگون برای توصیف نوعی از جنگ استفاده می‌شود که طرف‌های درگیر در آن از حیث فناوری و توانایی‌های نظامی در جنگ در یک سطح قرار ندارند، به همین سبب روش‌های مورد استفاده آنان در جنگ علیه یکدیگر، متفاوت از هم است. ز نظر ستاد مشترک ارتش آمریکا، جنگ ناهمگون عبارت است از تضعیف قوای دشمن و در عین حال بهره‌برداری از نقاط آسیب‌پذیر او، از طریق فناوری غیرقابل انتظار یا روشهای مبتکرانه. (پدافند غیرعامل- جنگ ناهمگون و تحول ساختاری در صحنه نبرد)، <http://deface.khschool.ir>
۲. ویژگی‌های جنگ ناهمگون، <http://seratehamid.blogfa.com>
۳. در این وضعیت، تصمیم‌گیرنده می‌تواند پیش‌بینی کند که در آینده چه رخ می‌دهد. در این وضعیت، حداکثر آگاهی و حداقل ابهام وجود دارد و اعتماد به تصمیمات متخذه، بیشترین حد ممکن است.
۴. در این وضعیت، میزان احتمال وقوع هر یک از نتایج ممکن، معین است و امکان تصمیم‌گیری براساس نتایج محتمل وجود دارد، یعنی اطلاعات موجود نیست و قابلیت پیش‌بینی کمتر است. این وضعیت، آمیزه‌ای کم و بیش یکسان از آگاهی و ابهام است و اعتماد به تصمیمات متخذه در حد وسط قرار دارد.
۵. مقاله "بحران چیست و چگونه تعریف می‌شود؟" - دکتر سید حسین حسینی - فصلنامه امنیت، سال پنجم، شماره ۲ و ۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.
۶. مدیریت استراتژیک - ساموئل سرتو و پائول پیتر - ترجمه علی شمخانی - از انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه - ۱۳۸۰
۷. وی در سده ۶ پیش از میلاد در ایالت وو در کشور چین یک ارتشتار و همدوره با کنفوسیوس بود. کتاب "آیین و قواعد رزم" او بزرگترین اثر نظامی باستانی چین محسوب می‌شود که در جهان نیز تأثیرات گسترده‌ای داشته است. وی در این کتاب، تاکتیک‌های جنگی و افکار فلسفی خود را تشریح کرده است. این کتاب ۱۳ فصل دارد.
- محاسبه و طرح نقشه، برپا کردن جنگ، طرح و تدبیر حمله، آرایش و آماده‌سازی، نیرو و انرژی، نقاط ضعف و قوت، اقدامات نظامی، متغیرهای ۹ گانه، پیشروی لشکریان، عوارض و اشکال زمین، انواع نه گانه زمین، حمله با آتش و استفاده از جاسوسان عنوان فصول مختلف این کتاب است.
۸. پدافند غیرعامل (جنگ ناهمگون و تحول ساختاری در صحنه نبرد)، <http://deface.khschool.ir>
۹. اصول جنگ، مهدی عزیزان، انتشارات زمزم هدایت
۱۰. نوشته ابن قتیبه دینوری، کتابی کهن در موضوع تاریخ و اخبار و ادب و موضوعات گوناگون دیگر است. این کتاب از ۱۰ بخش تشکیل می‌شود که عبارتند از: کتاب السلطان، کتاب الحرب، کتاب السؤدد، کتاب الطبائع و الاخلاق المذمومة، کتاب العلم و البیان، کتاب الزهد، کتاب الاخوان، کتاب الحوائج، کتاب الطعام و کتاب النساء.
۱۱. همان.



نظریه کمیسیون حقوقی سازمان

استعلام حقوقی

با عنایت به مادتين ۹ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۷ و ۳۴۰ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، تقاضای ایجاد رویه در ارجاع پرونده های کیفری با مجازات کمتر از ده میلیون ریال، گردیده شده است.

نظریه کمیسیون حقوقی

کمیسیون حقوقی سازمان در جلسه مورخ ۹۴/۸/۱۹ در خصوص موضوع فوق بررسی و به شرح ذیل اظهارنظر نمود: «وفق قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، ارجاع گزارش های بازرسی و همین طور پرونده های کیفری سازمان که متضمن اعلام وقوع و پیگیری جرمی است می بایست از طریق مرجع قضایی انجام پذیرد و اصولاً مخاطب نهادن شورای حل اختلاف در این زمینه وجهی ندارد. موضوع مذکور صرف نظر از ماده ۳۴۰ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ است که جرایم موضوع استعلام را داخل در صلاحیت دادگاه کیفری نموده است.»

استعلام حقوقی

در خصوص تعارض آئین نامه انضباطی بانک تجارت که مقرر نموده «تصمیمات صادره توسط کمیته انضباط کار قطعی بوده و واحد ذی ربط موظف است تصمیمات مزبور را حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ صدور، به متهم ابلاغ و از تاریخ ابلاغ اجرا نماید.» با حق تجدیدنظرخواهی سازمان، موضوع ماده ۶ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور و امکان لحاظ حق موصوف در آئین نامه مذکور و موارد مشابه از کمیسیون حقوقی استعلام گردید.

نظریه کمیسیون حقوقی

کمیسیون حقوقی سازمان در جلسه مورخ ۹۴/۸/۱۹ در خصوص موضوع فوق بررسی و به شرح ذیل اظهارنظر نمود: «رسیدگی در کمیته انضباطی کار مرحله ای از مراحل دادرسی کار محسوب نمی گردد، بلکه نقش مشورتی برای کارفرما داشته و تصمیمات متخذه در این کمیته منتسب به کارفرما خواهد بود. لذا همانند سایر اختلافات کارگری و کارفرمایی قابل طرح در مراجع حل اختلاف خواهد بود و ذکر عنوان قطعی بودن تصمیمات کمیته انضباطی، مانع از تجدیدنظرخواهی از آن در مراجع ذیصلاح نمی باشد و پرواضح است آئین نامه مذکور نمی تواند مغایر با قانون کار باشد و مراجع تجدیدنظرخواهی در آن را نادیده انگارد. مضاف بر این که قید «قطعی بودن» در خصوص بسیاری از آرا و تصمیمات هیئت ها و کمیسیون های اداری و شبه قضایی نظیر هیئت های رسیدگی به تخلفات اداری در قوانین و مقررات مربوطه استعمال گردیده که معارض حق تجدیدنظرخواهی از آن در مراجع بالاتر نمی باشد.»

پیام امر به معروف و نهی از منکر

مهم‌ترین وظایف مردان در احیای سبک زندگی اسلامی

مقدمه

از آنجاکه مقوله حجاب و عفاف متأسفانه به‌اشتباه با بحث زن درآمیخته شده است، نقش و جایگاه مردان در بحث حجاب و عفاف آن‌طور که بایسته، شایسته و مهم‌تر از همه عملیاتی است مورد پردازش قرار نگرفته است در صورتی که تکالیف و مسئولیت‌های مردان در اداره خانواده بر اساس آیه شریفه «الرجال قوامون علی النساء» بیش از زنان تعریف شده است.

حتی در جمع‌های مردانه نیز مردان بیش از این‌که به بحث و تبادل نظر در خصوص نقش و تکالیف خود در احیای یک خانواده اسلامی بپردازند به بحث و نظر در خصوص نقش زنان در رونق معضلات فرهنگی به‌خصوص بی‌حجابی و بی‌عفتی و... می‌پردازند، در صورتی که مردان تکالیف و ابزارهایی دارند که با استفاده صحیح از آن‌ها می‌توانند بخش زیادی از شرایط تشکیل یک خانواده اسلامی را تأمین کنند که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

محبت

اگر زن به‌عنوان چشمه محبت و عطوفت در خانواده وظیفه گرم کردن کانون خانواده را دارد، این مرد است که باید این چشمه را تغذیه و حفظ و حراست کند، چشمه محبت زن از عمق وجود مرد است که می‌جوشد و راه به خانواده می‌یابد و اگر زنی قادر به سیراب کردن عاطفه خانواده نباشد، این مرد است که ابتدا باید به خودش بنگرد که آیا چیزی برای جوشش به این چشمه داده است؟!

به‌راستی تا کس ناگزشت نداشته باشد چگونه می‌تواند اهل ناز و محبت شود؟! مرد اگرچه باید به فرزندانش نیز محبت ورزد اما باید این محبت را به‌درستی بین همسر و فرزندانش توزیع کند و نیاز محبتی هر یک را به‌درستی درک و تأمین کند و البته همین محبت نیز باید در خانواده مدیریت شود، یک مرد می‌تواند بدون تنبیه و تشر و تنها با شدت و ضعف در محبت موجب تنبه و توجه و تربیت خانواده‌اش شود.

روزی حلال

یک مرد وظیفه دارد در راه تأمین درآمد حلال برای خانواده تلاش کند و تا به آنجا که در شأن همسر و خانواده‌اش است ایشان را به لحاظ خوراک و مسکن و درمان و آموزش و سایر نیازها تأمین

کند، تأمین درآمد حلال و آبرومندانه برای همسر و فرزندان از عوامل افتخار و تکیه کردن یک زن به شوهرش است.

مردی که وظیفه تأمین درآمد را به همسرش بسپارد یا بدون یاری او به این مهم قادر نباشد، عملاً موجب کاهش اتکا و افتخار همسرش به او می‌شود و اما مهم‌تر از کسب درآمد، حلال بودن آن است.

مال حرام، هرچند که خورنده‌اش نداد، اثرات وضعی خود را می‌گذارد و موجب از بین رفتن حس و حال عبادت و کم‌سو شدن نور معنویت در خانواده می‌شود، به‌راستی جز به سبب حلال بهشتی می‌توان منتظر رویش کوثری عالم‌تاب بود؟!

درآمد حلال در رشد و تربیت تمام اعضای خانواده نقش به‌سزایی دارد و درآمدی که حق‌الناس و حق‌الله (خمس و زکات) به آن آمیخته شده باشد نمی‌تواند بستری برای تربیت و تکامل در خانواده بگستراند.

مدیریت و تدبیر

خانواده محتاج تدبیر است و در کنار کسب درآمد چگونگی مصرف آن در مدیریت متعادل یک خانواده اهمیت به‌سزایی دارد، مرد باتدبیر بین تغذیه مادی و معنوی، آموزش و تربیت، تفریح و کار، شوخی و جدی، تشویق و تنبیه و تعادل برقرار می‌کند و این‌چنین است که باوجود یک مرد مدبر، زن با آرامش خاطر در سایه اتکا و اطمینانی که به شوهرش دارد به جوشش محبت در خانواده می‌پردازد.

مرد باتدبیر حتی اگر چندان هم تمکن مالی نداشته باشد می‌تواند آرامش را به زنش تقدیم کند و اولین نیاز یک زن برای جوشش محبت در خانواده همین آرامش و دوری از تنش‌ها و استرس‌هاست؛ خانواده به مدیریت نیاز دارد و در یک خانواده سالم، نیازها اهم فی‌الاهم می‌شوند، نباید طوری بشود که درنهایت خانواده به‌منظور تأمین نیازهای غیرضروری فرزندان دچار سوءتغذیه و تنگدستی شود.

از موارد بسیار مهم دیگری که به مدیریت نیاز دارند مدیریت رفت‌وآمد و مدیریت فرهنگی در کانون خانواده است که شامل حوزه وسیعی از رفتارهای سلبی و ایجابی توأمان می‌شود، در برابر هر

هدایت و تربیت

آموختن روش‌های هدایت، تربیت، امر به معروف و نهی از منکر از تکالیف یک مرد است تا بتواند با مؤثرترین و کم‌هزینه‌ترین راه، همسر و خانواده‌اش را به نیکی هدایت و از بدی بازدارد و البته بالاترین و برترین روش هدایت طبق آموزه‌های اسلامی، آن روشی است که به غیر زبان و با استفاده از رفتار رخ دهد. اگر مرد در خانواده به صداقت، عدالت، محبت، عبادت، گذشت، صبر، مطالعه و... شناخته شود همسر و فرزندان هم یقیناً تحت تأثیر قرار خواهند گرفت.

غیرت

کمتر مردی وجود دارد که هیچ غیرتی نداشته باشد که اگر چنین باشد، کسی او را مرد نخواهد دانست و اگرچه غیرت مردان معمولاً با محدودیت زنان همراه می‌شود، اما هیچ زن عقیده‌ای وجود ندارد که از مرد بی‌غیرت متنفر نباشد و همین مسئله باعث می‌شود تا در منظر روشنفکرترین افراد هم بی‌غیرتی بدترین فحش‌ها تلقی شود و بازهم، همین مسئله موجب می‌شود تا زنان، غیرت مردان را تاب آورند و حتی از وجود آن احساس رضایت کنند.

البته همان‌طور که در اسلام به زنان توصیه به تحمل غیرت مردان شده است، مردان نیز به افراط نکردن در غیرت سفارش شده‌اند به نحوی که این مسئله در وصیت‌نامه حضرت امیرالمؤمنین به فرزندان نیز مشاهده می‌شود. باید مردان بدانند که غیرت متعادل و صحیح موجب افزایش عفت خانواده می‌شود و البته افراط و تفریط در آن می‌تواند موجب بی‌حجابی سهل‌انگارانه و یا بی‌عفتی لجبازانه شود.

عفاف

اگرچه غالباً عفاف و حجاب را به اشتباه برای زنان به کار می‌برند اما همان نقش برای مردان نیز وجود دارد و مردان نیز باید عقیف و پاک‌دامن و پاک‌نظر باشند و در پوشش خود رعایت حدود شرعی و حتی اخلاقی را کنند و این عفت و حجاب مطمئناً در افزایش عفاف خانواده تأثیر بسزایی خواهد داشت، همسر و فرزندان در برابر توصیه‌های غیرتمندانه مردی که خودش اولین عامل به حجاب و عفاف است، کمترین مقاومت را نیز جایز نخواهند دانست.

حال اینکه متأسفانه بسیاری از مردان ما بدون این که خودشان نسبت به پوشش و نگاه خود حراستی داشته باشند به حجاب خانواده حساسیت شدید نشان می‌دهند و این مسئله نه تنها اثربخشی مناسبی ندارد بلکه در نهایت موجب لجابت و تأثیر عکس نیز می‌شود.

منعی به راهکاری نیاز است و هر خانواده‌ای به خانواده‌های مناسب جهت تعامل و دوستی و به تفریحات سالم به جای تفریحات ناسالم نیاز دارد و این مقولات نیز به مدیریت نیاز دارد.

مهارت‌آموزی

زندگی به مهارت‌هایی نیاز دارد که مرد و زن مکلف به آموختن این مهارت‌ها هستند و متأسفانه این مسئله بسیار مغفول واقع می‌شود؛ مهارت‌های زندگی از مسائل زناشویی تا مسائل تربیتی، گفتاری، ارتباطی، مدیریت خانه و هزینه را در برمی‌گیرد و نقش بسیار مهمی را در ایجاد سبک زندگی اسلامی ایفا می‌کند، لیکن آموختن در خصوص این مهارت‌ها بعضاً بدون مطالعه و توجه به آثار اندیشمندان و دانشمندان معاصر اسلامی و حتی غربی میسر نمی‌شود و به همین لحاظ نمی‌توان بدون مهارت‌آموزی توقع داشت که انسان صاحب مهارت شود.

با نگاهی به آثار معاصری مانند آثار دکتر جان گری (مثل کتاب مردان مریخی و زنان ونوسی) به این نتیجه می‌رسیم که مهارت‌های زندگی تنها آن چیزهایی نیستند که دانشمندان اسلامی از متون اسلامی استخراج کرده‌اند، بلکه آن مهارت‌هایی که موجب می‌شوند تا کانون خانواده به محیطی امن و آرام (که برای تربیت مناسب و اسلامی لازم است)، بدل شود را نیز شامل می‌شود.

صبر و گذشت

زن ماهیتی عاطفی و احساسی دارد و این مسئله باعث می‌شود تا زنان خیلی سریع‌تر از مردان برانگیخته، عصبانی یا ناراحت شوند و شاید به همین دلیل است که شرع مقدس حق طلاق را به زن نداده و یا شرط ولی را برای ازدواج لازم کرده است و اما مردان به واسطه منطقی که غالباً بر عواطفشان چیرگی دارد، بیش از زنان می‌توانند احساسات و عواطفشان را مدیریت و کنترل کنند و این مسئله موجب افزایش صبر و تحمل ایشان شده است.

و به همین دلیل تکلیف ایشان به صبر، تحمل، انعطاف و گذشت در برابر مسائل، مشکلات، سختی‌ها و اشتباهات همسر و فرزندان بیشتر است و نه تنها باید بتوانند، با صبر و گذشت از کنار مسائل بگذرند، بلکه باید بتوانند در جای خود، با تغافل (خود را به غفلت زدن) موجب شوند تا پرده‌های حیا در خانواده دریده نشود و در مواقع مناسب به صورت غیرمستقیم نسبت به خطاها و اشتباهات آموزش و یا هشدار دهد.

این چنین است که سعدی علیه‌الرحمه، مرد را در کشاکش درد، سنگ زیرین آسیاب می‌داند، چرا که این سنگ است که با سختی و تحمل خود باعث می‌شود تا پویایی آسیاب حفظ شود.



توی یک کوچه‌ای دو تا خیاط بودند و همیشه باهم بحث می‌کردند...
یک روز، اولین خیاط یک تابلو با لامپ مغازه‌اش نصب کرد که روی آن نوشته شده بود «بهترین خیاط شهر»
دومین خیاط روی تابلوی بالای سردر مغازه‌اش نوشت «بهترین خیاط کشور»
سومین خیاط نوشت «بهترین خیاط دنیا»
چهارمین خیاط وقتی با این واقعه مواجه شد روی یه کاغذ با یک خط معمولی نوشت «بهترین خیاط این کوچه»
قرار نیست دنیايمان را بزرگ كنيم كه در آن گم شويم در همان دنيايي كه هستيم هم می‌شود آدم‌بزرگی باشیم!



راننده ماشینی در دل شب راه رو گم کرد و بعد از مدتی، ناگهان ماشینش خاموش شد... همان‌جا شروع کرد به شکایت از خدا، خدایا پس توداری اون بالا چیکار می‌کنی؟ چون خسته بود، خوابش برد و وقتی صبح از خواب بلند شد از شکایت دیشبش خیلی شرم‌منده شد، چون ماشینش دقیقاً نزدیک یک پرتگاه خطرناک خاموش شده بود!
همه ما امکان به خطا رفتن روداریم. پس اگر جایی، دیدید که کارهائتان پیش نمی‌رود، شکایت نکنید! شاید اگر جلوتر بروید، به صلاح شما نباشد و خدا دارد این‌جوری راه خطر را می‌بندد!

فضای اجتماعی نقد

حامد موحدنسب

کارشناس بهبود روش‌های اداره کل منابع انسانی و تحول اداری

انتقادی دانشگاه‌ها و انجمن‌های علمی در ارزیابی برنامه‌ها نادیده گرفته می‌شود و گفتار مشفقانه نقادان مورد بی‌اعتنایی و اهالی علم گاه به‌صرف سخنی نقادانه کنار نهاده می‌شوند.

کمترین چالش فکری به امری پرهزینه تبدیل شده و فضای کارشناسی، روشنفکری، دانشگاهی و کانون‌های تفکر و اندیشه به انفعال دچار شدند و میان نخبگان دانش، فرار عاطفی به درون یا مهاجرت به بیرون، رونق گرفته و تراز سرمایه فکری ملت به عنوان ارزشمندترین دارایی برای بقا و توسعه رو به افول نهاد.

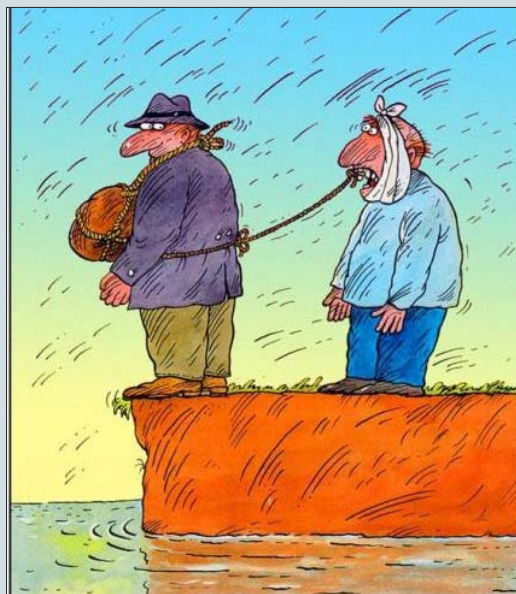
برای باز شدن فضای نقد و انتقاد منصفانه در جامعه اسلامی توجه به نکات زیر قابل ملاحظه است:

- در نقد اجتماعی، باید به ادب و آداب انتقاد ملتزم بود و از دولتمردان و مسئولان انتظار می‌رود تا در انتقادات کامل کنند.
- سیاست آمیخته به خطاست ولی هرگاه سیاستمداران اجازه دهند تا برنامه‌های آنان از زوایای متفاوت نگریسته شود، احتمال خطا کاهش یافته و همچنین این ظرفیت را پیدا می‌کنند تا قبل از تبدیل اشتباه به بحران راه‌های بهتری برای پیشبرد امور تدبیر کنند.
- انتقاد اجتماعی، تنها نقد برنامه‌های اجتماعی نیست؛ زیرا هر برنامه‌ای ساحتی اجتماعی دارد. از این‌رو انتقاد اجتماعی به همکاری میان‌رشته‌ای علوم انسانی در کنار هم نیاز دارد.
- نقد شونده باید صابانه و با سعه صدر، کامل کند و خود را زیر ذره‌بین واری قرار داده و متواضعانه با نقد برخورد نماید و از آن درس عبرت بگیرد.
- اگر منتقد قصد اصلاح نداشته باشد و به قصد تخریب نیز قلم زده و سخن براند، نقد شونده می‌تواند استفاده خود را ببرد و موجبات هوشیاری و هوشمندی خود را فراهم آورد.
- انسان‌هایی که به دنبال پیشرفت و ترقی و تعالی هستند ناگزیر از نقدپذیری هستند. در این میان شخصی که مسئولیت می‌پذیرد و جامعه‌ی خدمت به تن می‌کند اجباراً باید نقدپذیر باشد چراکه در غیر این صورت نمی‌تواند در خدمت خود بهبود مستمر ایجاد کند درحالی‌که بهبود مستمر در دنیای پیشرفته امروز یک خصیصه و ویژگی غیرقابل انکار برای کسانی است که مسئولیت پذیرفته‌اند.

روزانه در گفت‌وگوهای طنزآلود مردم، رسانه‌های مجازی و غیرمجازی، به اشکال مختلف، حجم زیادی از انتقادات از اوضاع جامعه به چشم می‌خورد. بسیاری از فعالان فکری، دانشگاهی و اجتماعی نابسامانی‌ها را به نقد کشیده و با استفاده از امکانات رسانه‌ای به بیان ضرورت و ارائه راه‌حل‌ها پرداخته‌اند؛ اما بین فضای باز انتقاد اجتماعی و فضای کار دولت یک دیوار حائل وجود دارد و انتقاد از برنامه‌های دولت از حیث تأثیر گویا در وضعیت اغما به سر می‌برد.

متأسفانه در عرصه رسمی سیاسی بعضی از افراد وفاداری به یک باور یا هواداری از یک سیاستمدار را با پوشاندن ضعف‌ها و نادیده گرفتن کاستی‌ها و حتی تلاش برای سفید نمایی یکسان تلقی کردند و به این ترتیب ستم ناخواسته و نادانسته‌ای به باورها و سیاستمداران موردعلاقه خود روا داشتند. از دوستی سخن گفتند ولی دوستان خود را به درستی و راستی فرخواندند و امکانات و چشم اندازه‌های بهبود تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ها را فراروی آنان نگذاشتند. بعضی از آنان در خلوت خود با هم‌تایان نزدیک به بیان ناکارآمدی‌های برنامه‌های دولت پرداختند و در خلوت رسانه‌ای از پیشرفت‌ها و موفقیت‌ها سخن گفتند.

متأسفانه به دلیل عدم ظرفیت افراد در پذیرش نقد و انتقاد منصفانه، فضای نقد و انتقاد در جامعه به مقوله امنیتی تبدیل شده است.



کلاهبرداران

ویکتور لوستیگ (Victor Lustig)

سلطان کلاهبرداران تاریخ، مردی که برج ایفل را فروخت! مسلط به پنج زبان زنده دنیا، صاحب ۴۵ اسم مستعار با سابقه بیش از ۵۰ بار بازداشت آن هم فقط در کشور آمریکا، مردی که می توانست زیرک ترین قربانیانش را نیز گول بزند، در سال ۱۸۹۰ در بوهمیا (کشور کنونی چک) در یک خانواده متوسط به دنیا آمد و در سال ۱۹۲۰ به آمریکا رفت. سالی که بازار سهام به شدت رشد می کرد و به نظر می رسید که همه روز به روز پولدارتر می شوند و لوستیگ آنجا بود که از این موضوع و سادگی آمریکایی ها سود برد.



در سال ۱۹۲۵ و پس از انجام چندین فقره کلاهبرداری بی عیب نقص و پرسود، ویکتور به فرانسه و شهر پاریس رفت و در آنجا شاهکار خود را اجرا کرد. فروختن برج ایفل!

ایده این کلاهبرداری بعد از خواندن یک مقاله کوچک در روزنامه به ذهن ویکتور رسید. در این مقاله آمده بود که برج ایفل نیاز به تعمیر اساسی دارد و هزینه این کار برای دولت کمرشکن خواهد بود. دینگ! زنگی در سر ویکتور صدا کرد و بلافاصله دست به کار شد. ابتدا اسناد و مدارکی تهیه کرد که در آن ها خود را به عنوان معاون ریاست وزارت پست و تلگراف وقت جا زد و در نامه هایی با سربرگ های جعلی، شش تاجر آهن معروف را به جلسه ای دولتی و محرمانه در هتل کرئون (creon) که محلی شناخته شده برای

قرارهای دیپلماتیک و مهم بود، دعوت کرد.

شش تاجر سر وقت در سوئیت مجلل ویکتور حاضر بودند. ویکتور برای آن ها توضیح داد که دولت در شرایط بد مالی قرار گرفته است و تأمین هزینه های نگهداری برج ایفل عملاً از توان دولت خارج است. بنابراین او از طرف دولت مأموریت دارد که در عین تألم و تأسف، برج ایفل را به فروش برساند و بهترین مشتریان به نظر دولت تجار امین و درستکار فرانسوی هستند و از میان این تجار شش نفر دعوت شده به جلسه مطمئن ترین افرادند. ویکتور تأکید کرد به دلیل احتمال مخالفت عمومی، این مسئله تا زمان قطعی شدن معامله مخفی نگه داشته خواهد شد.

فروش برج ایفل در آن سال ها زیاد هم دور از ذهن نبود. این برج در سال ۱۸۸۹ و برای نمایشگاه بین المللی پاریس طراحی و ساخته شده بود و قرار بر این نبود که به صورت دائمی باشد. در سال ۱۹۰۹ برج به خاطر این که با ساختمان های دیگر شهر همچون کلیساهای دوره گوتیک و طاق نصرت هماهنگی نداشت، به محل دیگری منتقل شده بود و آن زمان وضعیت مناسبی نداشت. چهار روز بعد خریداران پیشنهاد خود را به مأمور دولت ارائه کردند. ویکتور به دنبال بالاترین رقم نبود، او از قبل قربانی خود را انتخاب کرده بود؛ مردی که نامش در کنار ویکتور در تاریخ جاودانه شد! آندره پویسون (Andre poisson). در بین آن شش نفر، آندره کم سابقه ترین بود و امیدوار بود که با برنده شدن در این مناقصه، یک شبه ره صدساله را طی کند و کلاهبردار باهوش به خوبی متوجه این موضوع شده بود. ویکتور به آندره اطلاع داد که در مناقصه برنده شده است و اسناد جهت امضا و تحویل برج در هتل آماده امضاست. اما همان طور که تاجر عزیز می داند، زندگی مخارج بالایی دارد و او یک کارمند ساده بیش نیست و در این معامله پرسود با اعمال نفوذ خود توانسته است ایشان را برنده کند و... آندره به خوبی منظور ویکتور را فهمید! پس از پرداخت رشوه، اسناد معامله امضا شد و آندره پویسون پس از پرداخت وجه معامله، صاحب برج ایفل شد! فردای آن روز وقتی

میگه‌رن از اتهام خیانت تبرئه شد، اما به جرم جعل آثار هنری به زندان محکوم شد و چند سال بعد درگذشت. میگه‌رن به‌عنوان یک کلاه‌بردار در کار خود موفق بود، اما مشتری اصلی او گورینگ از او زیرک‌تر بود. اسکناس‌هایی که گورینگ درازای تابلوها به میگه‌رن می‌داد همگی تقلبی بودند!

فرانک ویلیام آباگ‌نیل (Frank William Abagnale)

صاحب کلکسیون از انواع کلاه‌برداری‌ها، قاضی، خلبان، جراح و استاد دانشگاه! و کسی که زندگی‌اش دستمایه ساخت فیلم «اله می‌تونی منو بگیر» شد، در سال ۱۹۴۸ در آمریکا به دنیا آمد. وقتی او ۱۴ ساله بود، پدر و مادرش از یکدیگر جدا شدند و این ضربه روحی بزرگی برای فرانک بود. دو سال بعد از خانه فرار کرد و به نیویورک رفت و در آنجا بود که فهمید برای امرارمعاش چاره‌ای به‌جز کلاه‌برداری ندارد. پس از مدت کوتاهی او به یکی از حرفه‌ای‌ترین جاعلان چک بدل شد و چنان در کار خود مهارت پیدا کرد که هیچ بانکی قادر به تشخیص جعلی بودن چک‌های او نبود. فرانک برای آن که بتواند بدون پرداخت پول بلیت با هواپیما سفر کند، با جعل کارت‌های شناسایی و مدرک خلبانی، خود را به‌عنوان خلبان خط هوایی پان‌امریکن جا زد و از امتیاز خلبان‌ها برای مسافرت مجانی استفاده کرد. این موضوع لو رفت، اما قبل از آن که دست پلیس به او برسد، به شهر جورجیا فرار کرد و با هویت جعلی تازه‌ای، به‌عنوان یک دکتر در یک آپارتمان ساکن شد. از قضا در همسایگی فرانک یک دکتر واقعی زندگی می‌کرد و به فرانک

آندره و کارگزارش به جرم تخریب برج ایفل توسط پلیس بازداشت شدند، ویکتور لوتینگ کیلومترها از پاریس دور شده بود. درحالی‌که در یک جیبش پول فروش برج بود و در جیب دیگرش رشوه!

هان ون میگه‌رن (Han Van Meegeren)

نقاش و کپی‌کننده آثار هنری، باهوش‌ترین و زبردست‌ترین جاعل تابلوهای نقاشی، مردی که سر نازی‌های آلمانی کلاه گذاشت، مردی که اگر کلاه‌بردار نمی‌شد، بی‌شک یکی از مهم‌ترین نقاشان قرن بیستم بود، در سال ۱۸۸۹ در هلند به دنیا آمد. از کودکی عاشق رنگ‌ها بود و در جوانی با تأثیر از نقاشی‌های دوره طلایی هلند، تابلوهای زیادی خلق کرد. اما منتقدان، آثار او را بی‌روح و تقلیدی و تکراری نامیدند و میگه‌رن سرخورده از این برخورد و برای اثبات توانایی‌هایش به منتقدان تصمیم گرفت که آثار بزرگان دوره طلایی همچون فرانس هالس (Frans Hals) و ورمیه را کپی کند. میگه‌رن با پشتکار زیاد فرمول رنگ‌های قدیمی و نحوه ساخت بوم‌های آن زمان را پیدا کرد. او کار را شروع کرد و آن‌قدر ماهرانه این کار را انجام داد که تیزبین‌ترین کارشناسان نیز از تشخیص بدلی بودن آثار ناتوان بودند و میگه‌رن با اطمینان کامل، در نقش یک دلال، تابلوهایش را به‌عنوان آثار کشف شده دوره طلایی به مجموعه‌داران و گالری‌ها فروخت. در همین دوران بود که اروپا درگیر جنگ جهانی دوم شد.

یکی از مشتریان پر و پا قرص او، مارشال گورینگ از سران درجه اول حزب نازی آلمان بود که علاقه فراوانی به آثار نقاشان هلندی داشت و تعداد زیادی از کارهای میگه‌رن را به مجموعه خود اضافه کرد. اما زمانه بازی دیگری را در سر داشت. آلمان‌ها در جنگ شکست خوردند و میگه‌رن به جرم فروش میراث فرهنگی هلند به نازی‌ها بازداشت و در دادگاه متهم به خیانت به وطن شد که مجازاتش اعدام بود. میگه‌رن در دادگاه واقعیت را ابراز کرد، اما هیچ‌کس حرف‌هایش را باور نکرد. تابلوهای جعلی در دادگاه توسط کارشناسان مورد بازبینی قرار گرفت و همگی بر اصل بودن آن‌ها صحه گذاشتند. هیچ‌کس باور نمی‌کرد کسی بتواند با چنین دقت و ظرافتی این آثار را جعل کند. میگه‌رن از دادگاه درخواست کرد که وسایل موردنیازش را در اختیارش بگذارند تا در حضور همه یکی از آثار دوره طلایی جعل کند!



آن روز گذاشته شد و ح.ک همان روز عصر به آنجا رفت و با تطمیع اتاق دار وزیر وقت دادگستری، دفتر کار وزیر را برای مدت یک ساعت اجاره کرد. فردای آن روز قبل از آمدن مشتری ها، ۲۰۰ جفت دمپایی پلاستیکی تهیه کرد و جلوی در اتاق های کاخ که یک ساختمان اداری محسوب می شد و در آن ساعت خالی بود، گذاشت. به اتاق وزیر رفت و منتظر شکارهایش شد. آمریکایی ها سر وقت آمدند و ح.ک به عنوان صاحب آن عمارت، تمام ساختمان را به آن ها نشان داد و وقتی مشتری ها درخواست دیدن داخل اتاق ها را داشتند، به بهانه بودن مسافران و با نشان دادن دمپایی ها، آن ها را منصرف می کرد. مشتریان ساختمان را پسندیدند و به پول رایج آن زمان ۵۰۰ هزار تومان به ح.ک پرداخت کردند و خوشحال از این معامله پرسود، برای تحویل ساختمان ۱۰ روز دیگر مراجعه کردند. اما همان جا بود که فهمیدند چه کلاه بزرگی بر سرشان رفته است. ح.ک همان روز معامله، به مصر فرار کرد و بعد از چند ماه زندگی در آنجا، به ایران بازگشت. اما در ایران بازداشت و به زندان محکوم شد و چند سال بعد از وقوع انقلاب اسلامی فوت کرد.

ح.ک یک کلاه بردار ذاتی بود، حتی در زندان! او تلویزیون زندان را به یکی از زندانیان به قیمت ۱۰۰ تومان فروخت و وقتی آن زندانی بعد از آزادی تلویزیون را زیر بغل زد و می خواست آن را با خود ببرد، فهمیده بود که چه کلاهی بر سرش رفته و مضحکه بقیه شده است!

پیشنهاد داد تا در بیمارستان شهر مشغول به کار شود و فرانک این پیشنهاد را پذیرفت و ۱۱ ماه به عنوان متخصص جراحی اطفال در آن بیمارستان به درمان بیماران پرداخت! پس از آن به شهر لوئیزیانا رفت و با جعل مدرک حقوق از دانشگاه هاروارد به عنوان دادستان در دادگاه محلی لوئیزیانا استخدام شد. او پس از چند ماه توسط یکی از فارغ التحصیلان واقعی هاروارد شناخته شد، اما قبل از آن که دستگیر شود، از آنجا به ایالت یوتا گریخت و با جعل مدرک دانشگاه کلمبیا، در دانشگاه بریگام در رشته جامعه شناسی شروع به تدریس کرد!

او سرانجام در سال ۱۹۶۹ در فرانسه دستگیر شد و زمانی که پلیس فرانسه این موضوع را اعلام کرد، ۲۶ کشور خواستار محاکمه او در کشورشان شدند! فرانک به آمریکا منتقل شد و در آنجا به ۱۲ سال زندان محکوم شد، ولی پس از گذراندن پنج سال آزاد شد.

فرانک آباگنیل هم اکنون به عنوان کارشناس خبره جعل اسناد و چک با پلیس آمریکا همکاری می کند و با تأسیس شرکت آباگنیل و شرکا به بانک ها نیز مشاوره می دهد!

-حسین. ک

کلاه بردار وطنی، مردی که کاخ دادگستری را فروخت، حدود ۷۰ سال پیش در شهریار متولد شد. ح.ک مردی بی سواد ولی باهوش بود و بی تردید اگر تحصیلات مناسبی داشت، به یکی از بزرگان ادب و علم کشور بدل می شد. اما او از جوانی به راهی غیر از آن کشیده شد. حسین. ک با کلاه برداری های کوچک روزگار می گذراند، اما این

کارها برای مردی باهوش و کارهایی کوچک

محسوب می شدند. تا این که یک روز طعمه بزرگ ترین کلاه برداری خود را در جلوی در سفارت انگلیس شکار کرد؛ دو توریست آمریکایی (و طبعاً احمق!) که به دنبال خرید یک هتل در ایران بودند. ح.ک آن ها را به دفترش که در خیابان گیشا بود دعوت کرد و در آنجا به آن ها پیشنهاد خرید یک ساختمان بزرگ و مجلل را به قیمت بسیار مناسب داد. این ساختمان، کاخ دادگستری بود که در خیابان خیام قرار داشت و هنوز هم به عنوان ساختمان دادگستری از آن استفاده می شود. قرار بازدید از کاخ برای فردای



کاریکاتور



فساد و ضرورت تقویت ساختارهای نظارت اقتصادی در عراق فرصت‌ها و چالش‌ها

بخش دوم

سیدعلی رضا آهن‌چی

کارشناس اداره امور بین‌الملل

این که کمک مؤثری به کمیسیون در راستای رسیدن به اهدافش نماید.

کمیسیون درستکاری عراق در راستای اجرای برنامه‌های فوق از یک ساختار اجرایی و آموزشی بهره برده است ساختار اجرایی آن معطوف به کشف، پیگیری، پیشگیری و تحقیق می‌باشد و ساختار آموزشی آن معطوف به فعالیت‌های آکادمیک در راستای گسترش فرهنگ صداقت، شفافیت، پاک دستی و مبارزه با فساد در جامعه عراق است. (۱۰)

بخش‌های اجرایی کمیسیون درستکاری عراق:

۱. دفتر معاون اول کمیسیون
۲. بخش پیگیری
۳. بخش بررسی نهادهای غیردولتی
۴. بخش مالی و اداری
۵. بخش استرداد اموال
۶. بخش آموزش و ارتباطات
۷. بخش تحلیل و بررسی

آکادمی ضد فساد کمیسیون درستکاری عراق:

قانون آکادمی مبارزه با فساد در عراق در سال ۲۰۱۰ با موضوع وضع و اجرای برنامه‌های آموزشی و تربیتی باهدف ارتقا سطح کارکنان دستگاه‌های نظارتی و افزایش آگاهی‌ها در مواجهه با فساد اداری و مالی و ترویج ارزش‌هایی چون درستکاری، شفافیت و رعایت اصول اخلاقی در ارائه خدمات با تکیه بر آموزش و تحقیقات تصویب شد. (۱۱)

این آکادمی بعد از تصویب قانون تشکیل کمیسیون درستکاری بر اساس قانون شماره ۳۰ در سال ۲۰۱۱ تأسیس شد که در نوع خود در منطقه عربی اولین آکادمی مبارزه با فساد محسوب می‌شود.

این آکادمی اهداف ذیل را دنبال می‌کند:

۱. گسترش فرهنگ صداقت، شفافیت و پاسخگویی.
۲. ارائه و آماده‌سازی تحقیقات و مطالعات مربوط به مبارزه با

کمیسیون درستکاری عراق و مبارزه با فساد در این

کشور:

کمیسیون درستکاری جمهوری عراق کمیسیونی مستقل، حائز شخصیت حقوقی و نیز استقلال مالی و اداری، مسئول جلوگیری و مبارزه با فساد هم‌چنین ترویج و گسترش فرهنگ درستکاری، شفافیت، پاسخگویی، صداقت و رعایت اخلاق خدمات عمومی در دو حوزه خصوصی و عمومی که مطابق با ماده ۳۰ مورخ ۲۰۱۱ قانون این نهاد فعالیت می‌کند. (۹)

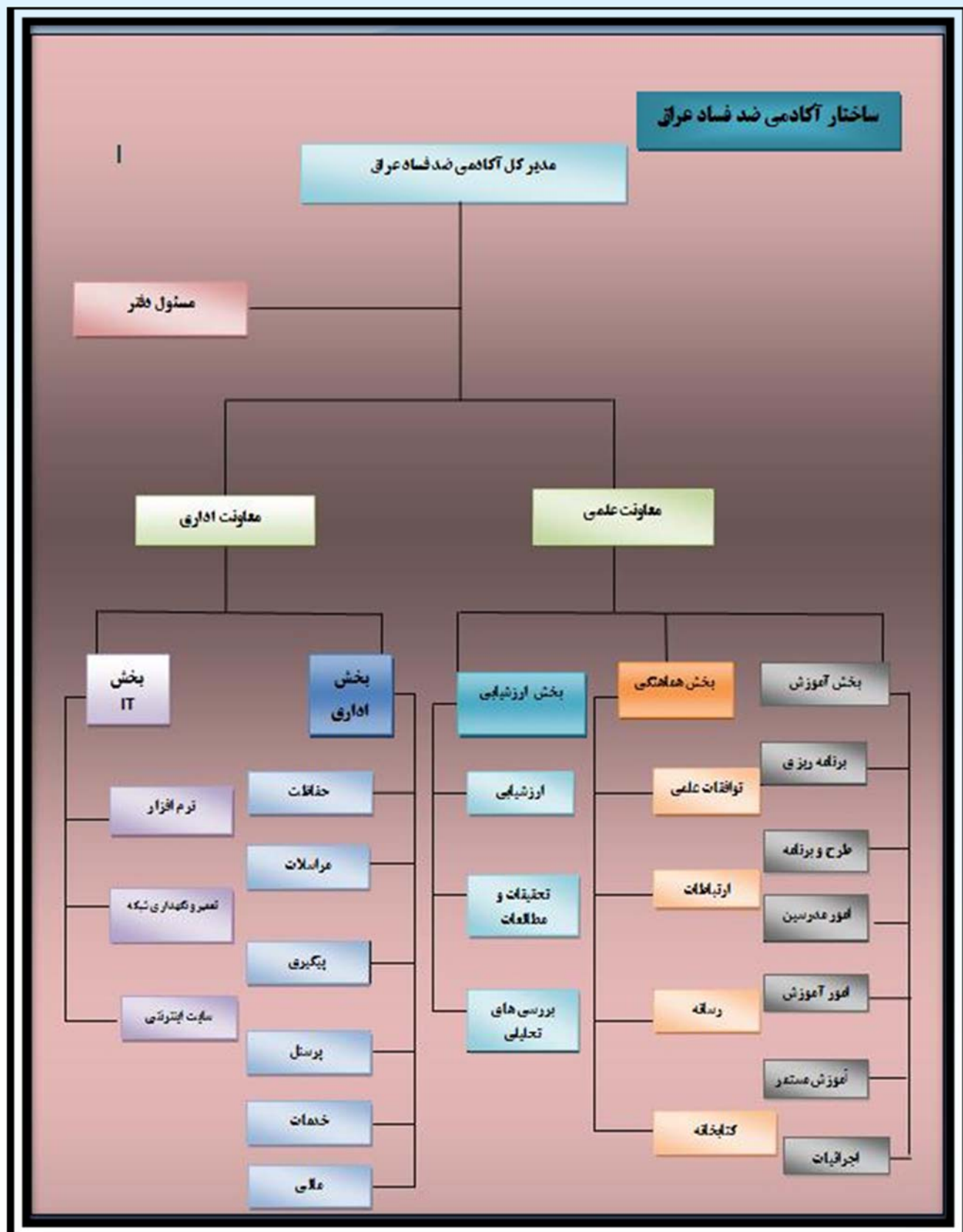
رئیس این کمیسیون هم‌سطح با وزیر و توسط نخست وزیر انتخاب می‌شود و معاونان وی در سطح معاون وزیر هستند. این کمیسیون در حال فعالیت در راستای کمک به پیشگیری و مبارزه با فساد، و همچنین شفافیت در حکومت در تمام سطوح، از طریق:

۱. بررسی پرونده‌های فساد مطابق با مفاد قانون دادرسی کیفری، توسط محققان، تحت نظارت قاضی تحقیق صالح.
۲. پیگیری پرونده‌های فساد
۳. توسعه فرهنگ پاک دستی، صداقت شخصی، شفافیت، رعایت اخلاق خدمت به مردم و همچنین پاسخگویی از طریق برنامه‌های آموزش همگانی و آموزش و پرورش.
۴. آماده‌سازی طرح یا برنامه‌هایی که به پیشگیری از یا مبارزه با فساد منجر می‌شود؛ این طرح‌ها توسط رئیس‌جمهور یا شورای وزیران به قوه مقننه ارائه می‌شود.
۵. تقویت اعتماد مردم عراق به دولت از طریق الزام مسئولین دولتی به شفاف‌سازی منافع مالی خود در قالب سرمایه‌گذاری خارجی، دارایی و فعالیت‌های اقتصادی.
۶. صدور مقررات شامل قوانین و استانداردهای رفتار اخلاقی برای اطمینان از عملکرد مناسب کارمندان با ارباب‌رجوع.
۷. انجام هر کاری که به مبارزه با فساد کمک کند و یا برای جلوگیری از آن مفید باشد با در نظر گرفتن دو قید: انجام فعالیت موردنظر در مبارزه با فساد و یا پیشگیری از آن ضروری باشد و دوم

۳. تلاش برای گسترش همکاری‌های محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی باهدف تبادل تجربیات، مهارت‌ها و ظرفیت‌های بهره‌مند از آموزش در آکادمی
۴. ارائه آموزش‌های مستمر باهدف ارتقای سطح کارکنان

نمودار زیر ساختار آکادمی ضد فساد در عراق را نشان

می‌دهد



است منابع سرشار اقتصادی خود را مدیریت کند. در سال‌های اخیر با ارتقای سطح ثبات سیاسی در این کشور و روی کار آمدن دولت‌های دموکراتیک عزم مسئولین برای مبارزه با ساختارهای فاسد و برنامه‌ریزی نهادی برای مبارزه با فساد نمود بیشتری پیدا کرده است.

تعاملات نهادی و قانونی دو کشور در راستای مبارزه با فساد، شفافیت و تحقق سلامت مطلوب اقتصادی می‌تواند زمینه مناسبی برای گسترش روابط باشد.

در همین راستا سازمان بازرسی کل کشور جمهوری اسلامی ایران و کمیسیون درستکاری جمهوری عراق در تلاش اند با بهره‌گیری از تعاملات مثبت و رو به رشد دو کشور بتوانند با طراحی برنامه عمل مشترک در حوزه مبارزه با فساد در ارتقای سطح سلامت اقتصادی دو کشور کمک شایانی نمایند.

منابع:

- 1) <http://www.iraqiconstitution.org>
- 2) UNDP. 2013. "UNDP Provides Grants to Iraqi Civil Society Organisations," [http://www.iq.undp.org/content/rganisations/http Civil Society iraq/en/home/presscentre/articles/2013/05/01/undp-provides-grants-to-iraqi-civil-society-rganisations.html](http://www.iq.undp.org/content/rganisations/http%20Civil%20Society%20iraq/en/home/presscentre/articles/2013/05/01/undp-provides-grants-to-iraqi-civil-society-rganisations.html)
- 3) Transparency International. 2014. Corruption Perception Index. <http://www.transparency.org/cpi2014>
- 4) Ibid, UNDP. 2013.
- 5) The Fund for Peace. 2015. Fragile States Index 2014. <http://library.fundforpeace.org/library/cfsir1423-fragilestatesindex2014-06d.pdf>
- 6) FBI. 2013. Kevin L. Perkins: Statement before the Commission on Wartime Contracting in Iraq and Afghanistan. <http://www.fbi.gov/news/testimony/the-fbi2019s-efforts-to-combat-international-contract-corruption>
- 7) Coralie Pring, Transparency International, Iraq: Overview of corruption and anti-corruption, 20 March 2015 Number: 2015:3, CHR.michelsen institute: www.U4.no
- 8) Al-Janabi and Al-Khatteeb, <http://www.brookings.edu/research/opinions/2014/12/29-iraq-budget-2015-alkhatteeb-aljanabi>.
- 9) Bassem ,Wassim is an Iraqi journalist who tracks social phenomena in , <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2015/02/>
- 10) http://www.nazaha.iq/body.asp?field=news_arabic&id=3018&page_namper=p3
- 11) http://www.nazaha.iq/%5Cpdf_up%5C1545%5C_low_nazaha.pdf
- 12) http://www.nazaha.iq/pdf_up/2285/guide-A.pdf

جایگاه عراق در سیاست‌های بین‌المللی سازمان بازرسی
کل کشور جمهوری اسلامی ایران:

همسایگان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارای جایگاه ویژه‌ای هستند؛ روابط ایران با عراق روابطی راهبردی و بر اساس اعتماد متقابل و حسن اجرای تعهدات است در سال گذشته میلادی سطح تجاری دو طرف با یکدیگر بالغ بر ۱۲ میلیارد دلار برآورد شده است که با تشکیل اتاق بازرگانی مشترک میان دو طرف رسیدن به مرز ۲۰ میلیارد دلار در سال جاری میلادی دور از دسترس نیست.

این حجم از روابط در حوزه اقتصادی قطعاً به سازوکارهای مشترک نظارت اقتصادی جهت جلوگیری از سوء جریان مالی نیز نیازمند است؛ سازمان بازرسی کل کشور جمهوری اسلامی ایران و کمیسیون درستکاری جمهوری عراق به عنوان دو نهاد اصلی که وظیفه مبارزه با فساد و پیگیری اجرای قانون را در کشورهای متبوع خود بر عهده دارند می توانند با همکاری های مستمر و همسو با دیگر مجموعه های دخیل در روابط دو کشور به سلامت روابط اقتصادی میان دو کشور کمک نمایند.

هم‌چنین تجارب این دو نهاد در زمینه مبارزه با فساد و شعوب مختلف آن از جمله قانون‌گذاری، تشکیل ساختار مؤثر و حاکم کردن نگاه سیستمی در مبارزه با فساد می‌تواند زمینه بسیار مناسبی جهت گسترش روابط در عرصه مبارزه با فساد میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق باشد.

در همین راستا سازمان بازرسی کل کشور جمهوری اسلامی ایران و کمیسیون درستکاری جمهوری عراق طی چند سال گذشته باهدف گسترش روابط با زمینه‌های مذکور اقدام به برقراری روابط دوجانبه نمودند و بر اساس منافع متقابل و با در نظر گرفتن اولویت‌های خود تصمیم گرفتند یادداشت تفاهمی در زمینه‌های مبارزه با فساد، شیوه‌های نوین در امر مبارزه با فساد، تحقیق، پیگیری و تبادل تجربیات و اطلاعات به امضا برسانند.

این یادداشت تفاهم در تاریخ ۵ اسفندماه ۱۳۹۴ توسط قاضی سراج ریاست سازمان بازرسی کل کشور جمهوری اسلامی ایران و جناب آقای دکتر یاسر الیاسری رئیس کمیسیون درستکاری جمهوری عراق امضا خواهد شد.

افق آینده و نتیجه گیری:

جمهوری عراق دولت کشور فقیری نیست ولی به دلیل بستر تاریخی خاص خود با ساختاری غیر کارآمد و بدون انضباط اقتصادی دسته و پنجه نرم می‌کند و تاکنون نتوانسته آن‌گونه که شایسته

فرماندهان جوان

یادی از فرماندهان جوان در جبهه‌های جنگ

حاج یونس؛ فرمانده ۲۱ ساله



«یونس زندگی آبادی» در سال ۱۳۶۰ و تنها یک سال پس از آغاز جنگ به عضویت سپاه پاسداران درآمد و شجاعت و دلیری او باعث شد در حالی که تنها ۲۱ سال داشت از سوی سردار قاسم سلیمانی فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله، به فرماندهی تیپ امام حسین علیه‌السلام برسد. او در ۲۵ دی ۱۳۶۵ در عملیات کربلای ۵، زمانی که تنها ۲۵ سال داشت، در شلمچه به شهادت رسید.

زین‌الدین؛ شهادت دو برادر در یک روز

«مهدی زین‌الدین» با آغاز جنگ، به همراه یک گروه ۱۰۰ نفره برای گذراندن آموزش‌های کوتاه‌مدت به جبهه‌ها رفت. او از همان ابتدای جنگ و در حالی که تنها ۲۱ سال سن داشت، توانست مسئول واحد شناسایی و پس‌از آن مسئول واحد اطلاعات و عملیات سپاه پاسداران در دزفول و سوسنگرد شود و چندی بعد به فرماندهی لشکر علی



ابن ابیطالب علیه‌السلام منصوب شد.

شهید مهدی زین‌الدین که یکی از خوش‌فکرترین و جوان‌ترین فرماندهان دفاع مقدس بود، سرانجام ۲۷ آبان ۱۳۶۳ در شرایطی که همراه با برادرش مجید باهدف شناسایی مناطق جنگی از کرمانشاه به سردشت می‌رفت، با گروه‌های مسلح جدایی‌طلب غرب کشور درگیر شد و در حالی که همراه برادرش به شهادت رسید که تنها ۲۵ سال داشت.

نگاهی هرچند گذرا به فرماندهان ایرانی در جنگ تحمیلی، گواه روشنی است بر نقش آفرینی بسیار درخشان جوانانی که شاید اولین تجربه جدی زندگی را در جبهه‌های جنگ با ارتش بعثی از سر می‌گذراندند، اما چنان باصلابت و قهرمانی پای به میدان گذاشتند که گویی سال‌ها تجربه جنگاوری داشته‌اند.

محمود کاوه



«محمود کاوه» را می‌توان یکی از جوان‌ترین فرماندهان دفاع مقدس دانست. او در شرایطی فرماندهی «تیپ ویژه شهدا» را بر عهده گرفت که تنها ۲۱ سال سن داشت. تیپ ویژه شهدا در آغاز جنگ برای جبران کمبود نیروهای آموزش‌دیده تأسیس شد و به همت شهیدان علی قمی، گلاب و گنجی زاده در پادگانی در کرمانشاه به آموزش‌های نظامی و عقیدتی پرداخت. وی در سال ۱۳۶۵ فرمانده لشکر ویژه شهدا شد. تیپ ویژه شهدا از کلیدی‌ترین یگان‌های سپاه بود و موفقیت‌ها و عملیات‌های کم‌نظیر آن با فرماندهی کاوه باعث شد به لشکر ارتقا یابد.

شهید کاوه در جریان عملیات‌های مهم فتح‌المبین، بیت‌المقدس، رمضان و خیبر حضور جدی داشت و بارها مورد اصابت گلوله و ترکش قرار گرفت و در یکی از این موارد، در منطقه عمومی حاج عمران عراق، ۱۲ ترکش نارنجک به ناحیه سر او اصابت کرد. وی سرانجام ۱۱ شهریور ۱۳۶۵ در منطقه عمومی حاج عمران و بر فراز قله ۲۵۱۹ در پی اصابت ترکش گلوله توپ در ۲۵ سالگی به شهادت رسید. کتاب‌های «فریاد زاگرس - آلواتان»، «یادگاران؛ کتاب کاوه» و «رد خون روی برف»، از کتاب‌های منتشرشده درباره جوان‌ترین فرمانده جنگ تحمیلی است.

سال فرماندهی لشکر ۱۴ امام حسین علیه السلام، ۷ سال فرماندهی قرارگاه حمزه سیدالشهدا و قرارگاه رمضان و همچنین ۵ سال فرماندهی نیروی هوایی سپاه، بخشی از مسئولیت‌های او بوده است. وی سرانجام در ۱۹ دی ۱۳۸۴ در جریان سانحه هوایی سقوط هواپیمای فالکن در نزدیکی ارومیه به هم‌زمان شهیدش پیوست.

و دیگران

جوانان برومند و شجاع دیگری هم بوده‌اند که در جریان ۸ سال دفاع مقدس مایه عزت و سربلندی ملت ایران شدند. نزدیک به ۳۰ تن از فرماندهان جنگ را می‌توان

برشمرد که بین سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۳۰ متولد شدند و سال‌های جوانی خود را در جبهه‌ها سپری کردند؛ «سید حسین علم‌الهدی» که در ۲۲ سالگی در عملیات نصر با اصابت همزمان سه گلوله تانک به شهادت رسید، تا «حسین خرازی» که لشکر پیاده ۱۴ امام حسین اصفهان را تأسیس کرد و سرانجام ۷ اسفند ۱۳۶۵ در ۲۹ سالگی در عملیات کربلای ۵ به شهادت رسید.

«محمدعلی جعفری» فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز یکی از جوان‌ترین فرماندهان دفاع مقدس بوده است. از ۲۴ سالگی در



جبهه‌ها حضور یافت و در عملیات‌های کربلای ۴ و ۵ جانباز شد. کتاب کالک‌های خاکی مجموعه‌ای خاطرات سرلشکر محمدعلی جعفری، در تیرماه ۱۳۹۲ منتشر شده است.

موحد دانش؛ فرمانده‌ای با دست قطع‌شده



علیرضا موحد دانش یکی دیگر از فرماندهان سپاه پاسداران بود که در عملیات‌های فتح‌المبین، والفجر یک و والفجر دو حضور چشمگیر داشت. او از ابتدای دفاع مقدس تا دی ۱۳۵۹ به

همراه محمد جهان‌آرا به شناسایی مواضع دشمن در خرمشهر مشغول بود. علیرضا موحد دانش در عملیات والفجر یک دوباره مجروح شد و سرانجام ۱۳ مرداد ۱۳۶۲ در جریان عملیات والفجر دو در منطقه حاج عمران، به شهادت رسید. بنابر برخی خاطره‌های هم‌زمانش، درحالی‌که به شدت زخمی شده بود، خود را به سنگر عراقی‌ها رساند و سیم ارتباطی آن‌ها با عقبه‌شان را با دندان جوید و قطع کرد و در همین حال بود که گلوله‌باران نیروهای بعثی، منجر به شهادت او در ۲۸ سالگی شد. صفحاتی از کتاب «همپای صاعقه» که کارنامه عملیاتی لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله است، به شهید موحد دانش اختصاص یافته است.

حاج احمد کاظمی



سردار سرلشکر احمد کاظمی یکی دیگر از فرماندهانی است که در سال‌های جوانی به نقش‌آفرینی در جبهه‌های جنگ علیه رژیم بعث عراق پرداخت. او در ابتدای پیروزی انقلاب

برای مقابله با دشمنان داخلی انقلاب در اوایل ۱۳۵۹ به کردستان رفت. او که جزء اولین اعضای سپاه پاسداران بود، به همراه یک گروه ۵۰ نفره در آبادان حضور یافت؛ گروهی که پس از مدتی لشکر زرهی ۸ نجف اشرف به فرماندهی احمد کاظمی شد و صدها تانک و نفربر و ماشین‌آلات جنگی از نیروهای عراقی به غنیمت گرفت.

دو سال فرماندهی جبهه فیاضیه آبادان و ۶ سال فرماندهی لشکر ۸ نجف اشرف از سمت‌های او در جنگ تحمیلی و همچنین یک

بخش نکته‌ها شامل مطالب ادبی، داستان کوتاه، شعر، خاطره، دکلمه و... می‌باشد. همکاران محترم می‌توانند مطالب خود را در این زمینه جهت درج در ماهنامه به دفتر نشریه ارسال نمایند.

شکل نتیجه حرکت است

فقط آدم مرده است که مشکل ندارد. پس هر وقت با مشکلی مواجه شدی، برو خدا را شکر کن و بگو: «خدا را شکر، زنده‌ام!» مشکل، محصول حرکت است. یعنی من در سن ۶۳ سالگی یک نوع مشکل دارم، در ۳۰ سالگی مشکل دیگری داشتم. الآن آن مشکل دیگر برای من مشکل به شمار نمی‌رود.

چون حرکت می‌کنم، موانعی سر راهم پدیدار می‌شود که آن‌ها را باید حل کنم؛ باید از آن‌ها عبور کنم. اسم این موانع را می‌گذاریم «مشکل». مشکل در حقیقت نشانه زنده‌بودن و حرکت داشتن است؛ نه باید از آن وحشت کرد و نه احتراز و دوری یا فرار. مشکل، واقعیت زندگی است؛ از آن لذت ببرید! در حقیقت، خود زندگی است.

فرهنگ سه خطی

یک روز فرانتس کافکا نویسنده‌ی فرانسوی، در حال قدم زدن در پارک، چشمش به دختر بچه‌ای افتاد که داشت گریه می‌کرد. کافکا جلو می‌رود و علت گریه‌ی دخترک را جویا می‌شود. دخترک همان‌طور که گریه می‌کرد پاسخ می‌دهد: عروسکم گم شده... کافکا باحالتی کلافه پاسخ می‌دهد: امان از این حواس پرت، گم نشده، رفته مسافرت! دخترک دست از گریه می‌کشد و بهت زده می‌پرسد: از کجا میدونی؟ کافکا هم می‌گوید:

برات نامه نوشته و اون نامه پیش منه... دخترک ذوق زده از او می‌پرسد که آیا آن نامه را همراه خودش دارد یا نه؟ کافکا می‌گوید: نه، توی خانه است. فردا همین‌جا باش تا برات بیاورمش...

کافکا سریعاً به خانه‌اش بازمی‌گردد و مشغول نوشتن نامه می‌شود و چنان با دقت که انگار در حال نوشتن کتابی مهم است. این

برخورد با رشوه‌خواری

رشوه را می‌توان از قدیمی‌ترین جرایم تاریخ کیفری بشر دانست. سابقه تاریخی این جرم به زمان تشکیل اولین دولت‌ها و ساختار دیوان‌سالاری در سطح جهان بازمی‌گردد. حکومت‌ها نیز چون این جرم را مخل نظم و موجب بی‌اعتمادی مردم به حاکمیت می‌دانستند مجازات‌های بسیار سنگینی برای آن‌ها در نظر گرفتند به‌عنوان مثال



هردوت مورخ بزرگ یونانی در کتاب خود آورده است که کمبوجیه، دومین پادشاه هخامنشی دستور داد تا یکی از قضات بزرگ به نام سیسامنس را به جرم دریافت رشوه اعدام کنند، پوست از تنش جدا کنند و آن پوست را بر مسند قضاوت پهن کنند سپس پسر قاضی را به جای او منصوب کرد و به او یادآوری کرد که بر چه جایی نشسته است.

نامه‌نویسی از زبان عروسک را به مدت سه هفته هر روز ادامه می‌دهد و دخترک در تمام این مدت فکر می‌کرده آن نامه‌ها به‌راستی نوشته عروسکش هستند.

در نهایت کافکا داستان نامه‌ها را با این بهانه عروسک که «دارم عروسی می‌کنم» به پایان می‌رساند این ماجرای نگارش کتاب «کافکا و عروسک مسافر» است.



اینکه مردی مانند فرانسیس کافکا سه هفته از روزهای سخت عمرش را صرف شاد کردن دل کودکی کند و نامه‌ها را «به گفته همسرش دورا» با دقتی حتی بیشتر از کتاب‌ها و داستان‌هایش بنویسد، واقعاً تأثیرگذار است.

«او واقعاً باورش شده بود.» اما باورپذیری بزرگ‌ترین دروغ هم‌بستگی به صداقتی دارد که به آن بیان می‌شود. «اما چرا عروسکم برای شما نامه نوشته؟»

این دومین سوال کلیدی بود! و او (کافکا) خود را برای پاسخ دادن به آن آماده کرده بود. پس بی‌هیچ تردیدی گفت: چون من نامه‌رسان عروسک‌ها هستم.

(کافکا دارای دکترای حقوق بود اما هرگز به وکالت نپرداخت. روحیات لطیفش این اجازه را نمی‌داد. او در اثر سل در جوانی درگذشت. وی از بزرگ‌ترین نویسندگان جهان است.)

کافکا و عروسک مسافر

جامعه‌ای که در آن راه‌های طولانی، راه‌های کم رفت و آمد و خلوتی شده، جامعه‌ای که در آن هیچ‌کس حوصله‌ی صبر و شکیبایی برای به دست آوردن هدفی را ندارد، جامعه‌ای استتوسی است. جامعه‌ای که برای رسیدن به هدف، فقط به‌اندازه‌ی خواندن همان سه خط بالای استتوس‌ها زمان می‌گذارد! جامعه‌ی مبتلا به «فرهنگ سه خطی»!

ما مردمی شده‌ایم لنگه‌ی پینوکیو، که دوست داریم طلاهایمان را بکاریم تا درخت طلا برداشت کنیم. مردمی که دنبال گلد کوی ای است و پنتاگون و شرکت‌های هرمی...ی مشابه می‌افتند، یک جای کارشان لنگ می‌زند. آن جای کار هم‌اسمش

«فرهنگ شکیبایی» است.

فرهنگ سه خطی به ما می‌گوید اگر نوشته‌ای بیش‌تر از سه سطر شد، نخوان! فرهنگ سه خطی به ما می‌گوید راه رسیدن به هدف چون درست است، طولانی است، پس یا بی‌خیالش بشو یا سراغ میان‌بر بگرد!

فرهنگ سه خطی است که نزول‌خوری دارد، اختلاس دارد، دزدی دارد، بی‌سوادی دارد، رشوه دارد، تن‌فروشی دارد، حق‌خوری و هزار جور درد بی‌درمان دیگر دارد. فرهنگ سه خطی است که این‌همه آدم بی‌کار دارد.

آدم‌های بی‌کاری که توقع دارند یک ساعت در روز کار کنند و ماهی چند میلیون درآمد داشته باشند!

برای درک عمیق فاجعه‌ای که بر سر فرهنگ ما آمده، نیازی نیست خیلی جای دوری برویم. به همین فیس‌بوک که نگاه کنیم، همه‌چیز دستان می‌آید. وقتی که کسی می‌نویسد: «او! طولانی بود، نجوندم!» یا «سرسری یه نگاه انداختم، با کلیتش موافقم!» یا «چه حوصله‌ای!» یا «لایک کردم، ولی نجوندم!» و...

یعنی یک پلی درجایی از مسیر فرهنگ ما شکسته است که هیچ رفتنی به هدف نمی‌رسد.

آن پل، همان فرهنگ شکیبایی است.

جامعه‌ای که همه‌چیز را ساندویچی می‌خواهد، در مطالعه، سه خط است توس برایش بس است.

در ازدواج؛ بین عشق و نفرت‌اش ده ثانیه زمان می‌برد.

در سیاست؛ بین زنده‌باد و مرده بادش، نصف روز کافی است.

در کار؛ از فقر تا ثروتش یک اختلاس فاصله دارد.

در تحصیل؛ از سیکل تا دکترایش یک مدرک آب می‌خورد.

در هنر؛ از گمنامی تا شهرتش به‌اندازه‌ی یک فیلم دودقیقه‌ای در یوتیوب است!

فرهنگ سه خطی به من اجازه می‌دهد چیزی را نخوانده، بیسندم.

موضوعی را نفهمیده، تحلیل کنم.

راهی را نرفته، پیشنهاد بدهم.

دارویی را نخورده، تجویز نمایم.

نظری را ندانسته، نقد کنم...

فرهنگ سه خطی به من اجازه می‌دهد به هر وسیله‌ای برای رسیدن به هدفم متوسل شوم.

چون حوصله‌ی راه‌های درست را «که طولانی تر هم هست» ندارم!



روز محشر کارما با فاطمه است نقش پیشانی ما یا فاطمه است

نشریه آینه بازرسی از مطالب همکاران در زمینه‌های
مختلف، ادبی، شعر، عکس، مقاله و... استقبال می‌کند.

دبیر تحریریه: حسین علی پور
گروه تحریریه: یاسر فاتحی، علی فخریمی
صفحه آرا: مجید مقصودی
امور وب سایت: حسین برنده‌غیبی
تلفن: ۶۱۳۶۲۸۳۱

نشریه سازمان بازرسی کل کشور
سال ششم / شماره ۷۵ / اسفند ۱۳۹۴
صاحب امتیاز: سازمان بازرسی کل کشور
مدیر مسئول: محمدحسین صیوفی نفیس
سرمدیر: محمدجواد صلواتی تهرانی